



دیدار دکتر کریمی با کارکنان منطقه تهران بزرگ

بازدید مدیر مالی و مشاور مدیرعامل از منطقه کرمان

یادگیری خشونت و پرخاشگری

آشنایی با ساختار سازمانی

چشم اندازی برای زندگی

روابط عمومی و مدیریت بحران

در نشست هیئت مدیره مطرح شد
اسلام کریمی: باید با همه توان خدمتگذار جامعه
ایثارگری باشیم



دانسته ها و بایسته های شغلی



توریسم و جاذبه های توریستی

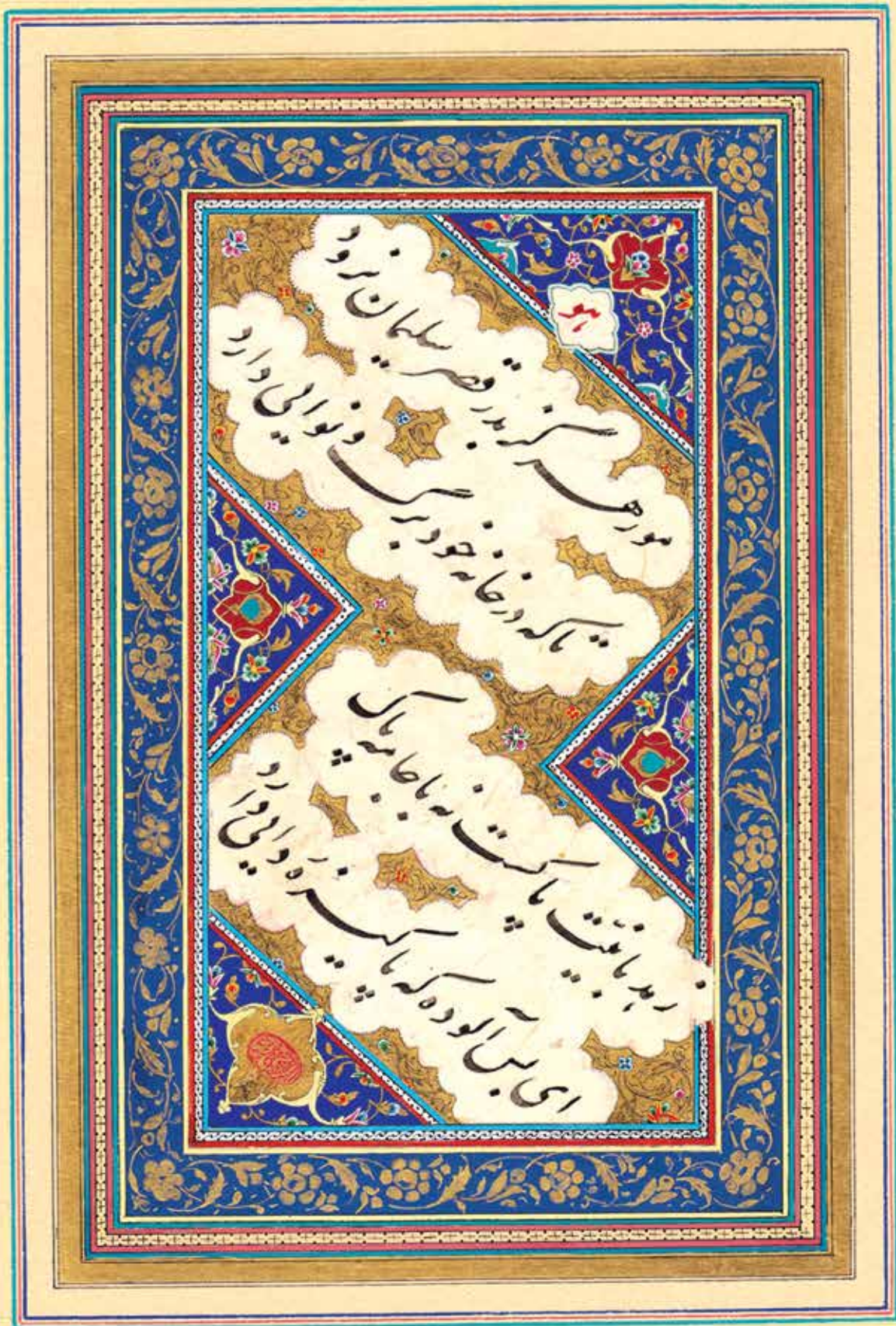


اخبار و اطلاع رسانی



معرفی سرمایه های انسانی





نام اثر: نیت پاک / چلیپای نستعلیق / شعر: پروین اعتصامی / خط: رضا صفری



نشریه داخلی صندوق قرض الحسنه شاهد

ماهنامه طلوع حسنه شاهد
سال سوم، شماره بیست و پنجم
مهرماه ۱۴۰۰



صاحب امتیاز

صندوق قرض الحسنه شاهد

مدیر مسئول

دکتر اسلام کریمی

سر دبیر

دکتر مجتبی عباسی قادی

دبیر اجرایی

اکبر کریمی

همکاران تحریریه در این شماره

دکتر اسلام کریمی

دکتر مجتبی عباسی قادی

حسین حسینی نژاد

رویا امیدوار

فاطمه اجلی قشلاقی

سید جعفر سیدی

علیرضا زارعی

رضا شابهاری

گفتگوها

اکبر کریمی

ویراستار

کبری سلیمانی پیشه‌وری

طراحی و صفحه‌آرایی

حمیدرضا احمدی / استودیو «اچ‌ای برادرز»

ناشر

مجتمع چاپ کوثر

نشانی

تهران، خیابان گاندی جنوبی

خیابان بیست و یکم، پلاک ۲

صندوق قرض الحسنه شاهد

کدپستی

۱۵۱۷۸۶۴۸۱۱

تلفن

۸۸۶۴۴۲۷۴، ۸۸۶۷۲۷۰۱

داخلی: ۲۱۵

دورنگار

۶۶۴۶۷۵۲۹

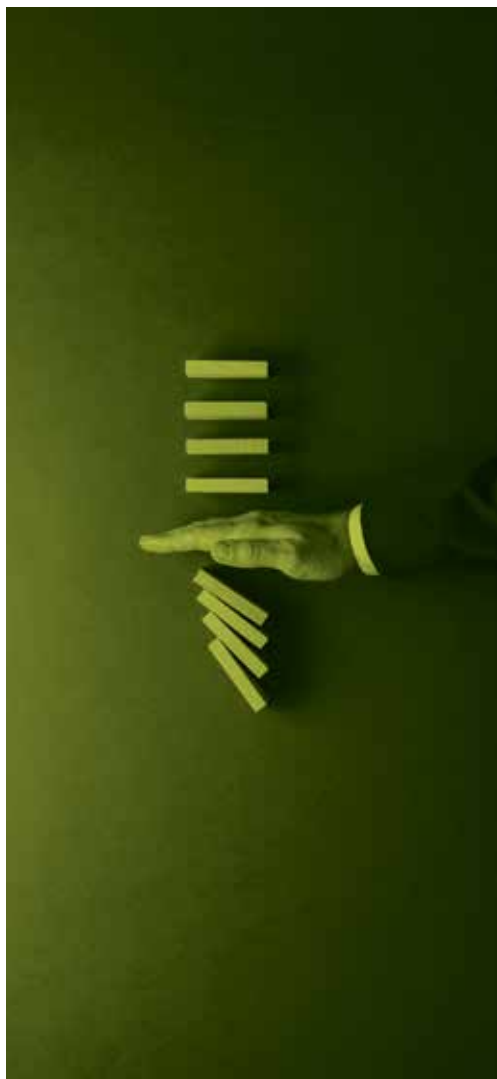
toulohasanehshahed@gmail.com



@toulohasanehshahed



۰۹۰۲۰۲۴۵۱۰۰



۱۶

آموزش و پژوهش



۱۶

بایسته‌ها و دانسته‌های شغلی

فهرست مطالب

۶

سخن مدیر مسئول

۷

سخن سردبیر

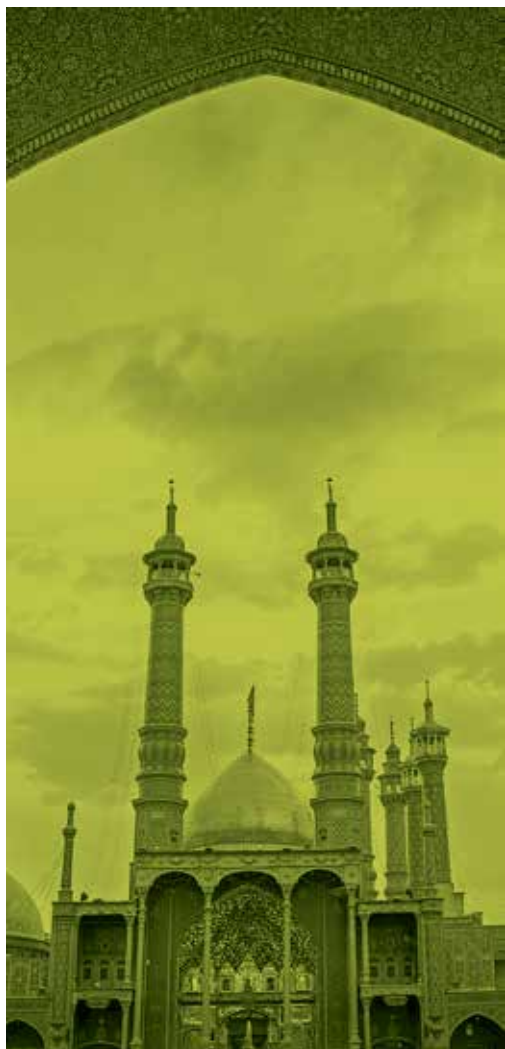
۸

اخبار و اطلاع‌رسانی



۵۷

جاذبه‌های
گردشگری استان قم



۷۰

برترین‌های دانش‌آموزی



۴۴

معرفی سرمایه‌های انسانی



۴۸

فرهنگی



نقش نخبگان در تغییرات اجتماعی جوامع

دکتر اسلام کریمی

باید اذعان داشت که همواره چنین نیست. به طور کلی، با توجه به دو ملاک اقتدار (حاکمیت) و نیز نفوذ، می‌توان شش نوع نخبگان به شرح زیر به دست داد: ۱. نخبگان سنتی و مذهبی، ۲. نخبگان تکنوکراتیک، ۳. نخبگان مالکیت، ۴. نخبگان کاریزماتیک، ۵. نخبگان ایدئولوژیکی و ۶. نخبگان سمبولیک.

زمانی که نخبگان با کنش‌های خود بتوانند تغییرات ساختی در یک نظام اجتماعی یا جامعه ایجاد کنند، به گونه‌ای که تمامی اجتماع یا بخشی از آن را دربرگیرد یا آن را متأثر سازد، در این صورت ما می‌توانیم از کنش تاریخی سخن به میان آوریم که تحت تأثیر همین عاملان تغییر شکل می‌گیرد و به ظهور می‌پیوندد. بنابراین بسته به این‌که کدام دسته از نخبگان بتوانند تغییرات ساختی در یک نظام اجتماعی ایجاد کنند، پیامدها و نتایج متفاوتی به دنبال خواهد داشت. به طور کلی، کنش‌های تاریخی نخبگان در نوع تغییرات یک جامعه به طور عام و تغییرات اجتماعی و فرهنگی به طور خاص را می‌توانیم در دو بعد: الف) فرایند تصمیم‌سازی و ب) فرایند الگوسازی قرار دهیم. بررسی‌ها و مطالعات تاریخی، نشان‌دهنده نقش کلیدی نخبگان در تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جوامع است. تجربه شایان توجه بسیاری از کشورهای پیشرفته و توسعه یافته و همچنین کشورهای آسیای جنوب شرقی نیز حاکی از آن است که نخبگان کشور، با ایفای نقش اساسی خود در فرایند تصمیم‌گیری امور، تأثیری مهم در فرایند توسعه ایفا می‌کنند.

نخبه یا سرآمد، از ریشه لاتین Eligere به معنای «گزیدن یا انتخاب کردن» گرفته شده است. واژه نخبه در قرن هفدهم میلادی برای توصیف کالاهایی با مرغوبیت خاص به کار می‌رفت و بعدها کاربرد آن برای اشاره به گروه‌های اجتماعی برتر، مانند واحدهای ضربت نظامی با مراتب عالی تر از اشراف تعمیم یافت. قدیمی‌ترین کاربرد آن در زبان انگلیسی بر طبق فرهنگ انگلیسی آکسفورد برای اشاره به گروه‌های اجتماعی بوده است. سرآمد یا نخبه، به هر آنچه بهتر از دیگران و شایسته‌ترین باشد، اطلاق می‌شود. از واژه سرآمدان، فرهیخته‌ترین طبقات یک جامعه، آنان که تواناترین افراد در اداره مؤثر جامعه و خدمت بدانند، برمی‌آید. نخبگان، اشخاص یا گروه‌هایی هستند که در نتیجه قدرتی که به دست می‌آورند و تأثیری که بر جای می‌گذارند یا به وسیله تصمیماتی که اتخاذ می‌کنند یا از طریق ایده‌ها، احساسات یا هیجاناتی که به وجود می‌آورند، در کنش تاریخی یک جامعه مؤثر واقع می‌شوند. نخبه، یک برگزیده و شامل گروه کوچکی از شهروندان یا سازمان‌هاست که مقدار زیادی از قدرت را تحت کنترل خود دارند. در جوامع سنتی، اشراف، سرآمدان جامعه به حساب می‌آمدند و اساس برتری آنان را خاندان تشکیل می‌داد. جنگ یا امتیازات اجتماعی و اقتصادی هم مبنای گزینش سرآمدان بود. در یک جامعه صنعتی که پذیرش صلاحیت و آمادگی حرفه‌ای را ایجاب می‌کند، اساس گزینش سرآمدان را شایستگی، احراز بیش‌ترین توانمندی‌های فکری و اخلاقی و سجایای لازم برای رهبری و درک معنی و مفهوم مسئولیت‌ها تشکیل می‌دهد. البته

شاهد تیریک و شادباش عرض کنم. دو سال از اولین نسخه منتشرشده گذشته است و ما سعی داشتیم در حوزه‌های مختلف اخبار و اطلاع‌رسانی، مدیریت دانشی (در قالب محتواهای آموزشی و پژوهشی و نیز موضوعات فرهنگی)، بعد شناختی سرمایه اجتماعی سازمانی (در قالب بایسته‌ها و دانسته‌ها و تجارب شغلی) قدم‌هایی برداریم.

اینک که با انتشار نسخه بیست و پنجم نشریه، وارد سال سوم شدیم، برآنیم که در بخش‌های مختلف، تغییراتی در راستای غنی‌سازی و کیفیت بخشی نشریه به وجود آوریم. بنابراین سعی داریم که در بخش آموزش و پژوهش، به موضوعات مرتبط با حوزه‌های مختلف کاری صندوق از اعتبارات و تسهیلات، مالی و خزانه، CRM، IT و... در قالب مصاحبه‌ها با همکاران محترم اقدام کنیم. علاوه بر آن، برآنیم که مطالب متنوع رسانه‌ای را جهت آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی در اختیار مخاطبان قرار دهیم. همچنین به ارائه آثار و دستاوردهای همکاران و نیز خانواده‌های آنان در بخش مربوطه و نیز ذکر مطالب انگیزشی اقدام کنیم.

در نهایت، از تمام همکاران و مخاطبان محترم خواهشمندیم که ما را از نکات نقادانه و ارزشمند خود بی‌نصیب نگذارند. امید که با هماهنگی و هم‌افزایی که میان مجموعه دست‌اندرکاران نشریه داخلی طلوع حسنه شاهد به وجود آمده است؛ بتوانیم در پیشبرد هرچه بهتر مأموریت و اهداف صندوق و نشریه، اقدامات اثربخشی در قالب تولید و بازنمایی محتواها به سرانجام برسانیم. ان شاء الله!

همگان براین اجماع داریم که امروزه رسانه‌ها، خاصه رسانه‌های مجازی، تمامی شئونات زندگی بشر را از فرهنگ، سیاست، اقتصاد و اجتماع گرفته تا امورات مرتبط با سبک زندگی، تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. امروزه کم‌تر کسی را می‌توان در این کره خاکی یافت که در معرض کوران اطلاعات و داده‌هایی نباشد که هر لحظه از سوی رسانه‌ها و خاصه شبکه‌های اجتماعی مجازی مورد تولید و بازتولید قرار می‌گیرند؛ تا جایی که عرصه مجازی به محملی برای بازتولید هویت‌های خاموش و برنامه‌دار در مقابل هویت‌های مشروعیت بخش تبدیل شده است؛ امری که از سوی مانوئل کاستلز، جامعه‌شناس اسپانیایی و نویسنده مهم سه‌گانه عصر اطلاعات تأکید شده است. در این بین، مخاطبان رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی، بنا به نگرش و ذائقه‌های خود که آن هم برگرفته از میادین مختلفی است که در آن پرورش یافته‌اند؛ نسبت به برخی از محتواها کشش و گرایش نشان می‌دهند و گاهی خود نیز در قالب روزنامه‌نگاران شهروندی به تولید محتوا در این فضا مبادرت می‌ورزند. به طور کلی، امروزه رسانه‌ها، چه در شکل سنتی و چه مجازی، به عنوان بازوان جامعه مدنی و حوزه عمومی، نقش بدیلی در آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی، پیوستگی، کنترل و نظارت و... برعهده دارند.

با این مختصر در خصوص رسانه‌ها و نقش آن در جهان امروز، در ابتدای سخن بر خود لازم می‌دانم که شروع سال سوم انتشار نشریه داخلی طلوع حسنه شاهد را به مخاطبان و همکاران صندوق قرض الحسنه



به مناسبت گرامیداشت هفته دفاع مقدس برگزاری مسابقات ورزشی ویژه کارکنان دفتر مرکزی

مسابقات ورزشی ویژه کارکنان دفتر مرکزی صندوق به مناسبت گرامیداشت هفته دفاع مقدس برگزار شد. این مسابقات که در سه بخش تنیس روی میز، فوتبال دستی و پرتاب دarts برنامه ریزی شده بود با حضور کارکنان برگزار شد.



تقدیر از نفرات برتر مسابقات فرهنگی - ورزشی

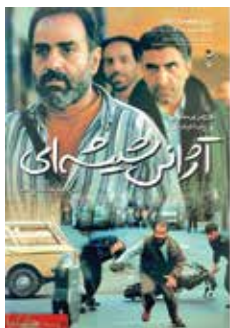


در پایان برنامه، دکتر اسلام کریمی، مدیرعامل و عضو هیئت مدیره صندوق، طی سخنانی از مشارکت حداکثری کارکنان در این مسابقات تشکر کرد و گفت: «افزایش سلامت جسمی و فکری در کارکنان، باعث ارائه خدمات مطلوب‌تر به جامعه هدف خواهد شد؛ به همین دلیل همواره توجه به این مهم در دستور کار قرار داشته است.»
گفتنی است در انتهای این مراسم از نفرات برتر مسابقات فرهنگی - ورزشی کارکنان گرامیداشت هفته دفاع مقدس با اهدای گل و هدایایی تقدیر به عمل آمد.

مراسم تقدیر از نفرات برتر مسابقات فرهنگی - ورزشی کارکنان، به مناسبت گرامیداشت هفته دفاع مقدس همزمان با آغاز ماه ربیع الاول در صندوق قرض الحسنه شاهد با حضور مدیرعامل، اعضای هیئت امناء و مدیر، مدیران ستادی و کارکنان دفتر مرکزی برگزار شد.
در این مراسم، پس از قرائت آیاتی چند از کلام الله مجید، دکتر رضا صفری، مدیر فرهنگی صندوق، به ارائه گزارشی از اقدامات فرهنگی - ورزشی در سال ۱۴۰۰ پرداخت و از برنامه‌های آتی این مدیریت در آینده پیش رو گفت.
پس از گزارش مدیر فرهنگی، کلیپی حماسی با عنوان «شور وطن» پخش شد تا تقدیری باشد از حافظان امنیت کشورمان در نیروهای مسلح که در دفاع مقدس با جانفشانی خود از ناموس و کیان وطن دفاع کردند.
در ادامه، حجت الاسلام سیدحسن مؤذنی، عضو هیئت امنای صندوق قرض الحسنه شاهد، ضمن تبریک آغاز ماه ربیع الاول، به نکاتی چند از برکات و فضیلت‌های ماه مبارک ربیع الاول پرداخت.

رشته ورزشی	عنوان	بانیان	آقایان
تنیس روی میز	نفر اول: رویا امیدوار	نفر اول: صادق شعارتاج احمدی	
	نفر دوم: مریم طاهری	نفر دوم: هادی سلگی	
	نفر سوم: فاطمه دادقلی	نفر سوم: روح الله گلزاری	
فوتبال	نفر اول: هاتیه گلستانیان	نفر اول: کوردز علی بخشی	
	نفر دوم: سیمین قربانی	نفر دوم: میلاد تیکهخواه	
	نفر سوم: رویا امیدوار	نفر سوم: غلامحسین مرادی	
فوتبال دستی	تیم برنده: رویا امیدوار - مریم طاهری	تیم برنده: عبدالله عباسی - امیررضا هنرآوازی	
مسابقه فرهنگی	نفر اول: سینا طایفه ابراهیمی فرد	نفر دوم: مهرداد مولوی	نفر سوم: ساسا کاظمی

با نمایش فیلم‌های سینمایی هر روز یک روایت از دفاع مقدس



به همت مدیریت فرهنگی صندوق قرض الحسنه شاهد و به مناسبت گرامیداشت چهلمین سالگرد هفته دفاع مقدس، با هدف ترویج فرهنگ متعالی ایثار و شهادت، هر روز یک فیلم سینمایی با روایتی از وقایع دوران جنگ به نمایش درآمد.

به مناسبت گرامیداشت هفته دفاع مقدس دیدار مدیر اداری و منابع انسانی با مادر شهید روحانی محمد خدری

انتخاب رضایت کامل داشته و معتقدم لیاقت رسیدن به این مقام را داشت.» مدیر اداری و منابع انسانی صندوق نیز در این دیدار ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهیدای انقلاب، جنگ تحمیلی و مدافعان حرم و سلامت، به نمایندگی از دکتر اسلام کریمی، مدیرعامل و عضو هیئت مدیره صندوق، با اهدای گل و هدایایی از مادر شهید روحانی محمد خدری، تجلیل کرد.

غلامحسین مرادی، مدیر اداری و منابع انسانی صندوق قرض الحسنه شاهد، به همراه جمعی از کارکنان این مدیریت، به مناسبت هفته دفاع مقدس به دیدار خانواده شهید والامقام محمد خدری رفتند. در این دیدار، مادر شهید خدری از خصوصیات و خاطرات فرزند شهیدش گفت و تأکید کرد: «محمد، راه شهادت در مسیر اسلام و خدا را برگزید و من از این



برگزاری جلسه هیئت مدیره در مهرماه



جلسه هیئت مدیره صندوق قرض الحسنه شاهد با حضور دکتر اسلام کریمی، مدیرعامل و عضو؛ محمود تبریزی، رئیس؛ ابراهیم محسنی و سارا کشفی، اعضای هیئت مدیره در سالن جلسات شهدای سلامت برگزار شد. در این نشست و براساس دستور جلسه اعضای هیئت مدیره، به بحث و تبادل نظر پیرامون موضوعات مختلف پرداختند و در راستای بهبود کیفیت خدمات به اعضا، تصمیماتی اتخاذ کردند.

پیام تسلیت دکتر اسلام کریمی به مناسبت ایام رحلت پیامبر اسلام (ص) و شهادت امام حسن (ع) و امام رضا (ع)



دکتر اسلام کریمی، مدیرعامل صندوق قرض الحسنه شاهد، طی پیامی ایام رحلت نبی مکرم اسلام، حضرت محمد مصطفی (ص) و شهادت فرزندان معظم ایشان، امام حسن مجتبی (ع) و امام رضا (ع) را بر عاشقان خاندان عصمت و طهارت تسلیت گفت. در این پیام آمده است: «در سوگ نبی، جهان پُر از ماتم شد زین داغ گران، قامت هستی خم شد دیوار و در مدینه فریاد زنان می گفت دل فاطمه پُر از غم شد

سلام بر خاتم مهربانی و عشق، سلام براو که گام‌های مهتابی‌اش شب‌های جهل بشر را به جاده‌های راستی کشاند. روزهای پایانی ماه صفر برای جهان اسلام و مذهب شیعه، ایامی حزن‌انگیز و مایه تأثر و تألم است. در این ایام، آخرین ستاره اتصال به وحی الهی در سپهر هدایت خاموش شد. بی‌گمان سلوک در مسیر معرفت و حقانیت خاندان پیامبر جهان، بشریت را به سوی سعادت دنیوی و اخروی نزدیک کرده و مسیر توحید و تقوا را به ما نشان می‌دهد. این جانب به نمایندگی

از کارکنان صندوق قرض الحسنه شاهد، فرارسیدن سالروز رحلت حضرت محمد مصطفی (ص) و شهادت مظلومانه صاحب کرامت و شفیع قیامت، امام حسن مجتبی (ع) و هشتمین پیشوای معصوم، حضرت امام رضا (ع) را به تمامی مسلمانان، به ویژه خانواده‌های معظم و معزز شاهد و ایثارگر عضو صندوق تسلیت عرض می‌کنم.»

بازدید مدیر مالی و مشاور مدیرعامل از منطقه کرمان



منطقه، با سفر به شهرستان بردسیر و حضور در بنیاد شهید و امور ایثارگران این شهرستان، ضمن دیدار با بانکدار اجرایی صندوق، مشکلات خانواده‌های معزز و معظم شاهد و ایثارگر عضو در بردسیر را بررسی و پیگیری کردند. گروه بازرسی صندوق شاهد، در پایان مأموریت خود با همراهی رئیس و کارکنان صندوق قرض الحسنه شاهد، به گلزار شهدای شهر کرمان رفتند و مزار مطهر سپهبد شهید سردار حاج قاسم سلیمانی را زیارت کردند.

محمد طایفه ایرایی فرد، مدیر مالی و خزانه و رضا شابهاری، مشاور مدیرعامل، با حضور در استان کرمان ضمن بازدید از صندوق قرض الحسنه شاهد منطقه کرمان، در نشستی با حضور رئیس و کارکنان منطقه، درخصوص موضوعات مختلف پیرامون وظایف و مأموریت‌های صندوق به گفتگو و تبادل نظر پرداختند. طایفه ایرایی فرد و شابهاری، پس از بازدید از دفتر منطقه کرمان، به اتفاق علی آقاملایی، رئیس این

دیدار دکتر کریمی با کارکنان منطقه تهران بزرگ



تلاش شبانه‌روزی در عین خدمت‌رسانی شایسته به اعضا، موانع موجود در مسیر را کنار بزنند.»

در پایان این دیدار، دکتر کریمی ضمن گفتگوی صمیمانه با کارشناسان منطقه، از آن‌ها خواستند نظرها، انتقادات و پیشنهادهای خود را درخصوص بهبود فرایندهای کاری و تسریع خدمات به اعضا منعکس کنند.

دکتر اسلام کریمی، مدیرعامل و عضو هیئت‌مدیره صندوق، در دیداری سرزده از منطقه تهران بزرگ، ضمن حضور در دفتر این منطقه، با رئیس و کارکنان آن دیدار کرد. در ابتدا سیده فاطمه حسینی فخر، رئیس منطقه تهران بزرگ، ضمن ارائه گزارش عملکرد از اقدامات و فعالیت‌های انجام‌شده این منطقه، از محدودیت‌ها و چالش‌های موجود در ارائه خدمات مطلوب به جامعه هدف گفت.

در ادامه، مدیرعامل صندوق با تقدیر از زحمات کارکنان این منطقه، اظهار داشت: «وظیفه مجموعه صندوق قرض الحسنه شاهد، ارائه خدمات مطلوب و جلب رضایت خانواده‌های معظم و معزز شاهد و ایثارگر عضو است که برای رسیدن به این مهم، همه کارکنان صندوق باید با

نشست شورای مدیران در مهرماه برگزار شد



جلسه شورای مدیران صندوق قرض الحسنه شاهد با حضور دکتر اسلام کریمی، مدیرعامل و عضو هیئت مدیره صندوق، تعدادی از اعضای هیئت مدیره، مشاوران مدیرعامل و مدیران ستادی در سالن جلسات شهدای سلامت برگزار شد.

در این نشست، مدیران صندوق ضمن ارائه گزارش عملکرد، برنامه‌های در دست اقدام مدیریت متبوع خود و همچنین پیشنهادهایی در راستای ارائه خدمات مطلوب‌تر به اعضا را مطرح کردند. پس از ارائه گزارش مدیران ستادی، دکتر کریمی، مدیرعامل صندوق نیز ضمن اتخاذ تصمیماتی در راستای ارائه خدمات مطلوب‌تر و جلب رضایت خانواده‌های معظم و معزز شاهد و ایثارگر عضو گفت: «عملکرد مجموعه صندوق

قرض الحسنه شاهد در ستاد و مناطق باید به گونه‌ای باشد که بتواند رضایت حداکثری جامعه هدف را به دست آورد.» مدیرعامل و عضو هیئت مدیره صندوق شاهد، در پایان خاطرنشان کرد: «تمامی عوامل صندوق، خدمت شبانه‌روزی به خانواده‌های معظم و معزز شاهد و ایثارگر عضو را وظیفه شرعی و قانونی خود دانسته و همواره برای ارائه خدمات شایسته‌تر، تلاش خود را به کار بسته‌اند.»

کارشناس روابط عمومی صندوق، کارمند تراز انقلاب شد



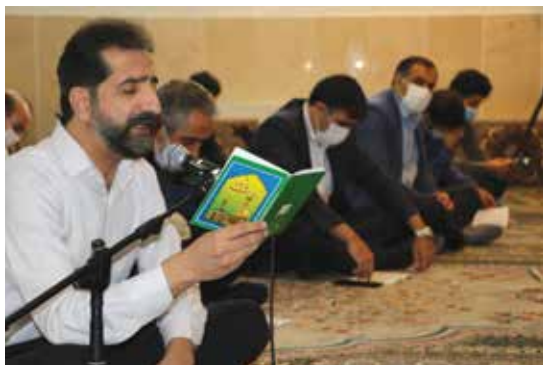
دومین وینار کشوری کارمند و مدیر تراز انقلاب اسلامی بنیاد شهید و امور ایثارگران در مجتمع شهید رسول زاده و به صورت همزمان از طریق ویدیو کنفرانس در ادارات کل بنیاد شهید و امور ایثارگران سراسر کشور برگزار شد.

در این جلسه که سرهنگ فریبرز خزایی، فرمانده مرکز مقاومت بسیج بنیاد شهید و امور ایثارگران، سردار یعقوب سلیمانی،

معاون فرهنگی و آموزشی بنیاد شهید و امور ایثارگران؛ داود نورچاهی، مدیرکل امور فرهنگی و تبلیغات بنیاد و فریده اولاد قباد، مشاور امور زنان و خانواده، رئیس بنیاد

شهید و امور ایثارگران حضور داشتند، از سرکار خانم مریم طاهری، کارشناس روابط عمومی صندوق قرض الحسنه شاهد به عنوان کارمند تراز انقلاب تقدیر به عمل آمد.

دوشنبه‌های حسینی در صندوق قرض الحسنه شاهد



طبق برنامه هفتگی، مراسم پرفیض زیارت عاشورا، با حضور مدیرعامل و کارکنان دفتر مرکزی برگزار شد. این مراسم معنوی به منظور ترویج فرهنگ عاشورایی و ارتقای سطح معنوی و روحی همکاران، هر هفته دوشنبه، رأس ساعت هشت صبح، با رعایت کامل شیوه‌نامه‌های بهداشتی در محل نمازخانه دفتر مرکزی برگزار می‌شود.

نشست رئیس منطقه سمنان با مدیرکل بنیاد و رابطین استان



توانمند بنیاد شهید در حل مشکلات جامعه ایثارگری بوده و توانسته با ارائه بهترین خدمات به جامعه هدف، رضایت خانواده‌های معظم و معزز شاهد و ایثارگر را جلب کند که از این حیث تلاش و کوشش این مجموعه قابل تقدیر است.» در ادامه این نشست مجازی، رؤسای بنیاد شهید و امور ایثارگران شهرستان‌های گرمسار، دامغان، آرادان، سرخه، مهدیشهر و شاهرود، ضمن تشکر از تلاش‌های کارکنان صندوق، به بیان مشکلات و موانع کاری در ارائه خدمات به خانواده معظم و معزز شاهد و ایثارگر پرداختند و مطالبی ارائه کردند.

نشست رئیس و کارکنان صندوق قرض الحسنه شاهد منطقه سمنان، با مدیرکل بنیاد شهید و امور ایثارگران استان، با موضوع ارزیابی عملکرد شش ماهه اول صندوق منطقه سمنان، در سالن اجتماعات شهید سیادت‌الله اداره کل بنیاد شهید و امور ایثارگران استان برگزار شد.

در این جلسه، کلامی، رئیس صندوق منطقه سمنان، به ارائه گزارش عملکرد شش ماه نخست سال ۱۴۰۰ پرداخت و پس از ارائه گزارش او، یزدانی، مدیرکل بنیاد شهید و امور ایثارگران استان سمنان، طی سخنانی در مورد عملکرد صندوق تصریح کرد: «صندوق قرض الحسنه شاهد، بازوی

گزارش تسهیلات پرداختی به تفکیک استان تا پایان مهرماه ۱۴۰۰

ردیف	نام استان	کد استان	تعداد وام شاهد	جمع وام شاهد	تعداد وام جانباز	جمع وام جانباز	تعداد وام حقوق بگیران نوع دوم	جمع وام حقوق بگیران نوع دوم	تعداد کل وام	جمع مبلغ وام
۱	ستاد مرکزی	۱۰۱	۰	۰	۰	۰	۱	۳۰۰۰۰۰۰۰۰	۱	۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۲	آذربایجان شرقی	۱۰۲	۹۸	۲۶۵۷۹۰۰۰۰۰۰	۱۱۶	۲۸۰۰۷۰۰۰۰۰۰	۰	۰	۲۱۴	۵۴,۵۸۶,۰۰۰,۰۰۰
۳	آذربایجان غربی	۱۰۳	۱۰۵	۲۹۱۶۰۰۰۰۰۰۰	۷۱	۱۷۷۳۹۰۰۰۰۰۰	۰	۰	۱۷۶	۴۶,۸۹۹,۰۰۰,۰۰۰
۴	اردبیل	۱۰۴	۵۵	۱۴۰۳۸۰۰۰۰۰۰	۶۴	۱۴۹۶۸۰۰۰۰۰۰	۳	۹۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۲۲	۲۹,۹۰۶,۰۰۰,۰۰۰
۵	اصفهان	۱۰۵	۲۸۳	۷۵۰۱۹۰۰۰۰۰۰	۳۵۳	۸۷۲۶۹۰۰۰۰۰۰	۴	۱۲۰۰۰۰۰۰۰۰	۶۴۰	۱۶۳,۴۸۸,۰۰۰,۰۰۰
۶	ایلام	۱۰۶	۴۰	۱۰۷۳۶۰۰۰۰۰۰	۷۰	۱۶۲۷۰۰۰۰۰۰۰	۲	۶۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۱۲	۲۷,۶۰۶,۰۰۰,۰۰۰
۷	بوشهر	۱۰۷	۲۳	۶۳۵۳۰۰۰۰۰۰	۳۸	۹۹۴۱۰۰۰۰۰۰	۱	۳۰۰۰۰۰۰۰۰	۶۲	۱۶,۵۹۴,۰۰۰,۰۰۰
۸	تهران	۱۰۸	۴۶۷	۱۲۸۶۶۸۰۰۰۰۰۰	۳۳۹	۹۰۲۵۵۰۶۷۰۰۰	۱۰	۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۸۱۶	۲۲۱,۹۲۳,۰۶۷,۰۰۰
۹	چهارمحال و بختیاری	۱۰۹	۴۹	۱۳۷۸۳۰۰۰۰۰۰	۷۱	۱۷۱۶۴۰۰۰۰۰۰	۱	۳۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۲۱	۳۱,۲۴۷,۰۰۰,۰۰۰
۱۰	خراسان	۱۱۰	۲۷۴	۷۵۱۴۷۰۰۰۰۰۰	۲۶۸	۶۶۶۱۴۰۰۰۰۰۰	۱۸	۵۴۰۰۰۰۰۰۰۰	۵۶۰	۱۴۷,۱۶۱,۰۰۰,۰۰۰
۱۱	خوزستان	۱۱۱	۱۸۵	۴۹۲۸۹۰۰۰۰۰۰	۱۷۰	۴۱۰۳۴۰۰۰۰۰۰	۱۷	۵۰۰۴۰۰۰۰۰۰	۳۷۲	۹۵,۲۹۶,۴۰۰,۰۰۰
۱۲	زنجان	۱۱۲	۵۳	۱۴۵۴۰۰۰۰۰۰۰	۶۲	۱۵۶۳۷۰۰۰۰۰۰	۱	۲۱۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۱۶	۳۰,۳۸۸,۰۰۰,۰۰۰
۱۳	سمنان	۱۱۳	۴۸	۱۳۲۵۲۰۰۰۰۰۰	۵۶	۱۳۶۷۲۰۰۰۰۰۰	۰	۰	۱۰۴	۲۶,۹۲۴,۰۰۰,۰۰۰
۱۴	سیستان و بلوچستان	۱۱۴	۳۶	۹۴۲۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۸	۴۳۳۹۰۰۰۰۰۰۰	۱	۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۵۵	۱۴,۰۵۹,۰۰۰,۰۰۰
۱۵	فارس	۱۱۵	۲۳۲	۶۲۹۹۲۰۰۰۰۰۰۰	۲۶۷	۶۵۵۹۳۰۰۰۰۰۰۰	۱	۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۵۰۰	۱۲۸,۸۸۵,۰۰۰,۰۰۰
۱۶	کردستان	۱۱۶	۷۲	۱۹۸۲۵۰۰۰۰۰۰۰	۸۰	۱۹۸۹۱۰۰۰۰۰۰۰	۲	۶۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۵۴	۴۰,۳۱۶,۰۰۰,۰۰۰
۱۷	کرمان	۱۱۷	۱۱۵	۳۰۳۸۱۰۰۰۰۰۰۰	۱۳۵	۳۰۳۹۸۰۰۰۰۰۰۰	۲	۶۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۲۵۲	۶۱,۳۷۹,۰۰۰,۰۰۰
۱۸	کرمانشاه	۱۱۸	۱۴۰	۳۸۲۵۲۰۰۰۰۰۰۰	۱۸۴	۴۵۹۷۱۰۰۰۰۰۰۰	۰	۰	۳۲۴	۸۴,۲۲۳,۰۰۰,۰۰۰
۱۹	کهگیلویه و بویراحمد	۱۱۹	۴۰	۱۱۰۵۸۰۰۰۰۰۰۰	۱۰۲	۲۳۴۶۸۰۰۰۰۰۰۰	۳	۹۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۴۵	۳۵,۴۲۶,۰۰۰,۰۰۰
۲۰	گیلان	۱۲۰	۷۹	۲۱۳۴۲۰۰۰۰۰۰۰	۱۲۶	۳۰۷۷۱۰۰۰۰۰۰۰	۰	۰	۲۰۵	۵۲,۱۱۳,۰۰۰,۰۰۰
۲۱	لرستان	۱۲۱	۹۱	۲۵۲۹۵۰۰۰۰۰۰۰	۱۱۳	۲۶۸۵۶۰۰۰۰۰۰۰	۱	۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۲۰۵	۵۲,۴۵۱,۰۰۰,۰۰۰
۲۲	مازندران	۱۲۲	۱۳۱	۳۶۲۱۰۰۰۰۰۰۰۰	۲۴۰	۵۸۳۹۰۰۰۰۰۰۰۰	۲	۶۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۳۷۳	۹۵,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۲۳	استان مرکزی	۱۲۳	۷۵	۲۰۴۳۰۰۰۰۰۰۰۰	۹۱	۲۲۰۴۶۰۰۰۰۰۰۰	۰	۰	۱۶۶	۴۲,۴۷۶,۰۰۰,۰۰۰
۲۴	هرمزگان	۱۲۴	۱۸	۴۷۸۷۰۰۰۰۰۰۰۰	۳۳	۷۸۷۶۰۰۰۰۰۰۰۰	۱	۲۰۵۰۰۰۰۰۰۰۰	۵۲	۱۲,۸۶۸,۰۰۰,۰۰۰
۲۵	همدان	۱۲۵	۱۰۹	۳۰۱۲۸۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۱۰	۲۷۱۴۴۰۰۰۰۰۰۰۰	۲	۶۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۲۲۱	۵۷,۸۷۲,۰۰۰,۰۰۰
۲۶	یزد	۱۲۶	۴۳	۱۱۷۳۳۰۰۰۰۰۰۰۰	۵۲	۱۲۷۷۲۰۰۰۰۰۰۰۰	۱	۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۹۶	۲۴,۸۰۵,۰۰۰,۰۰۰
۲۷	گلستان	۱۲۷	۴۴	۱۱۸۵۴۰۰۰۰۰۰۰۰	۹۷	۲۲۴۰۴۰۰۰۰۰۰۰۰	۲	۶۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۴۳	۳۴,۸۵۸,۰۰۰,۰۰۰
۲۸	قزوین	۱۲۸	۵۱	۱۴۰۲۶۰۰۰۰۰۰۰۰	۴۸	۱۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۱	۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۰۰	۲۶,۳۲۶,۰۰۰,۰۰۰
۲۹	قم	۱۲۹	۶۶	۱۸۱۸۱۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۰۰	۲۵۱۹۶۰۰۰۰۰۰۰۰	۱	۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۶۷	۴۳,۶۷۷,۰۰۰,۰۰۰
۳۰	خراسان شمالی	۱۳۰	۳۸	۹۹۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۴۴	۱۰۴۷۳۰۰۰۰۰۰۰۰	۱	۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۸۳	۲۰,۶۷۳,۰۰۰,۰۰۰
۳۱	خراسان جنوبی	۱۳۱	۱۷	۴۶۳۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۶	۴۰۳۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۱	۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۳۴	۸,۹۷۰,۰۰۰,۰۰۰
۳۲	البرز	۱۳۲	۷۴	۱۹۹۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۸۷	۲۱۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰	۰	۱۶۱	۴۱,۶۷۰,۰۰۰,۰۰۰
۳۳	شهرستان های تهران	۱۳۳	۹۸	۲۵۹۶۳۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۳۱	۳۲۴۶۱۰۰۰۰۰۰۰۰	۶	۱۷۹۶۰۰۰۰۰۰۰۰	۲۳۵	۶۰,۲۲۰,۰۰۰,۰۰۰

تهیه و تنظیم: فاطمه اجلی قشلاقی



سیدجعفر سیدی از نیروهای قدیمی صندوق قرض الحسنه شاهد است که سال‌ها مسئولیت منطقه قم را برعهده داشته و همواره نام او با انرژی مثبت و طراوت عجین شده است. او چند سالی هم به‌عنوان رئیس منطقه استان مرکزی به اراک رفت و در آن دیار به خدمت مشغول بود. بی‌شک نشستن پای صحبت‌های کسی که بیش از ۲۳ سال افتخار خدمتگزاری به جامعه هدف را داشته است، جذابیت‌های خاصی خواهد داشت.



سیدجعفر سیدی (رئیس منطقه قم)

فعالیت‌های صندوق شاهد قم

عمده فعالیت ما در صندوق شاهد، پرداخت تسهیلات قرض الحسنه به خانواده‌های معظم شاهد و ایثارگر است که با برنامه‌ریزی‌های صورت‌گرفته از طرف مدیرعامل محترم، جناب آقای دکتر کریمی، می‌بایست در نهایت سهولت و در کوتاه‌ترین زمان ممکن به اعضا پرداخت شود. بنیاد شهید و امور ایثارگران استان قم، متشکل از دو منطقه است و دوازده هزار عضو دارد. گفتنی است هر دو منطقه داخل استان است و شهری خارج از استان وجود ندارد. همین امر در حوزه مراجعات حضوری و تماس‌های تلفنی ارباب رجوع، کار همکاران صندوق را سخت کرده، ولیکن با توکل به خدا و همت همکاران عزیزم در استان، بدون مشکل توانسته‌ایم بهترین و شایسته‌ترین خدمات را به جامعه هدف ارائه کنیم.

در حال حاضر پرداخت تسهیلات در استان به دو صورت مراجعه حضوری و ثبت الکترونیک انجام می‌شود و تمام تلاش برای این بوده است که برای رفاه حال اعضای محترم، آموزش‌های لازم به ایشان جهت استفاده از روش ثبت وام الکترونیک داده شود تا این عزیزان بتوانند بدون مراجعه حضوری به صندوق شاهد و رابطین صندوق، از خدمات صندوق بهره‌مند شوند که به یاری خداوند در این امر شاهد موفقیت‌های بسیاری هستیم.

از خزاق تا قم

من متولد اول فروردین ۱۳۵۳ در روستای خزاق از توابع کاشان هستم و در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمدم. ما خانواده شلوغی داشتیم و گرمای زندگیمان به اندازه هشت نفر بود. یکی از برادرانم به نام سیدرضا در پانزده سالگی عازم جبهه‌های حق علیه باطل شد و در سال ۶۱ مفقودالاثرب گردید و در نهایت بعد از شانزده سال پیکر مطهرش به زادگاهش منتقل شد و در گلزار شهدای قم آرامید. همین شهادت برادر، بهانه‌ای شد تا من نیز به توصیه مادرم در بنیاد شهید خدمتگزار خانواده شهدا باشم و خدا را شاکرم که این افتخار نصیبم شد.

توفیق خدمت به خانواده‌های شهدا و ایثارگران

بعد از پایان تحصیلات دانشگاهی، در رشته حسابداری در دانشگاه آزاد اسلامی کاشان و با توجه به فرصت‌های شغلی که داشتیم، به دعوت بنیاد شهید و با گذراندن آزمون، از سال ۱۳۷۷ زیر سایه کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (س) در صندوق قرض الحسنه شاهد استان قم مشغول خدمت شدم. از سال ۱۳۷۸ نیز با سمت مسئول صندوق تاکنون در خدمت خانواده‌های معظم شاهد و ایثارگر هستم. البته از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱ نیز در استان مرکزی به‌عنوان مأمور، خدمتگزار جامعه هدف بودم که پس از آن دوباره به استان قم منتقل شدم.

صبوری و شوق خدمت

جامعه هدف صندوق شاهد، متشکل از خانواده‌های معظم شاهد و همچنین جانبازان عزیز است. لذا پرداخت تسهیلات به این عزیزان با رعایت و حفظ منزلت و کرامت ایشان همواره اولویت اول ما بوده است؛ به ویژه والدین محترم شاهد که عزیزان خود را تقدیم انقلاب و نظام کرده‌اند. همیشه تأکیدم به دوستان همکار این بوده که اگر خدمتی انجام می‌شود، بدون منت باشد و اجر کار را بی شک خداوند متعال عنایت خواهد فرمود. حتی در مقابل بعضی از ناملایمات، لحظه‌ای صبور باشند و کوچک‌ترین تأثیری در نحوه خدمت‌رسانی آن‌ها نداشته باشند. خوشبختانه همکارانم در استان هم در زمینه تخصص کاری و با توجه به مدارک تحصیلی مرتبط با کار، مسلط به امور حسابداری و پرداخت تسهیلات بوده و همچنین در برخورد با ارباب رجوع با کمال خوشرویی و حسن اخلاق انجام وظیفه می‌کنند.

دغدغه‌های جامعه هدف

در این دوران که کشور عزیزمان در تحریم بوده و بیش‌تر اقشار جامعه از نظر اقتصادی تحت فشار هستند، جامعه هدف صندوق نیز با مشکلات مالی دست و پنجه نرم می‌کنند و انصافاً صندوق شاهد توانسته با پرداخت تسهیلات قرض الحسنه، کمک شایانی به حل مشکلات این عزیزان کند. ولیکن باید بگویم با توجه به مشکلات متعدد و متنوع جامعه هدف، میزان تسهیلات پرداختی جوابگوی نیاز خانواده‌ها نیست؛ لذا با توجه به منابع صندوق، پیشنهاد می‌شود مبلغ وام از سیصد میلیون ریال به حداقل پانصد میلیون ریال افزایش یابد و همچنین دوره شش ماهه تسویه زود هنگام نیز اجرایی شود تا بتوانیم زودتر از موعد به خانواده‌های معظم و معزز ایثارگر خدمت‌رسانی کنیم. البته در این بین، موانع قانونی متعددی پیش پای مجموعه وجود دارد که ان شاء الله با درایت و هوشمندی مدیرعامل محترم مرتفع خواهد شد.

استان قم از نظر شهدای اتباع، بالاترین آمار را در کشور دارد که پرداخت تسهیلات به این عزیزان نیز مشکلات

خاص خود را دارد. امیدوارم با تدابیر مدیرعامل محترم، روند پرداخت وام به این قشر از جامعه هدف هم با سهولت بیش‌تری انجام شود.

رفاقت، کلید موفقیت

بنده به عنوان عضو کوچکی از خانواده بزرگ صندوق قرض الحسنه شاهد، نزدیک ۲۳ سال است که زیر سایه کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (س) خدمتگزار جامعه هدف بوده‌ام و در این سال‌ها به نظر خودم، کلید موفقیت در خدمت‌رسانی، رفاقتی بوده که با همکاران و اعضای جامعه هدف داشته‌ام. در اداره امور صندوق هیچ وقت فضای کار رئیس و مرنوسی حاکم نبوده و فقط شوق خدمت به خانواده‌های شهدا و ایثارگران بوده است. همچنین با آشنایی و البته رفاقتی که طی این سال‌ها با جامعه هدف داشته‌ام، توانسته‌ام موجبات رضایتمندی این عزیزان را فراهم کنم. خوشبختانه این عزیزان نیز در تمام دوران، شرایط صندوق را پذیرفته و هیچ چالش خاصی وجود نداشته است. کما این‌که در مقاطع زمانی مختلف که صندوق با مشکلاتی در منابع مالی خود مواجه بوده، جامعه هدف نیز در استان همکاری لازم را داشته‌اند. به عنوان برادر کوچک‌تر، از رؤسای مناطق و همکاران عزیزم در سراسر کشور تقاضا دارم که حسن اخلاق و خوشرویی را در برخورد با جامعه هدف سرلوحه کار خود قرار دهند و اگر امکان ارائه خدمات به اعضای هم میسر نبود، با روی خوش و بیانی شیوا ارباب رجوع را توجیه کنند. هرچند که خوب می‌دانم همه همکارانم در استان‌ها، عملکردی بهتر از ما دارند و نظرسنجی‌هایی که تاکنون از جامعه هدف انجام شده، گواه رضایتمندی ایشان از خدمات صندوق شاهد و عملکرد همکاران در تمام مناطق است.

در خاتمه، برای مدیرعامل عزیز و همکاران عزیزم در سراسر کشور آرزوی سلامت و تندرستی دارم و امیدوارم که بتوانیم دست در دست هم، خدمتگزاران شایسته‌ای برای جامعه هدف باشیم که به فرموده امام راحل، بهترین بندگان خدا هستند. ان شاء الله بتوانیم با عملکردی خوب، شرمنده شهدا نباشیم.



روابط عمومی، بخشی از سازمان هاست که ارتباط مستقیم با افکار عمومی دارد و در واقع هدف اساسی و ماهیت وجودی روابط عمومی ایجاد، حفظ و تداوم تفاهم با افکار عمومی است. پس لازم است برای نزدیک شدن به این هدف، روابط عمومی پاسخگوی سؤالات و ابهامات حاصل شده از سوی افکار عمومی باشد و در راستای تنویر افکار عمومی تلاش کند. از این طریق روابط عمومی نیز می تواند راهبر و راهنمای افکار عمومی باشد.

با چنین مقدماتی و اشاره به این که قدرت افکار عمومی فوق العاده است، همچنان که می دانید، جریانات و رفتارهای خاصی در جامعه افکار عمومی را وادار می کند تا در مقابل موضوعات، سازمان ها، ایدئولوژی ها و... جهت بگیرد. گاهی تغییر جهت افکار عمومی، بحران ایجاد می کند. این بحران می تواند از بروز یک شایعه تا تهاجم علنی و برخورد فیزیکی در جامعه، خود را نشان بدهد.

بسیاری از این شایعات و ابهامات و هیجانات که افکار عمومی را دنبال خود می کشاند، زاینده حوادث و عدم برنامه ریزی هستند و در بیش تر مواقع روابط عمومی ها مسئولیت پیدا می کنند که از ارتباط خود با افکار عمومی برای تغییر افکار آنان بهره گیرند. پس اگر اتفاقی افتاد، روابط عمومی چه باید انجام دهد؟ برخی می گویند روابط عمومی از متن و بطن رویدادها برخاسته است، پس این توانایی را دارد که به سهولت با رویدادها ارتباط برقرار کند. برقراری ارتباط با رویدادها و افکار عمومی، کار را آسان تر می کند؛ پس نباید به حوادث بی توجهی کرد. بی توجهی به حادثه، یعنی بروز بحران و شناسایی حوادث بحران زا و اولویت بندی آن ها، از مهم ترین امور است.

شناسایی بحران ها، اولویت بندی بحران ها و تدوین چرخه حیات حوادث (تولد، رشد، بلوغ و نزول)، از مرحله تهیه بالقوه تا مرحله بحران زا، از جمله امور اساسی روابط عمومی است. به طور کلی، رویدادهای غیر مترقبه به دو

گروه عمده تقسیم می شود:

الف) رویدادهایی که بیش تر عوامل اجتماعی سبب ایجاد آن می شود.

ب) رویدادهای طبیعی که حاصل موقعیت طبیعی است.

با خلاصه ای کوتاه و با اعتقاد به این که درست به همان ترتیب و اندازه ای که بحران می تواند پیش بینی شود، برای مقابله با آن نیز می توان برنامه ریزی کرد؛ باید یادآور شد که کار اصلی روابط عمومی پیشگیری است، نه درمان. برای تعیین تکلیف وظایف و تنظیم درست و به موقع آنچه باید انجام شود، روابط عمومی مدیریت امور ستاد بحران می تواند سه مرحله را برای بحران مشخص کند:

۱. مرحله قبل از بحران

۲. مرحله حین بحران

۳. مرحله بعد از بحران



۱. مرحله قبل از بحران

اولین گام در مدیریت بحران، شناسایی خطرات است. یکی از راه‌های شناسایی بحران، شناسایی حوادث بحران‌زا و اولویت‌بندی آن‌هاست.

شناسایی، اولویت‌بندی، برنامه‌ریزی

پاسخگویی به پیام‌های کذب، آنچه تحریف شده است، آنچه در ابهام است و بسیاری از موضوعات بحران‌زا، کار روابط عمومی است و اما متأسفانه بسیاری از کارکنان و واحدهای روابط عمومی تنش می‌آفرینند و در مواقع بروز تنش و تشنج، بر سرعت و هیجان آن می‌افزایند؛ زیرا هرگز نمی‌دانند بررسی و رفع مشکلات بحرانی از کجای روابط عمومی واقع شده است و چه باید بکنند.

ستاد بحران که پاسخگوی شایعات، ابهامات و هیجانات است، زیرمجموعه مدیریت امور و رویدادهاست. به طور کلی، بحران‌های عینی و ذهنی به چند شکل عمده بروز می‌کند: حوادث غیرمترقبه، هیجانات، شایعات و... که مجموعه‌ای از انتقادات، شکایات، ابهامات و تحریفات را در بر می‌گیرد.

حوادث غیرمترقبه به طور کلی عنوان شد، اما درباره شایعه باید گفت که وسیله انتقال شایعه، کلام (شفاهی) است. کارکرد عمده شایعه نیز این است که شایعه، سخن چینی و پیشگویی، جای هر خلا اطلاعاتی را پر می‌کند.

ابهام + اهمیت = شایعه

هرگاه مسئله‌ای مهم در جامعه باشد یا بروز کند، اما نسبت به آن‌ها ابهام و پوشیدگی ایجاد شود و اخبار آن به درستی و صادقانه مطرح نشود، اهمیت و ابهام، افکار عمومی را وادار می‌کند که جوینده حقیقت و اطلاعات باشند. سپس فرصتی ایجاد می‌شود تا فرصت‌طلبان و عنادورزان از آن بهره‌گیرند. اما به طور عمده علت شایعه، بی‌اطلاعی مردمان از وقایع ملموس است.

شکایات، یکی دیگر از وضعیت‌های بحرانی است که چنانچه به آن پرداخته نشود، به شهرت و حسن شهرت یک مؤسسه و تولیدات آن لطمات جدی وارد می‌شود، اما با این‌که انتقادات و شکایات، رایگان‌ترین و درست‌ترین

شکل مشاوره است، «شکایت در فرهنگ ما بار مثبتی ندارد و همواره یا از شکایت خود صرف‌نظر کرده‌ایم یا آن را با مجادله و دعوا اشتباه گرفته‌ایم.» در حالی که «تولیدکننده باید بپذیرد که مشتری حق شکایت دارد و باید گوش شنوایی برای حرف‌های او داشته باشد و گمان نکند که کشمکش در بین است.»

«امروزه شکایت‌گرایی جزئی از کیفیت‌گرایی است. مصرف‌کننده و مشتری باید نسبت به آنچه دریافت می‌کنند، حساسیت نشان دهند و بازخورد مناسب ارائه دهند؛ زیرا فرایند شکایت، آموزنده و مثبت است.»

در چنین مواقعی، اصل معروف تجارت نباید یادمان برود که: «همیشه حق با مشتری است، حتی اگر حق با او نباشد.» پس نظرات مخاطبان برای کسب شهرت و حسن شهرت باید مورد توجه قرار گیرد و در این راه، هزینه‌کردن ضروری است. عموماً کارشناسان زبده روابط عمومی با دریافت نظرها و پیشنهادهای مخاطبان که مجموعه‌ای از انتقادات و راهنمایی است، در جهت عدم بروز بحران

اما وقتی روابط عمومی مسئولیت می یابد که تصمیم بسازد، تصمیم بگیرد و به درستی ارتباط برقرار کند و اطلاعات درست انتشار دهد، می بایست اطلاعات در اختیار داشته و پیش زمینه های آن را ایجاد کرده باشد.

الف) ایجاد بانک اطلاعات

در مواقع آرامش و قبل از بروز بحران، می توان در زمان بحران، ما را در تصمیم گیری درست و سریع یاری کند. به این ترتیب که قبل از بروز بحران، واحدهای کمکی را شناسایی کرده باشیم، آدرس، تلفن، فاکس، مسئولان و محل واحدهای کمکی و به خصوص واحدهای کمکی لازم برای حوادث و رویدادهای غیرمترقبه، همچون آتش نشانی، بیمارستان های محلی و هلال احمر را شناسایی کرده باشیم. تهیه بریده جراید از حوادث قبلی که همیشه به روز باشد از منطقه، کشور و جهان می تواند ما را در پاسخگویی یاری رساند.

ب) آموزش و پژوهش

آموزش مصاحبه های تلویزیونی، رادیویی، تلفنی و کنفرانس مطبوعاتی برای مدیران ارشد و مدیران محلی درباره حساسیت خبرها و مصاحبه در موقعیت بحران، بخشی از سنگینی بار روابط عمومی را کم می کند. آنان باید بدانند چگونه، چقدر و چه اطلاعاتی به خبرنگاران ارائه کنند و از حقیقت گویی ترس نداشته باشند. آموزش خبرنگاران و آشنایی آنان با کاستی ها و قوت های سازمان، بخشی از مشکلات را رفع می کند. تحلیل تمایلات و خواسته ها و نظرها و پیشنهادهای مردم درباره عملکرد سازمان، برای برنامه ریزی و تصمیم گیری فوق العاده مهم است. آموزش کمک های اولیه برای نیروی انسانی که ممکن است در موقعیت رویدادها و حوادث غیرمترقبه قرار داشته باشد، می تواند ما را آماده تر سازد. نظرسنجی برای بررسی وضعیت موجود و جلوگیری از بروز بحران یا کاهش شدت بحران، یکی از تکنیک های روابط عمومی در مرحله قبل از بحران است. به هر حال، بحران های عمده، تکنیک های خود را می طلبد که باید شناسایی شود و برنامه ریزی مناسب آن انجام شود که فقط به گوشه ای از آن اشاره شد.



برنامه ریزی می کنند و بهره های فراوانی از چنین اطلاعات سرگردانی در جامعه می برند.

روابط عمومی با ایجاد ستاد بحران در زیرمجموعه مدیریت امور، با بهره گیری از اندیشه های مدیران مرتبط با مردم، برنامه ها را در راستای اطلاع رسانی به مخاطبان، مشاوره بر مدیریت، ارتباط با مردم و نفوذ بر تصمیمات و تصمیم گیران در مواقع بحران تدوین می کند. ستاد بحران موظف است با بهره گیری از نظرها و پیشنهادهای مردمی، سنجش کند که سازمان در چه طیفی درست به مدیریت و مطلوبیت از نظر افکار عمومی قرار دارد و درست و به موقع اطلاع رسانی کند، مشاوره درست به مدیریت و سیاستگذاری سازمان بدهد، با مردم بجا ارتباط برقرار کند و در تصمیمات مؤثر باشد. با چنین نگاهی، عمده ترین وظایف روابط عمومی در وضعیت بحران عبارت است از:

الف) مشاوره به سیاستگذاری و مدیریت سازمان

ب) اطلاع رسانی به موقع از کانال های درست

ج) ارتباط رودررو و مستقیم با مردم که کامل ترین و مؤثرترین شکل ارتباط است

د) نفوذ بر تصمیمات مؤثر در تصمیم گیری



۲. مرحله حین بحران

با بروز بحران، کار عمده روابط آغاز می‌شود. شایعات و اخبار دروغ یا اشتباه، کار روابط عمومی را سخت می‌کند. «قانون بسیار مهم ارتباطات در وضعیت بحرانی: ۱. به همه آن را بگو، ۲. زود بگو و ۳. با صداقت بگو.»

رسانه‌ها، بخش عمده‌ای از کار را به عهده دارند؛ پس باید برای جلوگیری از اخبار اشتباه و احیاناً دروغ، همکاری با رسانه‌ها را به سرعت آغاز کرد. در این میان، استفاده از رادیو را بعضی از کارشناسان جدی تر مصاحبه کرده‌اند. از نکات مهم دیگر این‌که در وضعیت بحرانی، روزنامه‌نگاران در ارائه مطالب خود تحت فشار بسیار شدیدی هستند. اگر شما اطلاعات مورد نیاز آن‌ها را در اختیارشان نگذارید یا اگر تغذیه اطلاعاتی آنان با سرعت کافی انجام نگیرد، آن‌ها به منابع دیگر برای دریافت اطلاعات لازم متکی می‌شوند که ممکن است از درستی و صحت کافی برخوردار نباشد.

در چنین مواقعی، تحریف، اشکال متفاوتی پیدا می‌کند. دکتر علی اسدی می‌گوید: «متون تحریف، طیف وسیعی از دروغ تا کنمان حقایق را در بر می‌گیرد. تحریف می‌تواند به شکل متهم کردن مخالفان باشد، می‌تواند تعریف از طرفداران خود و بزرگ کردن امتیازات آن‌ها باشد، به علاوه ممکن است تحریف در اطلاعات آماری باشد یا غیر آماری، مثل مخدوش کردن اطلاعات، حذف برخی از اطلاعات. به طور کلی، اطلاعات داده شده یک سویه و به سود مبلغ باشد.»

۱. بایکوت یا کتمان کردن اطلاعات و اخبار ۲. بزرگ کردن دوستان و بایکوت مخالفان ۳. ارائه آمار ناقص، مبهم و مجهول ۴. برجسته سازی موارد کم اهمیت ۵. نتیجه گیری غیر واقعی از اخبار درست یا اخبار نادرست ۶. پرداختن به مطالب فرعی و جزئی ۷. تلفیق مطالب پراکنده، غیر مرتبط و نتیجه گیری غیر منطقی و گفتن بخشی از حقیقت، اشکالی از تحریفات است.»

«تحریف به طور کلی یعنی ارائه اخبار و مطالب، به نحوی که مخاطب پی به اصل واقعیت نبرد یا تصویری نیمه و ناقص از واقعیت به دست آورد که باعث ایجاد کلیشه‌هایی در ذهن شود که منطبق با واقعیت نباشد.»

شاید یکی از مهم‌ترین راه‌های جلوگیری از تحریف، این باشد که مسئولان روابط عمومی باید همیشه اطلاعات را به موقع در اختیار سازمان و مخاطبان خود قرار دهند تا خبری جعلی چاپ نشود و مجبور به خبر اصلاحی شوند؛ زیرا خبر جعلی تأثیر بیش تری از خبر اصلاحی دارد و به راستی که ارسال و انعکاس اخبار غلط و دروغ و ناقص، خود بحران است. اغلب تابلوهای راهنما، صدور مجوز برای کسانی که حق ورود به منطقه بحران را دارند، انتقال خبرنگاران به محل حادثه، ارسال مکتوب اطلاعات لازم به مدیران در جهت این‌که راه حل را بیابند و از آخرین اتفاقات خبرداشته باشند، از جمله اموری است که در حین بحران انجام می‌گیرد. سمعی و بصری روابط عمومی نیز باید به جد نسبت به ثبت و ضبط حوادث کوشا باشد تا در مواقع لازم دلایل مستند در اختیار داشته باشد.

به هر حال «هر دستگاهی که هماهنگی عملیات امداد را در پی هر رویداد غیرمنتظره برعهده می‌گیرد، چنانچه از یک روابط عمومی مبتنی بر پایه‌های علمی مقتدر و مجهز

مختلف و انجام گفتگو با کارشناسان و مدیران نیازمند هستند. آنان نیازمند مصاحبه برای پیشگیری وقایع در آینده خواهند بود و به شما رجوع خواهند کرد؛ پس باید مدیران را از موضوع و احتمال آن مطلع کرد و در تصمیم‌سازی به مدیران کمک کند تا از مصاحبه کردن طفره نروند.

در حوادث، از بین رفتن منابع و بیش‌تر از همه نیروی انسانی، به‌عنوان اصلی‌ترین و باارزش‌ترین منبع و سرمایه، عمده‌ترین بحث است. مخاطبان و کارکنان سازمان، جزو منابع انسانی هستند که در ارتباط با رویدادها و بحران‌ها دربارهٔ آنان صحبتی نشد، اما ضروری است که باید در ارتباط با آنان برنامه‌ریزی کرد.

مخاطبان در حیطهٔ مأموریت‌ها ممکن است مریض یا مصدوم شوند یا ممکن است به‌طور طبیعی رخت از جهان بریندند. کارکنان نیز در گردونهٔ حوادث در معرض بیماری، مصدومیت یا مرگ طبیعی و غیرطبیعی واقع هستند که این موارد نیز از زمره موقعیت‌های بحران محاسبه می‌شود. همهٔ موارد ممکن است انفرادی یا دسته‌جمعی اتفاق بیفتد. بحران منابع شاید عمده‌ترین بحران‌ها باشد؛ زیرا در بطن نیروی انسانی می‌تواند تمام بحران‌ها زاییده شود، این اهمیت ارتباطات سازمان را نشان می‌دهد.

در پایان، یادآوری نکاتی ضروری است:

- در عصر اطلاعات که مردم تشنهٔ اطلاعات هستند، پنهان کردن اطلاعات، اشتباهی مسلم و واضح است؛ پس لازم است با ارائهٔ اطلاعات به‌طور شفاف از بروز هرگونه شایعه که به اعتبار و شهرت و حسن شهرت سازمان و تولیدات آن لطمه وارد می‌کند، جلوگیری کنیم.

- دست‌اندرکاران رسانه‌های جمعی و صاحب‌نظران را با عملیات مهم و مفید سازمان آشنا کنیم و از آنان بخواهیم تا از نزدیک کاستی‌ها و قوت‌های سازمان را لمس کنند.

- نقاط بحران را شناسایی کنیم و در جهت رفع و عدم تشدید آن برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری کنیم و در نهایت این‌که اهمیت و ارزش و قدرت اطلاعات را شناسایی و با برنامه‌ریزی دقیق و به‌کارگیری درست آن و پایداری و حیات مستمر سازمان کمک کنیم.



برخوردار باشد، می‌تواند نقش مؤثری در توسعهٔ پایدار ایفا کند». اما اگر دیده شود یک سازمان در مرکز یک بحران، بی‌احتیاط، بی‌توجه، گیج، فاقد قدرت در برخورد با مشکل و بحران و بی‌میل و ناتوان در فراهم آوردن اطلاعات لازم باشد، بحرانی که به شهرتش آسیب رسانده است، ادامه خواهد یافت و به شکلی قابل توجه سازمان را با مشکلات مواجه خواهد کرد.

۳. مرحلهٔ بعد از بحران

با پایان یافتن بحران، تقدیر از خبرنگاران درستکار و سازمان‌هایی که روابط عمومی را برای بهبود وضعیت یاری رسانده‌اند، از وظایف روابط عمومی هاست. گزارشی از مجموعهٔ حوادث از ابتدا تا انتها و به روایت‌های مختلف، اما شفاف برای مدیران و گزارشگران مطبوعات ارسال می‌شود.

ارسال گزارش‌های صادقانه و به روایات مختلف به رسانه‌ها، اعتماد آنان را به روابط عمومی بیش‌تر می‌کند؛ زیرا باور این است که روابط عمومی‌ها به‌خصوص در مواقع بحران پرده‌پوشی می‌کنند. پس روابط عمومی با ارسال گزارش‌ها می‌تواند به گزارش‌های بعد از بحران رسانه‌ها کمک کند؛ زیرا عموماً رسانه‌ها بعد از بحران‌ها به تفسیر تحلیل و تشریح حادثه‌ها می‌پردازند. برای تحلیل و تفسیر آنچه اتفاق افتاده است، گزارشگران به مجموعه‌ای از اطلاعات حادثه به روایت‌های

طراحی مدل مفهومی علل نویسندگی و ننویسندگی از منظر شهروندان (یک مطالعه کیفی)

دکتر مجتبی عباسی قادی / حسین حسینی نژاد

چکیده:

پژوهش حاضر در صدد طراحی مدل مفهومی علل نویسندگی و ننویسندگی از منظر شهروندان بوده است. از این منظر با استفاده از راهبرد پژوهش کیفی و از نوع تحلیل مضمون، داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه عمقی از روی ۱۰۸ نفر (هفتاد نفر در خصوص علل نویسندگی و ۳۸ نفر در خصوص علل ننویسندگی) از شهروندان که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و نظری انتخاب شده بودند، گردآوری، کدگذاری و تحلیل شده است. به منظور تحلیل داده‌های کیفی از روش شبکه مضامین و ماتریس مضمون از طریق فرایند کدگذاری نظری شامل کدگذاری باز، محوری و گزینشی در راستای دستیابی به مضامین پایه‌ای، سازمان یافته و فراگیر تا مرحله اشباع نظری استفاده شده است. یافته‌های پژوهش کیفی نشان داد که مدل مفهومی علل نویسندگی از منظر شهروندان از دو مضمون فراگیر شامل: الف) دستیابی به تسکین و آرامش درونی برای خود و دیگران و ب) دستیابی به معنای واقعی زندگی، شش مضمون سازمان یافته شامل: لذت بردن و کسب آرامش، رهایی و خالی شدن از هیجانات و احساسات روزمره، هدیه کردن حال خوب به دیگران، بازنمایی تجارب زیسته خود و دیگران، دستیابی به جاودانگی و مرتفع کردن نیاز خودیابی تشکیل شده است. علاوه بر آن، یافته‌های پژوهش کیفی نشان داد که مدل مفهومی علل ننویسندگی از منظر شهروندان از دو مضمون فراگیر شامل: الف) نداشتن انگیزه، الگو و زمان کافی جهت نوشتن و ب) داشتن رویکردی آرمانی نسبت به نوشتن، شش مضمون سازمان یافته شامل: نداشتن انگیزه لازم جهت نوشتن، نداشتن الگو و عدم فراگیری نوشتن، نداشتن وقت و زمان کافی جهت نوشتن، نگران بودن و ترس از خوب ننوشتن و نداشتن شرایط ایده‌آل و آرمانی تشکیل شده است. جهت اعتبارسنجی (ارزیابی اعتبار و باورپذیری) مضامین و مدل برساخته شده از روش ممیزی و برای پایایی سنجی (برآورد قابلیت اعتماد) از دو روش قابلیت تکرارپذیری و نیز قابلیت انتقال یا تعمیم‌پذیری استفاده شده است.

واژگان کلیدی: علل نویسندگی، نویسندگان، حوزه ادبی، مدل مفهومی.

یافته‌های تحقیق

۱. تشکیل شبکه مضمون

در این بخش به منظور تشکیل مدل مفهومی شبکه‌ای علل نویسندگی از منظر شهروندان و نیز مدل مفهومی شبکه‌ای علل ننویسندگی از منظر شهروندان به تحلیل شبکه مضمون مبادرت شده است.

الف) طراحی مدل مفهومی علل نویسندگی از منظر شهروندان

یافته‌های کیفی تحلیل مضمون در راستای طراحی مدل مفهومی علل نویسندگی از منظر شهروندان در سه گام به شرح ذیل پرداخته شده است:

گام اول: کشف مضامین پایه‌ای

در گام اول تحلیل مضمون، به منظور دستیابی به مدل مفهومی علل نویسندگی از منظر شهروندان، ابتدا داده‌های حاصله از مصاحبه عمقی با شهروندان به صورت گزاره‌های خبری تدوین شده است. سپس با استفاده از فرایند کدگذاری نظری و از نوع کدگذاری باز، مضامین پایه‌ای یا همان شناسه‌ها و نکات کلیدی متن شناسایی شده‌اند. لذا به واسطه فرایند کدگذاری نظری و در ذیل کدگذاری باز، توانسته‌ایم هفتاد مضمون پایه‌ای مدل مفهومی علل نویسندگی نزد نویسندگان حوزه ادبی را به شرح جدول ۱ شناسایی و احصا کنیم:

جدول ۱: فرایند کدگذاری باز، جهت دستیابی به مضامین پایه‌ای مدل مفهومی علل نویسندگی از منظر شهروندان

گزاره‌های خبری	کدگذاری باز
	کشف مضامین پایه
چون نوشتن را دوست دارم. حس خوبی به آدم می‌دهد.	دوست داشتن و دریافت حس خوب از نوشتن
کلمات ارزشمند هستند و من می‌نویسم که ارزش و هنر بیافرینم و معنا را منتقل کنم.	خلق هنر و ارزش و انتقال معنا با نوشتن
آخرین باری که نوشتم، از خودم حسابتی تشکر کردم و حسابی سفارش کردم که حتماً باز هم بنویسم.	قدردانی و ترغیب خود به نوشتن مجدد
نمی‌دانید حال چقدر خوب شد...	خوب شدن حال با نوشتن
تا بیان کنم چیزهایی را که زبان قاصر است و این دستان هستند که تراوشات ذهنمان را بر کاغذ می‌آورند.	بیان تراوشات ذهنی به واسطه نوشتن
خالی کردن خود در سایه نوشتن.	خالی کردن خود با نوشتن
هم‌زدن گذشته و ثبت وقایع حال.	کنکاش در گذشته و ثبت وقایع حال
می‌نویسم تا جاده‌های پشت سر گذاشته را همراه عزیزانم دومرتبه طی کنم.	مرور مجدد خاطرات با عزیزان با نوشتن
چون مرید زایش کلمه‌هایی هستم که از جوهر قلم من در قالب متنی آفریده می‌شوند و به قلمم روشنی می‌بخشند.	عاشق نوشتن و آفرینش کلمات پرمعنی در متن
چون کلمات اولین دستاویز هستند برای رهایی و آزادی.	دستیابی به رهایی و آزادی با کلمات
گریز از واقعیت زندگی.	گریز از واقعیت زندگی
چون افکار خنده‌دار خودم را به تصویر می‌کشم.	به تصویر کشیدن افکار خنده‌دار
چرا ننویسم! وقتی دهانمان در زندان‌های دنیوی خفقان گرفته. می‌نویسم تا کمی آزادی‌ام را لمس کنم.	حس آزادی و رهایی از زندان دنیوی به واسطه نوشتن

گزاره‌های خبری	کدگذاری باز
	کشف مضامین پایه
چون جهانی که قلم خلق می‌کند، هزاران برابر زیباتر از جهان واقعی است.	خلق جهانی زیباتر از جهان واقعی
چرایی برای نوشتن نیست؛ می‌نویسم چون قلم مرا صدا می‌کند.	فراخوانده شدن به نوشتن
می‌نویسم تا فریادم را بکشم.	خالی کردن هیجانات در سایه نوشتن
احساسی که با نوشتن در من به وجود می‌آید، وصف شدنی نیست؛ همانند نبض باران روی شیشه پنجره.	وصف ناشدنی بودن نوشتن
تا شخصیت‌ها را پرورش بدهم.	پرورش شخصیت‌ها با نوشتن
من به نوشتن است که زنده‌ام.	زنده بودن با نوشتن
من می‌نویسم تا نوشته‌هایم در دفتری، کتابی یا سنگ قبری حک شود. با نوشتن است که هرگز محو نخواهی شد.	به تصویر کشیدن افکار و محو نشدن
می‌نویسم تا نوشته‌هایم مثل میوه‌ای ناب، کامی نگاهی دلی را شیرین کند. آن جاست که نام محدثه غدیری هرگز نمی‌میرد.	شیرین‌کام کردن دل‌های دیگران در سایه نوشتن
زیرا جاودانگی را در نوشتن یافته‌ام. در آفرینش جهانی که از آن من است.	دستیابی به جاودانگی و خلق جهان خود
دنیا به هنر مدیون است. هنر به ادبیات مدیون است. می‌نویسم تا دینم را ادا کنم.	ادا کردن دین نسبت به هنر و ادبیات
بہتر کردن دنیا با متن‌هایم و شاید نجات آدم‌های دیگر و همذات‌پنداری، تنها هدفم است.	همذات‌پنداری و نجات دیگران و بہتر کردن دنیا
چون این کاری است که خوب بلد هستم انجامش بدهم.	داشتن توانایی و مهارت در نوشتن
می‌نویسم چون با نوشتن می‌توانم به واژه‌ها جان ببخشم و احساسم را با دیگری تقسیم کنم. نوشتن سرآغاز زیبایی واژه‌هاست.	جان بخشیدن با واژه‌ها و تقسیم احساسات با دیگران
می‌نویسم شاید آن آشنای ناآشنای خود را دریابم.	پیدا کردن خود به واسطه نوشتن
می‌نویسم چون سرم پر از واژه و کلمه است.	خالی کردن کلمات و واژه‌ها با نوشتن
نوشتن یعنی زیستن به تمام معنا.	زندگی کردن با نوشتن
چون نوشتن، تفکر مکتوب است. با نوشتن می‌توانم افکارم را بیرون بریزم و مرتبشان کنم.	بیرون افکنی و مرتب کردن افکار از طریق نوشتن
با نوشتن حالم بہتر می‌شود و حس بہتری نسبت به خودم دارم.	دستیابی به حس و حال بہتر به واسطه نوشتن
می‌نویسم چون با نوشتن احساس می‌کنم زنده‌ام. می‌نویسم تا زنده بمانم.	وابسته بودن زندگی و حیات به نوشتن

گزاره‌های خبری	کدگذاری باز
	کشف مضامین پایه
چون روزی خواهم مرد، ولی سخن نیکویم تا ابد مرا زنده نگاه خواهد داشت.	زنده بودن و جریان داشتن نوشتار پس از مرگ
تنها کاری است که از من برمی‌آید و از انجامش خسته نمی‌شوم.	توانایی داشتن و خسته نشدن از نوشتن
آرامش روحم با بیان دغدغه‌ها، احساسات و افکارم.	کسب آرامش با بیان درونیات
با نوشتن خودم را به خودم نشان می‌دهد.	خودبازنمایی برای خود با نوشتن
با نوشتن، ایده‌های جدید به ذهنم می‌آید. قلمم پخته‌تر می‌شود. حال‌م هم بهتر می‌شود.	پخته‌تر شدن قلم و پروراندن ایده‌های جدید
نوبل ادبیات.	کسب نوبل ادبیات
برای بهتر تحمل کردن زندگی با افزایش بینش، درک و آگاهی مردم.	آگاهی بخشی به مردم جهت تحمل کردن زندگی
با این‌که گاهی واژه‌ها کم می‌آورند، نوشتن راهی است برای انتقال تجربه‌های زیسته.	انتقال تجربه‌های زیسته از طریق نوشتن
می‌نویسم تا احساس مرا خفه نکند.	رها شدن از احساسات انباشته شده
نویسندگان و شاعران هیچ وقت نمی‌میرند؛ چون نوشته‌هایشان پس از مرگ با دیگران سخن می‌گویند.	دستیابی به زندگی جاودان به واسطه نوشتن
از نوشتن لذت می‌برم.	لذت بردن از نوشتن
ذهنم نظم می‌گیرد و دغدغه‌هایم را متوجه می‌شوم و برای حلشان راه به ذهنم می‌رسد.	نظم بخشیدن به ذهن جهت حل دغدغه‌های ذهنی
افکار و احساسم را با نوشتن خالی و رها می‌کنم و آرام می‌شوم.	آرام شدن به واسطه خالی کردن افکار و احساس
نوشتن، انسان را از انباشتگی فکری نجات می‌دهد و شاید تجربیاتم برای کسی مفید باشد.	رهایی از انباشتگی دغدغه‌های فکری و تقسیم تجربه با دیگران
زیستن زندگی‌های گوناگون.	تجربه زندگی‌های مختلف
نوشتن شفا می‌دهد.	شفا پیدا کردن با نوشتن
چون درد دل‌هایم را فقط می‌شود روی کاغذ نوشت.	نوشتن درد دل‌ها روی کاغذ

کدگذاری باز	کشف مضامین پایه	گزاره‌های خبری
زنده بودن و زندگی کردن با نوشتن	چون نمی توانم ننویسم. با نوشتن نفس می کشم و می مانم.	
سفر به رؤیاها با نوشتن	نوشتن مرا به سرزمین دوست داشتنی رؤیاهایم می برد.	
برون افکنی ناگفته های درونی	نوشته ها نگفته هایی هستند از اعماق وجودمان.	
زندگی کردن تجارب زیسته دیگران	با نوشتن، زندگی های دیگری را هم زندگی خواهیم کرد.	
بیان احساسات و خوب شدن افکار	چون تنها راه بیان احساسات درون است. چون تنها راه خوب شدن افکارم است.	
کنترل کردن دنیای خودساخته	نوشتن، رفتن به دنیایی است که می شود همه چیز را کنترل کرد.	
التیام یافتن	التیام یافتن به واسطه نوشتن.	
به اشتراک گذاشتن تجربه های زندگی با دیگران	آدم ها با نوشتن چیزهایی که نمی توانند بیان کنند، تجربه های خود را به اشتراک می گذارند و ماندگار می شوند.	
نجات یافتن از دریای بی انتهای حرف های درون و رسیدن به ساحل امن	تا در دریای بی انتهای حرف های درونم غرق نشوم و بتوانم خودم را نجات دهم. قلم و کاغذ برایم مثل یک ساحل امن است.	
دستیابی به هویت و نگاه عمیق به زندگی	هیچ عملی به اندازه نوشتن به انسان هویت نمی دهد؛ هویتی که نگاه به زندگی را عمیق تر می کند.	
درددل کردن و رهایی از تنهایی	از بین بردن تنهایی ها و درد دل با خودم.	
فراموش کردن دردها و غصه ها به واسطه نوشتن	چون یکی از نیازهایی است که به وسیله آن، دردها و غصه هایم را فراموش می کنم.	
نشان دادن توانایی به خود و دیگران	مهم ترین دلیل من، نشان دادن توانایی ام به خود و بقیه است.	
بیرون جھیدن از صف مردگان	نوشتن، بیرون جھیدن از صف مردگان.	
فکرکردن و رهایی از کندی	با نوشتن فکر می کنم. چند روز که نمی نویسم، احساس کندی می کنم.	
جان و نظم بخشیدن به پدیده های ذهنی و بازکردن دریچه ای نو به روی مخاطبان	وقایع، رویدادها، شخصیت ها، داستان ها و... تکه تکه شده اند و به صورت واژه هایی در ذهنمان شناور هستند. اگر مدت زیادی در آن جا قرنطینه بمانند، خفه می شوند؛ به همین دلیل آن ها را بیرون می کشیم و بر کاغذ می خوابانیم تا هم آنان جانی تازه گیرند و هم دریچه ای جدید به روی خوانندگان بگشایند.	
احساس نیاز به نوشتن داشتن	احساس نیاز است که من را وادار به نوشتن می کند.	
نجات دیگران از حس تنهایی	باید نوشت تا دیگر انسان ها بدانند تنها نیستند.	
دستیابی به خودشناسی	می نویسم تا افکارم را خودم ببینم و در مورد خودم شناخت بالاتر به دست آورم.	
پویایی ذهن و تقسیم افکار، شادی ها و غم ها از طریق نوشتن	نوشتن، بهانه است برای تقسیم افکار، شادی ها و غم ها. نوشته های ما، مانند چراغی هستند که از پویا بودن و خالی نبودن خانه ذهن ما به دیگران خبر می دهند.	
کنکاش در زندگی و هستی بی پایان	نوشتن، بیرون کشیدن نخ از کلافی است که انتهای آن مشخص نیست.	

گام دوم: کشف مضامین سازمان یافته و فراگیر
در ادامه فرایند کدگذاری نظری و از نوع کدگذاری محوری و سپس کدگذاری گزینشی (انتخابی) با ترکیب و تلخیص مضامین پایه‌ای، ابتدا مضامین سازمان یافته

کدهای باز	کدگذاری محوری	کدگذاری گزینشی (انتخابی)
مضامین پایه	کشف مضامین سازمان یافته	کشف مضامین فراگیر
دوست داشتن و دریافت حس خوب از نوشتن	لذت بردن و کسب آرامش	دستیابی به تسکین و آرامش درونی برای خود و دیگران
خوب شدن حال با نوشتن		
لذت بردن از نوشتن		
بیان احساسات و خوب شدن افکار		
شفا پیدا کردن با نوشتن		
دستیابی به حس و حال بهتر به واسطه نوشتن		
کسب آرامش با بیان درونیات		
التیام یافتن		
آرام شدن به واسطه خالی کردن افکار و احساس		
رها شدن از احساسات انباشته شده		
رهایی از انباشتنی دغدغه های فکری و تقسیم تجربه با دیگران	رهایی و خالی شدن از هیجانات و احساسات روزمره	
فراموش کردن دردها و غصه ها به واسطه نوشتن		
نوشتن درد دل ها روی کاغذ		
نجات یافتن از دریای بی انتهای حرف های درون و رسیدن به ساحل امن		
درد دل کردن و رهایی از تنهایی		
خالی کردن خود با نوشتن		
خالی کردن هیجانات در سایه نوشتن		
دستیابی به رهایی و آزادی با کلمات		
گریز از واقعیت زندگی		
حس آزادی و رهایی از زندان دنیوی به واسطه نوشتن		
برون افکنی ناگفته های درونی	هدیه کردن حال خوب به دیگران	
برون افکنی و مرتب کردن افکار از طریق نوشتن		
نجات دیگران از حس تنهایی		
آگاهی بخشی به مردم جهت تحمل کردن زندگی		
همذات پنداری و نجات دیگران و بهتر کردن دنیا		
شیرین کام کردن دل های دیگران در سایه نوشتن		
به تصویر کشیدن افکار خنده دار		
خلق جهانی زیباتر از جهان واقعی		

کدهای باز	کدگذاری محوری	کدگذاری گزینشی (انتخابی)
مضامین پایه	کشف مضامین سازمان یافته	کشف مضامین فراگیر
انتقال تجربه‌های زیسته از طریق نوشتن	بازنمایی تجارب زیسته خود و دیگران	دستیابی به معنای واقعی زندگی
به اشتراک‌گذاشتن تجربه‌های زندگی با دیگران		
پویایی ذهن و تقسیم افکار، شادی‌ها و غم‌ها از طریق نوشتن		
پرورش شخصیت‌ها با نوشتن		
جان و نظم‌بخشیدن به پدیده‌های ذهنی و بازکردن دریچه‌ای نو به روی مخاطبان		
تجربه زندگی‌های مختلف		
زندگی‌کردن تجارب زیسته دیگران		
کنکاش در گذشته و ثبت وقایع حال		
مرور مجدد خاطرات با عزیزان با نوشتن		
بیان تراوشات ذهنی به واسطه نوشتن		
جان‌بخشیدن با واژه‌ها و تقسیم احساسات با دیگران	دستیابی به جاودانگی	
به تصویرکشیدن افکار و محو‌شدن		
زنده‌بودن با نوشتن		
دستیابی به جاودانگی و خلق جهان خود		
زندگی‌کردن با نوشتن		
زنده‌بودن و جریان‌داشتن نوشتار پس از مرگ		
دستیابی به زندگی جاودان به واسطه نوشتن		
زنده‌بودن و زندگی‌کردن با نوشتن		
وابسته‌بودن زندگی و حیات به نوشتن		
بیرون‌جهیدن از صف مردگان		
فراخوانده‌شدن به نوشتن		
اداکردن دین نسبت به هنر و ادبیات		
خلق هنر و ارزش و انتقال معنا با نوشتن		
کسب نوبل ادبیات		
دستیابی به هویت و نگاه عمیق به زندگی	مرتفع‌کردن نیاز خودیابی	
پیداکردن خود به واسطه نوشتن		
دستیابی به خودشناسی		
کنترل‌کردن دنیای خودساخته		
نشان‌دادن توانایی به خود و دیگران		
خودبازنمایی برای خود با نوشتن		
نظم‌بخشیدن به ذهن جهت حل دغدغه‌های ذهنی		
توانایی‌داشتن و خسته‌نشدن از نوشتن		
داشتن توانایی و مهارت در نوشتن		
عاشق نوشتن و آفرینش کلمات پرمعنی در متن		
پخته‌ترشدن قلم و پروراندن ایده‌های جدید		
کنکاش در زندگی و هستی بی‌پایان		

کدهای باز	کدگذاری محوری	کدگذاری گزینشی (انتخابی)
مضامین پایه	کشف مضامین سازمان یافته	کشف مضامین فراگیر
احساس نیاز به نوشتن داشتن	مرتفع کردن نیاز خودیابی	دستیابی به معنای واقعی زندگی
سفر به رؤیاها با نوشتن		
فکرکردن و رهایی از کندی		
وصف ناشدنی بودن نوشتن		
قدردانی و ترغیب خود به نوشتن مجدد		
خالی کردن کلمات و واژه ها با نوشتن		

مفهومی علل نویسندگی از منظر شهروندان را مستخرج از داده های کیفی حاصل از مصاحبه عمقی با هفتاد نفر از شهروندان نشان داده شده است:

گام سوم: تدوین شبکه مضامین
قبل از تدوین شبکه مضامین، ابتدا در ذیل جدول ۳، تعداد مضامین فراگیر، سازمان یافته و پایه ای مدل

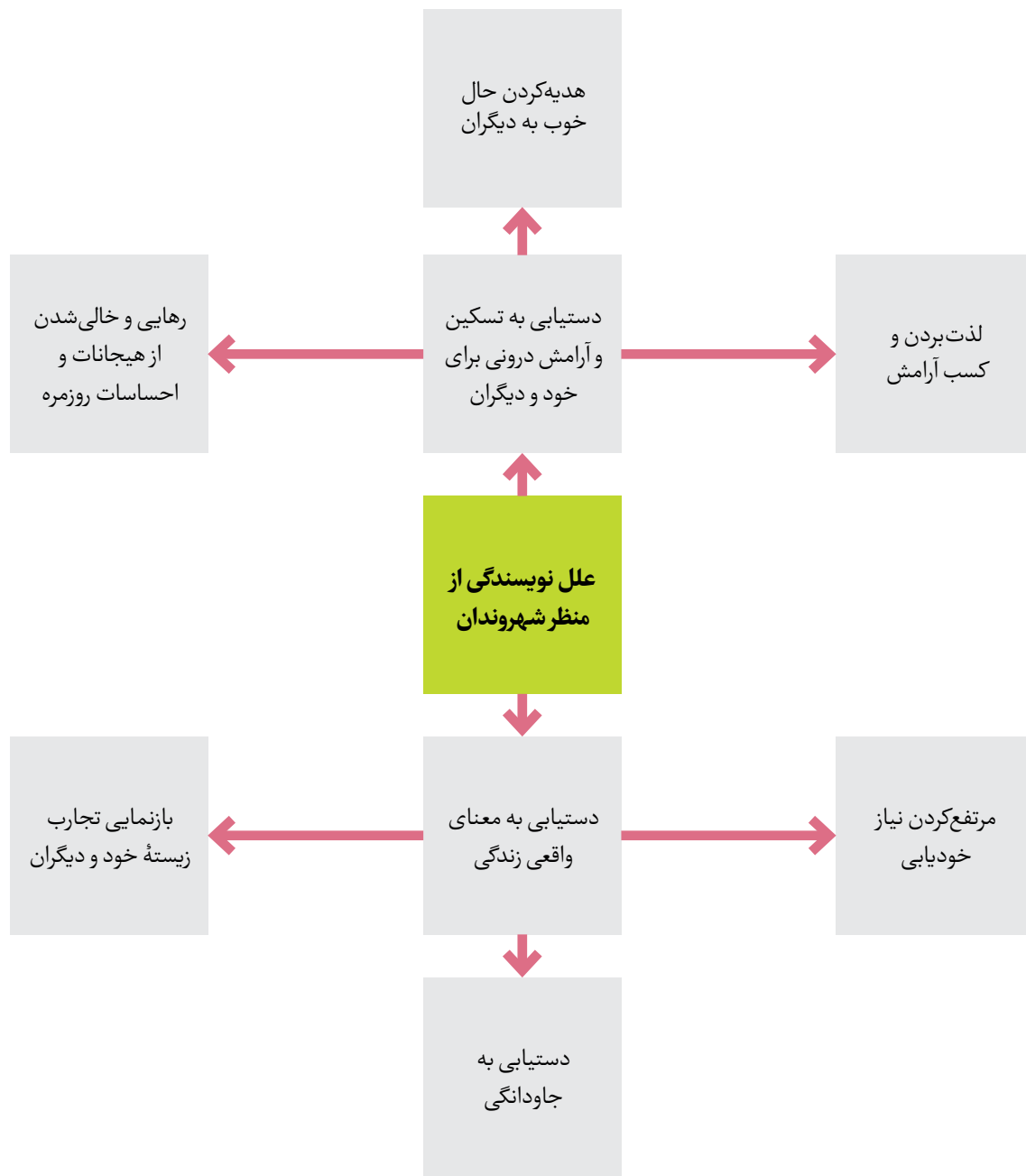
جدول ۳: تعداد مضامین فراگیر، سازمان یافته و پایه ای مدل مفهومی علل نویسندگی از منظر شهروندان

ردیف	مضامین فراگیر	مضامین سازمان یافته	مضامین پایه
۱	دستیابی به تسکین و آرامش درونی برای خود و دیگران	لذت بردن و کسب آرامش	۲۸
		رهايي و خالی شدن از هیجانات و احساسات روزمره	
		هدیه کردن حال خوب به دیگران	
۲	دستیابی به معنای واقعی زندگی	بازنمایی تجارب زیسته خود و دیگران	۴۲
		دستیابی به جاودانگی	
		مرتفع کردن نیاز خودیابی	
جمع کل	۶	۲	۷۰

پس از احصا و استخراج مضامین فراگیر، مضامین سازمان یافته و پایه‌ای مدل مفهومی علل نویسندگی از منظر شهروندان، در این قسمت به ترسیم مدل مفهومی شبکه‌ای علل نویسندگی از منظر شهروندان در ذیل نمودار ۱ مبادرت شده است:

همان‌گونه که جدول ۳ نیز نشان می‌دهد، مدل مفهومی علل نویسندگی از منظر شهروندان براساس مصاحبه عمقی با هفتاد نفر از نویسندگان حوزه ادبی از دو مضمون فراگیر، شش مضمون سازمان یافته و در نهایت با هفتاد مضمون پایه‌ای به اشباع نظری رسیده است.

نمودار ۱: مدل مفهومی شبکه‌ای علل نویسندگی از منظر شهروندان



ب) طراحی مدل مفهومی علل نویسنده‌گی از منظر شهروندان

یافته‌های کیفی تحلیل مضمون در راستای طراحی مدل مفهومی علل نویسنده‌گی از منظر شهروندان در سه گام به شرح ذیل پرداخته شده است:

گام اول: کشف مضامین پایه‌ای

در گام اول تحلیل مضمون، به منظور دستیابی به مدل مفهومی علل نویسنده‌گی از منظر شهروندان،

ابتدا داده‌های حاصله از مصاحبه عمقی با شهروندان به صورت گزاره‌های خبری تدوین شده است. سپس با استفاده از فرایند کدگذاری نظری و از نوع کدگذاری باز، مضامین پایه‌ای یا همان شناسه‌ها و نکات کلیدی متن شناسایی شده‌اند.

لذا به واسطه فرایند کدگذاری نظری و در ذیل کدگذاری باز، توانسته‌ایم ۳۸ مضمون پایه‌ای مدل مفهومی علل نویسنده‌گی نزد شهروندان را به شرح جدول ۴ شناسایی و احصا کنیم:

جدول ۴: فرایند کدگذاری نظری و از نوع کدگذاری باز، جهت کشف مضامین پایه‌ای مدل مفهومی علل نویسنده‌گی از منظر شهروندان

گزاره‌های خبری	کدگذاری باز
	کشف مضامین پایه‌ای
بعضی فکر می‌کنند باید از نوشتن پول دریاوری و چون در این کار پول نیست، از آن منصرف می‌شوند.	درآمدزایی نبودن نوشتن
چون از نوشتن در ذهنمان هیولا ساخته‌ایم.	هیولا فرض کردن نوشتن
نمی‌نویسیم؛ چون به هر چیز وابسته شویم، تنهاتر می‌شویم.	تنهانشدن در سایه وابستگی به نوشتن
از نظر من، نوشتن وقتی قشنگ می‌شود که با تمام احساس باشد و وجود آدم وقفش شود. در این هیاهوی زندگی، این طور لحظه‌ها کم تر پیدا می‌شود.	کم بودن لحظه‌های ناب جهت نوشتن
متأسفانه تشویق و حمایت از نویسندگان بسیار کم است.	مورد تشویق قرار نگرفتن نویسندگان
می‌خواهیم نوشته‌هایمان خوانده شود؛ وقتی کسی به آن اعتنا نمی‌کند، از نوشتن دست می‌کشیم.	بی‌اعتنایی و عدم توجه لازم به نوشته‌ها
چون از کودکی برای آن برنامه‌ریزی نکرده‌ایم، در بزرگسالی آن را فراموش کرده‌ایم.	نداشتن برنامه‌ریزی جهت نوشتن از کودکی
چون در کودکی به ما نیاموخته‌اند با نوشتن می‌توانی از احساسات منفی دور بمانی و افکار را سامان ببخشی.	نیاموختن تخلیه هیجانات منفی از طریق نوشتن
کتاب خواندن، وقت برای نوشتن نمی‌گذارد.	ننوشتن به خاطر خواندن کتاب
درس و مدرسه نمی‌گذارد بنویسیم.	ننوشتن به خاطر درس و مدرسه
سرگرمی‌های گوشی و فیلم، زمان نوشتن را کم می‌کند.	کم شدن زمان نوشتن به خاطر سرگرمی‌های گوشی و فیلم
نوشتن تمرکز می‌خواهد که بسیار کمیاب است.	نداشتن تمرکز لازم جهت نوشتن
ایده‌ای برای نوشتن ندارم و به سختی ایده پیدا می‌کنم.	نداشتن ایده خوب جهت نوشتن
قرار نیست همه کتاب بنویسند، ولی همه این حق را دارند که یاد بگیرند افکار و مشاهدات و ایده‌های خود را به شکلی زیبا بنویسند.	ضرورت نداشتن نوشتن کتاب از سوی همه

گزاره‌های خبری	کدگذاری باز
	کشف مضامین پایه‌ای
بعضی تا اسم نوشتن می‌آید، فکر می‌کنند باید کتاب بنویسند و این فکر همان سنگ بزرگی می‌شود که نشانه‌ی نزدن است.	تصور نادرست داشتن نسبت به فرایند نوشتن
چون فروش کتاب کم است، در نتیجه انگیزه نوشتن صفر می‌شود.	بی‌انگیزگی به خاطر کم بودن فروش کتاب
چون فکر می‌کنیم باید یک چیز درست و حسابی بنویسیم و با آن برنده جایزه نوبل ادبی شویم.	انتظار بیش از اندازه داشتن از خود
چون تا قبل از نوشتن همه چیز محو و تاراست؛ ترس از وضوح حقیقت، جلوی نوشتن را می‌گیرد.	ننوشتن به خاطر ترس از وضوح حقیقت
چون به نوشتن روزانه عادت نکردیم.	عادت نداشتن به نوشتن روزانه
زمان لازم برای نوشتن نداریم. مسئولیت‌های شغلی ما وقت نوشتن نمی‌گذارد.	داشتن مشغله‌های زیاد شغلی
چون نوشتن صداقت می‌خواهد، برخی افراد نمی‌توانند با خودشان روراست باشند.	نداشتن صداقت و روراستی
وقت من پراست، اما هر جا وقت گیر بیاورم، می‌نویسم. ولی اصلاً به بازنویسی‌اش نمی‌رسم.	نداشتن وقت کافی جهت نوشتن
بهانه‌ای برای نوشتن نداریم.	نداشتن بهانه و انگیزه جهت نوشتن
گاه نمی‌دانیم برای چه شروع به نوشتن کرده بودیم.	از یاد بردن دلیل اصلی نوشتن
بیش تر آدم‌ها به نوشتن علاقه دارند، ولی اگر نمی‌نویسند، به خاطر موانع نیمکره چپ است که همیشه بهانه و دستاویزی برای آدم فراهم می‌کند.	ننوشتن به خاطر موانع نیمکره چپ
متأسفانه همیشه در ذهنم می‌نویسم.	نوشتن در ذهن و نه روی کاغذ
بی‌ارزش شدن جایگاه هنر و فرهنگ در دنیای امروز.	بی‌ارزش شدن جایگاه هنر و فرهنگ
شاید از این‌که نوشتن احساساتمان حالمان را بد می‌کند، از نوشتن فاصله بگیریم.	بدشدن حال به خاطر نوشتن احساساتمان
شاید نگران این باشیم که نوشته‌مان خوانده نشود.	نگران از خوانده نشدن نوشته‌ها
چون به ما یاد ندادند نوشتن یک امر باارزش است و برایمان الگویی معرفی نکردند تا از آن تبعیت کنیم.	نداشتن الگوی مناسب جهت نوشتن
از این‌که درونمان را با نوشتن آشکار کنیم، می‌ترسیم.	ترس نسبت به آشکارسازی درونمان با نوشتن
اگر بخواهیم بنویسیم، هیچ نیرویی ما را از انجام این کار باز نمی‌دارد، غیر از تنبلی.	تنبلی و نداشتن اراده کافی جهت نوشتن
آوردن بهانه‌های بنی اسرائیلی برای این‌که ننویسیم.	دلیل تراشی و بهانه آوردن جهت ننوشتن
نوشتن مثل پرورش گیاه است؛ تنبلی نمی‌گذارد بنویسیم.	داشتن تنبلی
نوشتن مثل عشق است؛ اگر جا خالی بدهی و نگذاری از تو بالا برود، می‌خشکد.	نداشتن عشق لازم جهت نوشتن
میدان را به نویسندگان تویتری و بلاگرها داده‌اند.	واگذاری میدان نوشتن به نویسندگان تویتری و بلاگرها
اضطراب خوب ننوشتن داریم.	داشتن اضطراب از خوب ننوشتن
خودمان را باور نداریم.	عدم خودباوری

سپس با ترکیب و تلخیص مضامین سازمان یافته، مضامین فراگیر مدل مفهومی علل ننویسندگی نزد شهروندان شناسایی و احصا شدند. فرایند این تحلیل در ذیل جدول ۵ نشان داده شده است:

گام دوم: کشف مضامین سازمان یافته و فراگیر
در ادامه فرایند کدگذاری نظری و از نوع کدگذاری محوری و سپس کدگذاری گزینشی (انتخابی) با ترکیب و تلخیص مضامین پایه‌ای، ابتدا مضامین سازمان یافته و

جدول ۵: فرایند کدگذاری نظری و از نوع کدگذاری محوری و گزینشی، جهت کشف مضامین سازمان یافته و فراگیر مدل مفهومی علل ننویسندگی از منظر شهروندان

کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری گزینشی (انتخابی)
مضامین پایه‌ای	کشف مضامین سازمان یافته	مضامین فراگیر
درآمدزایی نبودن نوشتن	نداشتن انگیزه لازم جهت نوشتن	نداشتن انگیزه، الگو و زمان کافی جهت نوشتن
بی‌انگیزگی به خاطر کم بودن فروش کتاب		
نداشتن عشق لازم جهت نوشتن		
دلیل تراشی و بهانه آوردن جهت ننوشتن		
تنبلی و نداشتن اراده کافی جهت نوشتن		
داشتن تنبلی		
از یاد بردن دلیل اصلی نوشتن		
نداشتن بهانه و انگیزه جهت نوشتن		
مورد تشویق قرار نگرفتن نویسندگان		
بی‌اعتنائی و عدم توجه لازم به نوشته‌ها		
واگذاری میدان نوشتن به نویسندگان	نداشتن الگو و عدم فراگیری نوشتن	نداشتن الگو و عدم فراگیری نوشتن
تویتری و بلاگرها		
بی‌ارزش شدن جایگاه هنر و فرهنگ		
نداشتن الگوی مناسب جهت نوشتن		
ننوشتن به خاطر موانع نیمکره چپ		
نوشتن در ذهن و نه روی کاغذ		
نیاموختن تخلیه هیجانات منفی از طریق نوشتن	نداشتن وقت و زمان کافی جهت نوشتن	نداشتن وقت و زمان کافی جهت نوشتن
عادت نداشتن به نوشتن روزانه		
نداشتن برنامه‌ریزی جهت نوشتن از کودکی		
نداشتن وقت کافی جهت نوشتن		
کم بودن لحظه‌های ناب جهت نوشتن		
ننوشتن به خاطر خواندن کتاب		
ننوشتن به خاطر درس و مدرسه		
داشتن مشغله‌های زیاد شغلی		
کم شدن زمان نوشتن به خاطر سرگرمی‌های گوشی و فیلم		

کدگذاری گزینشی (انتخابی)	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
مضامین فراگیر	کشف مضامین سازمان یافته	مضامین پایه‌ای
داشتن رویکردی آرمانی نسبت به نوشتن	نگران بودن و ترس از خوب ننوشتن	بدشدن حال به خاطر نوشتن احساساتمان
		نگران از خوانده نشدن نوشته‌ها
		داشتن اضطراب از خوب ننوشتن
		عدم خودباوری
		ترس نسبت به آشکارسازی درونمان با نوشتن
	نداشتن شرایط ایده‌آل و آرمانی	هیولا فرض کردن نوشتن
		ننوشتن به خاطر ترس از وضوح حقیقت
		ضرورت نداشتن نوشتن کتاب از سوی همه
		تصور نادرست داشتن نسبت به فرایند نوشتن
		انتظار بیش از اندازه داشتن از خود
داشتن رویکردی آرمانی نسبت به نوشتن	نداشتن ایده خوب جهت نوشتن	
	نداشتن تمرکز لازم جهت نوشتن	
	تنهانشدن در سایه وابستگی به نوشتن	
نداشتن صداقت و روراستی		

مفهومی علل ننویسندگی نزد شهروندان را مستخرج از داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه عمقی با ۳۸ نفر از شهروندان نشان داده شده است:

گام سوم: تدوین شبکه مضامین
قبل از تدوین شبکه مضامین، ابتدا در ذیل جدول ۶، تعداد مضامین فراگیر، سازمان یافته و پایه‌ای مدل

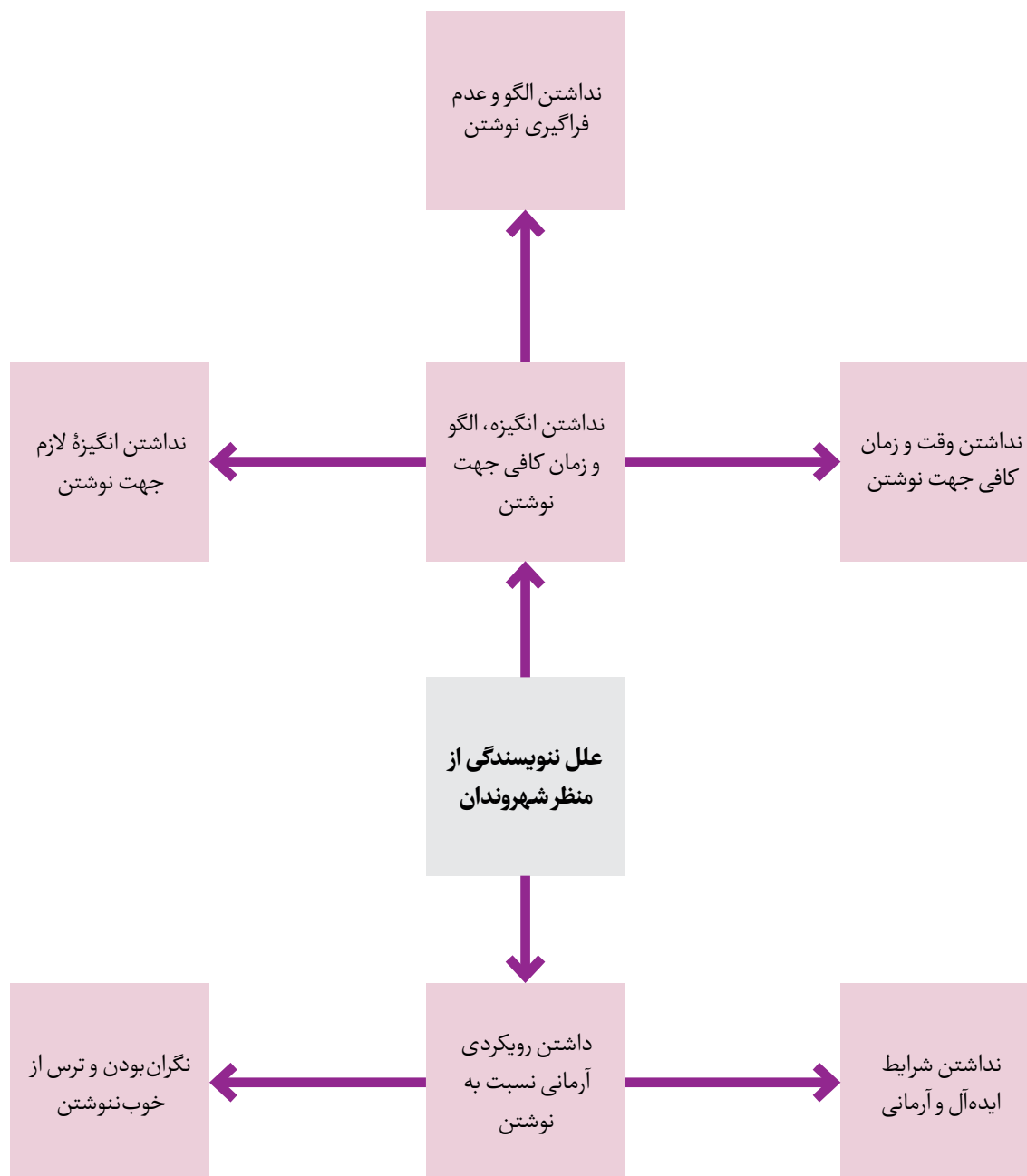
جدول ۶: تعداد مضامین فراگیر، سازمان یافته و پایه‌ای مدل مفهومی علل ننویسندگی از منظر شهروندان

ردیف	مضامین فراگیر	مضامین سازمان یافته	مضامین پایه
۱	نداشتن انگیزه، الگو و زمان کافی جهت نوشتن	نداشتن انگیزه لازم جهت نوشتن	۲۴
		نداشتن الگو و عدم فراگیری نوشتن	
		نداشتن وقت و زمان کافی جهت نوشتن	
۲	داشتن رویکردی آرمانی نسبت به نوشتن	نگران بودن و ترس از خوب ننوشتن	۱۴
		نداشتن شرایط ایده‌آل و آرمانی	
جمع کل	۲	۵	۳۸

پس از احصا و استخراج مضامین فراگیر، مضامین سازمان یافته و پایه‌ای مدل مفهومی علل ننویسندگی از منظر شهروندان، در این قسمت به ترسیم مدل مفهومی شبکه‌ای علل ننویسندگی از منظر شهروندان در ذیل نمودار ۲ مبادرت شده است:

همان‌گونه که جدول ۶ نیز نشان می‌دهد، مدل مفهومی علل ننویسندگی نزد شهروندان براساس مصاحبه عمقی با ۳۸ نفر از شهروندان از دو مضمون فراگیر، پنج مضمون سازمان یافته و در نهایت با ۳۸ مضمون پایه‌ای به اشباع نظری رسیده است.

نمودار ۲: مدل مفهومی شبکه‌ای علل ننویسندگی از منظر شهروندان



۲. تشکیل ماتریس مضمون

و سازمان یافته علل نویسنده و نیز علل نویسنده
از منظر شهروندان نسبت به تشکیل ماتریس مضمون
اقدام شده است:

در این مرحله، به منظور مقایسه مضامین فراگیر

**جدول ۷: ماتریس مضمون جهت مقایسه مضامین فراگیر و سازمان یافته
علل نویسنده و نویسنده از منظر شهروندان**

مضامین سازمان یافته	مضامین فراگیر	ملاک
لذت بردن و کسب آرامش	دستیابی به تسکین و آرامش درونی برای خود و دیگران	علل نویسنده‌گی
رهایی و خالی شدن از هیجانات و احساسات روزمره		
هدیه کردن حال خوب به دیگران		
بازنمایی تجارب زیسته خود و دیگران	دستیابی به معنای واقعی زندگی	
دستیابی به جاودانگی		
مرتفع کردن نیاز خودیابی		
نداشتن انگیزه لازم جهت نوشتن	نداشتن انگیزه، الگو و زمان کافی جهت نوشتن	علل ننویسنده‌گی
نداشتن الگو و عدم فراگیری نوشتن		
نداشتن وقت و زمان کافی جهت نوشتن		
نگران بودن و ترس از خوب ننوشتن	داشتن رویکردی آرمانی نسبت به نوشتن	
نداشتن شرایط ایده آل و آرمانی		

نوشتن و داشتن رویکردی آرمانی نسبت به نوشتن، به
اشباع نظری رسیده است.
علاوه بر آن، هریک از دو مضمون فراگیر علل نویسنده
و نیز دو مضمون فراگیر علل نویسنده، خود از مضامین
سازمان یافته (جزئی تر) به شرح جدول فوق تشکیل
شده اند.

همان گونه که یافته های جدول ۷ نیز نشان می دهد،
علل نویسنده از منظر شهروندان از دو مضمون فراگیر:
دستیابی به تسکین و آرامش درونی برای خود و دیگران و
دستیابی به معنای واقعی زندگی، به اشباع نظری رسیده
است. در مقابل علل نویسنده از منظر شهروندان از دو
مضمون فراگیر: نداشتن انگیزه، الگو و زمان کافی جهت



نیکخواه: حسابرسی دقیق، موجب تغییر رفتار در سازمان می‌شود



در ایام تحصیل و دوران متوسطه به هنرستان رفتم و رشته حسابداری را انتخاب کردم. همین امر نقطه شروع دوران کاری‌ام بود؛ چون هر روز به این رشته علاقه‌مندتر شدم و تصمیم گرفتم حسابداری را به طور جدی دنبال کنم. با گذشت زمان، این تصمیم رنگ و بوی جدی‌تری به خود گرفت و شرایط و فرصت‌های شغلی مرتبط با این رشته نیز بر جذابیت‌های تحصیل می‌افزود. برای همین، در دیگر مقاطع نیز ترجیح دادم این رشته را ادامه دهم و هم‌اکنون در مقطع دکترا مشغول تحصیل هستم. دنیای حسابداری همچون اقیانوسی بی‌انتهای می‌ماند که روز به روز با توجه به تحقیقاتی که در این رشته صورت می‌گیرد، کامل‌تر می‌شود. بنده نیز آفاق خود را در اخذ مدارک بین‌المللی مثل ACCA، نگارش کتاب و مقالات علمی می‌بینم تا بتوانم در حد توانم در آینده گره‌گشای مسائل پیش‌روی حرفه در کشورم باشم. افزون بر این، تدریس در این حوزه نیز همواره از علاقه‌مندی‌هایم بوده است.

میلاد نیکخواه، مدیر حسابرسی داخلی صندوق قرض‌الحسنه شاهد، از آن دست مدیرانی است که همنشینی و گفتگو با او حتی بی‌تفاوت‌ترین آدم‌ها را نسبت به مقوله حسابرسی و آثار آن در هر سازمانی علاقه‌مند می‌سازد. درباره پیوند او با حسابرسی ذکر همین نکته کافی است که روز تولدش دقیقاً مقارن شده است با روز حسابرس!

نیکخواه که متولد ۱۵ آذر ۱۳۷۰ در شهر زیبای خرم‌آباد است، در پنج مقطع تحصیلی، علوم مربوط به حسابداری را پیش گرفته تا نشان دهد این مهم چه جایگاهی در زندگی شغلی او دارد. دوره‌های هنرستان، کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و حالا هم دوره دکترا برای او فقط یک محور داشته است؛ حسابداری!

تدریس در دانشگاه، عضویت در انجمن حسابرسان داخلی ایران، حسابرس ارشد در مؤسسه حسابرسی مفید راهبر، عضویت در انجمن حسابداران خبره ایران، عضویت در کمیته حسابرسی هلدینگ عمران و مسکن ایران و قبولی در آزمون حسابرس ارشد جامع حسابداران رسمی ایران، از جمله سوابق کاری میلاد نیکخواه است. آنچه می‌خوانید، ماحصل گفتگوی «طلوع حسنه شاهد» با مدیر حسابرسی صندوق قرض‌الحسنه شاهد در خصوص اهمیت حسابرسی در سازمان‌ها، به خصوص بانک‌ها، مؤسسات مالی و اعتباری و همچنین صندوق‌های قرض‌الحسنه است.

به نظرم آشنایی بیش‌تر با شما می‌تواند آغاز خوبی برای گفتگویمان باشد.

من متولد ۱۵ آذر ۱۳۷۰ در خرم‌آباد هستم. سال ۱۳۹۳ به تهران آمدم و در سال ۱۳۹۸ نیز ازدواج کردم.



فعالیت‌های بخش عمده نهادهای زیرمجموعه بیت رهبری را نیز مؤسسه حسابرسی مفید راهبر رصد می‌کند. بنیاد شهید و امور ایثارگران، صداوسیما، آستان قدس رضوی، ستاد اجرایی فرمان امام (ره)، بنیاد مستضعفان، بنیاد مسکن و... از جمله این سازمان‌ها هستند. به طور معمول پس از اتمام سال مالی، مؤسسه به سازمان‌ها ورود و عملکرد مالی آن‌ها را ارزیابی می‌کند.

لزوم حسابرسی بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری و صندوق‌های قرض‌الحسنه در راستای اطمینان بخشی و انضباط مالی بر استانداردهای مالی مورد تأیید بانک مرکزی را تشریح فرمایید.

فعالیت بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و صندوق‌های قرض‌الحسنه، خاص و حساس بوده و حسابرسی موشکافانه و دقیق و همچنین اظهارنظرهای خاص و موردی حسابرس را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. به علاوه، گستردگی کار رسیدگی و بررسی عملیات مؤسسات

با این اوصاف، می‌توان گفت حسابداری با زندگیتان پیوندی ناگسستنی دارد.

حسابداری، نگاهی ریاضی‌وار به محیط پیرامون خود دارد و در نهایت شفافیت را با خود به ارمغان می‌آورد. بی‌شک همه ما آرامش را مهم‌ترین دغدغه زندگیمان می‌دانیم و تحقق این مهم در گرو همان شفافیت است. حتماً می‌دانید حتی در شرع مقدس به مقوله حسابرسی تأکید شده و به انسان‌ها سفارش شده که در همه لحظات و ایام، به اعمال و رفتار خود نظارت و رسیدگی کنند. جالب است بدانید تاریخ تولد من دقیقاً با روز حسابداری و حسابرس مقارن شده است!

شما سال‌های زیادی در مؤسسه حسابرسی مفید راهبر مشغول کار بوده‌اید. می‌توانید معرفی اجمالی از این مؤسسه و دامنه فعالیت آن برایمان داشته باشید؟ بله، من این افتخار را داشتم که مدت پنج سال در مؤسسه حسابرسی مفید راهبر تجارب بسیاری کسب کنم. در بخش‌های اجرایی کشور همواره نهادهای نظارتی، عملکرد سازمان‌ها را ارزیابی می‌کنند؛ به طور مثال، سازمان حسابرسی در دولت، سازمان بازرسی در قوه قضاییه و دیوان محاسبات در مجلس شورای اسلامی، این وظیفه را برعهده دارند.

مؤسسه حسابرسی مفید راهبر به منظور اعمال نظارت و ارتقای سطح کیفی اطلاعات و گزارش‌های مالی و مدیریتی بنیادها و نهادهای انقلاب اسلامی، به عنوان مؤسسه غیرتجاری انتفاعی در اواخر سال ۱۳۷۱ تأسیس شده است. مؤسسه متعاقباً براساس مصوبه مورخ ۱۳۸۰/۵/۱۷ هیئت وزیران به عنوان مؤسسه حسابرسی عضو «جامعه حسابداران رسمی ایران» به رسمیت شناخته شد. همچنین مؤسسه طبق مصوبه مورخ ۱۳۷۹/۶/۲۲ به عنوان «مؤسسه حسابرسی معتمد بورس اوراق بهادار» فعالیت می‌کند. در باب حساسیت و رتبه کاری این مؤسسه، من به این فرمایش مقام معظم رهبری استناد می‌کنم که فرمودند: «مؤسسه حسابرسی مفید راهبر بایستی کار خود را در حدی با اتقان و استواری انجام دهد که نام مؤسسه ماندگار بماند.»

بانکی و صندوق‌های قرض‌الحسنه به گونه‌ای است که ارزیابی سیستم کنترل‌های داخلی تا بررسی عملکرد مدیریت را شامل می‌شود. لذا با در نظر گرفتن اصل حفظ منافع سپرده‌گذاران (با توجه به جمعیت انبوه آن‌ها) و نگرانی‌های ناشی از خطرات گسترش بحران‌های مالی بانکی، انتخاب حسابرس و انجام حسابرسی در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در مقایسه با دیگر صنایع از اهمیت ویژه و حساسیت به مراتب بالاتری برخوردار است.

با عنایت به این‌که در صورت بروز بحران مالی حتی در یک بانک، خطر احتمال سرایت زنجیرهای بحران به دیگر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری وجود دارد، برای کاهش خطرات ناشی از ایجاد بحران‌های مالی عمومی و ممانعت از تضییع منافع سپرده‌گذاران، نسبت به تدوین «ضوابط مؤسسات حسابرسی منتخب بانک مرکزی» بر محور همکاری و تعامل بین بانک مرکزی و حسابرسان واجد شرایط اقدام شده است.

هدف از انجام حسابرسی، مچ‌گیری نیست. در واقع فرایند حسابرسی با بررسی عملکرد بنگاه‌های اقتصادی، به استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی کمک می‌کند تا بهترین تصمیم را بگیرند. همه بنگاه‌های اقتصادی، صورت‌های مالی دارند و در واقع خلاصه عملیات آن‌ها در این صورت‌های مالی طبقه‌بندی می‌شود. این صورت‌ها با تأییدیه حسابرس، ارزش و اعتبار پیدا می‌کند.

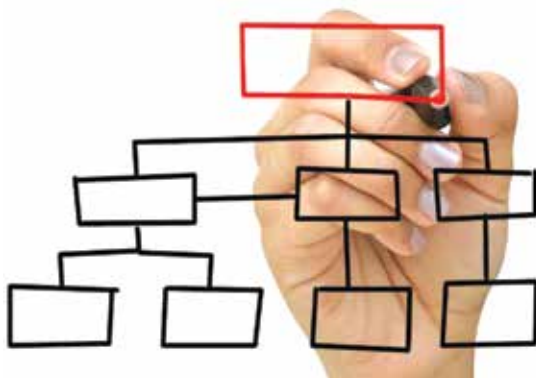
بنابراین هر سازمانی برای کسب اعتبار نزد مردم و جامعه، سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان و دیگر ذینفعان خود و همچنین ادامه حیات خود، نیاز به ارائه گزارشی از وضعیت خود به ذینفعان خود دارد که می‌توان گفت این گزارش در قالب صورت‌های مالی حسابرسی شده ارائه می‌شود. ذینفعان با استناد به همین صورت‌های مالی حسابرسی شده، تصمیمات مهم خود را اتخاذ می‌کنند و در مقام انتخاب برمی‌آیند. برای مثال، مردم برای سرمایه‌گذاری در بورس، کنار نام و سابقه برند، سراغ مجموعه‌ای می‌روند که صورت‌های مالی حسابرسی شده آن‌ها، وضعیت و عملکرد مالی آن‌ها را به نحو مطلوب نشان دهد.

شاخص‌های مهم و مورد توجه در فرایند حسابرسی مطلوب، از دیدگاه حسابرس کدام است؟

حسابرس اقدام به اظهار نظر نسبت به صورت‌های مالی واحدهای مورد رسیدگی براساس حسابرسی انجام شده طبق استانداردهای حسابرسی می‌کند، به گونه‌ای که از نبود تحریف با اهمیت در صورت‌های مالی، اطمینان معقول کسب شود. این بدان معناست که در هر مجموعه باید استانداردهای حسابداری رعایت شده باشد. پیروی از قانون تجارت و قانون مالیات‌های مستقیم و دیگر قوانین خاص آن مجموعه (صنعت) مورد توجه قرار گرفته باشد. موارد مدنظر سازمان تأمین اجتماعی و همچنین رعایت اسناد بالادستی (به عنوان مثال، قوانین و مقررات بانک مرکزی برای بانک‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه) نیز می‌بایست صورت گرفته باشد. اهتمام به اجرایی کردن مصوبات مجمع، هیئت مدیره و پیروی از آیین‌نامه‌های داخلی نیز از دیگر تأکیدات ما برای دریافت گزارش مطلوب حسابرسی است.

آنالیز عملکرد صندوق قرض‌الحسنه شاهد از دیدگاه حسابرس مستقل مفید راهبر در طول سنوات ارزیابی چگونه است؟

در سال‌های اخیر با توجه به استراتژی‌ها و چشم‌اندازهای تعیین شده از سوی ارکان راهبری صندوق و مدیریت محترم عامل، صندوق هموار توانسته به بخش مهمی از اهداف از پیش تعیین شده خود دست یابد. کنار ارائه خدمات به بهترین شکل ممکن به جامعه هدف (خانواده‌های معظم و معزز شاهد و ایثارگر) که مهم‌ترین وظیفه و هدف صندوق بوده، همواره مدیریت محترم عامل در سنوات اخیر، جهت اخذ گزارش مطلوب از حسابرس مستقل و بازرس قانونی تلاش کرده است؛ البته این مهم تحقق نخواهد یافت جز با رعایت استانداردهای حسابداری، رعایت قوانین و مقررات و... که به لطف حق، زحمات و تلاش تمامی پرسنل مجموعه، این مهم تحقق یافته و صندوق توانسته است از سال ۱۳۹۵ تاکنون، از مؤسسه حسابرسی مفید راهبر، گزارش حسابرسی مطلوب را اخذ کند.



ساختار سازمانی چیست؟

علیرضا زارعی / (رئیس کارگزینی و منابع انسانی)

به دست آورید. قبل از هر چیز باید درمورد ساختار شرکت بدانید. مثلاً این جا چه فرد یا افرادی مدیر هستند و در چه حوزه‌هایی فعالیت می‌کنند.

یک سازمان، نوعی از یک واحد اجتماعی متشکل از افراد است که برای دستیابی به اهداف جمعی مدیریت می‌شوند.

ساختار سازمانی، شیوه‌ای تعیین می‌کند که در آن نقش‌ها، قدرت، اختیار و مسئولیت‌ها، تعیین و مدیریت می‌شود و نحوه انتقال اطلاعات بین سطوح مختلف، سلسله‌مراتب در یک سازمان را نشان می‌دهد. ساختار سازمانی به میزان قابل توجهی به اهداف و استراتژی هر سازمانی اشاره می‌کند.

به بیان ساده‌تر: ساختار سازمانی، روشی است که یک سازمان برای نظم دادن به افراد و کارها در پیش می‌گیرد تا بتواند از این طریق وظایف را به بهترین شکل انجام دهد و به اهدافش برسد. اگر وسعت کار کم باشد، شاید شدت نیاز به ساختار سازمانی احساس نشود، اما در سازمان‌های بزرگ‌تر لازم است برای سپردن کارهای مختلف به افراد، تصمیم‌گیری و مدیریت انجام گیرد.

در واقع این ساختارها هستند که معین می‌کنند گروه‌ها چگونه تقسیم‌بندی، هماهنگ و هدایت شوند. سازمان‌ها از جهتی شبیه اثرات انگشتان هستند. هر سازمانی، ساختار منحصربه‌فرد خود را دارد. البته هیچ ساختاری را هم نمی‌توان یافت که به طور کامل منحصربه‌فرد باشد.

در شرکت‌ها و سازمان‌های موفق همواره بر استفاده از نیروی کار ماهر و متخصص تأکید می‌شود؛ اما چرا؟ در انجام امور تخصصی، به جای این‌که تمام کار را یک نفر انجام دهد، کار به چند مرحله تقسیم می‌شود و هر کدام از این مراحل را یک شخص خاص تکمیل می‌کند. در این فرایند، افراد فقط برای انجام بخشی از امور، تخصص ویژه می‌بینند، نه تمام کار.

زمانی که شما کارها را براساس تخصص کارکنان تقسیم کردید، لازم است که این کارها را گروه‌بندی کنید تا مجموعه منظم و کارآمدی داشته باشید.

برای داشتن یک سازمان بهره‌ور (کارایی + اثربخشی) باید از ابتدا ساختار مناسب آن تدوین شده باشد، که همانند خشت اول است؛ چون اگر سازمانی بر مبنای مأموریت‌های خود، ساختار مناسبی نداشته، ولی نیروهای متخصص و کارآمدی داشته باشد، باز هم نمی‌تواند به موفقیت‌های مورد انتظار با توجه به منابع در دسترس برسد؛ به عبارتی امکان بهره‌ور بودن سازمان زیر سؤال خواهد رفت.

یک چارت سازمانی، نمایش بصری از ساختار سازمانی است. این ساختار باید به وضوح، روابط گزارش‌دهی و جریان اختیار را تعیین کند؛ زیرا این امر ارتباط خوبی برقرار خواهد کرد و موجب جریان کارآمد و مؤثر در کار می‌شود. وقتی به عنوان یک کارمند یا ارباب رجوع، وارد یک مجموعه می‌شویم، برای به دست آوردن بهترین نتیجه می‌بایست شناخت کافی درمورد فضای کاری و کارمندان

اما یکی از مشکلات این ساختار، انتقال اغلب مسائل و مباحث به سطوح مدیریتی بخش‌ها و ضعف یا فقدان ارتباط در بین بخش‌های مختلف است. به عنوان مثال، هنگامی که یک بخش با بخش دیگری روی یک پروژه کار می‌کند، احتمالاً هر یک انتظارات یا جزئیات خاصی برای فعالیت‌ها و فرایندهای مختلف در نظر دارد که در نهایت می‌تواند مشکل‌آفرین باشد.

۲. ساختار بخشی (Divisional Structure): شرکت‌های

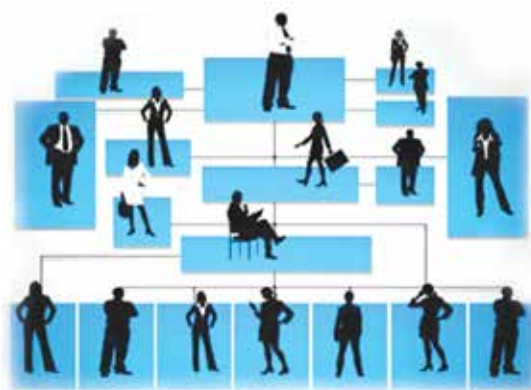
بزرگ‌تری که در چند هدف جداگانه و به صورت افقی فعالیت دارند، گاهی از این ساختار استفاده می‌کنند. ساختار بخشی، استقلال بیش‌تری در میان گروه‌های درون سازمان فراهم می‌کند؛ چون هر بخش، اساساً به عنوان یک شرکت عمل می‌کند، منابع مخصوص به خود را دارد و پروژه‌های مختلف را مدیریت می‌کند. لازم است تأکید شود که برخی اوقات، ساختار بخشی بر مبنای تقسیمات جغرافیایی شکل می‌گیرد. شرکت‌های بزرگ‌تری که چندین هدف هم‌سطح دارند، گاهی به استفاده از ساختار سازمانی بخشی روی می‌آورند.

یکی از نقاط ضعف این ساختار سازمانی، این است که با توجه به مجزای بودن هر دپارتمان، کارکنانی که در دپارتمان‌های مختلف کارکرد یکسانی دارند، نمی‌توانند با همکاران خود در دیگر دپارتمان‌ها ارتباط مؤثری داشته باشند. به علاوه، این ساختار مسائلی در خصوص حسابداری و پیچیدگی‌هایی در مبحث مالیات پدید می‌آورد.

۳. ساختار ماتریسی (Matrix Structure): ساختار

سازمانی ماتریسی، یک ساختار ترکیبی است که از درهم آمیختن ساختار وظیفه‌ای با ساختار پروژه‌ای ایجاد می‌شود. ساختار پروژه‌ای (Projectized Structure) یک ساختار موقتی است که افرادی را که کارکرد مورد نیاز برای انجام یک پروژه را دارند، گرد هم جمع می‌کند و پس از انجام پروژه منحل می‌شود. در ساختار ماتریسی، پرسنل علاوه بر حضور در ساختار پروژه‌ای، ساختار وظیفه‌ای خودشان را نیز ترک نمی‌کنند.

امتیاز ساختار ماتریسی این است که کارکنان می‌توانند دانش و مهارت خود را در اختیار بخش‌های دیگر قرار بدهند و این امکان ایجاد ارتباط و درک بهتر بین دپارتمان‌ها را فراهم می‌آورد. افزون بر این، کارکنان با کار در کنار کارکنان



ساده‌ترین، بنیادی‌ترین و رایج‌ترین ساختار سازمانی، ساختار سلسله‌مراتبی است که در آن مهم‌ترین فرد شرکت که همان مدیرعامل است، در رأس قرار گرفته است، مدیران و معاونان او زیرمجموعه او هستند و به همین ترتیب، سلسله‌مراتب مدیران و ناظران و معاونان تا کارکنان ادامه پیدا می‌کند.

انواع ساختارهای سازمانی

در حالت کلی، چهار ساختار سازمانی را می‌توان تعریف کرد:

۱. ساختار وظیفه‌ای (Functional Structure): این

ساختار، برونظایف و نقش‌های عملکردی تأکید دارد. در این حالت، سازمان به گروه‌های کوچک‌تر و با وظایف یا نقش‌های خاص (مثلاً گروه مالی و بازاریابی یا گروه فناوری اطلاعات) تقسیم می‌شود که در هر بخش، یک مدیر به مدیران سطوح بالاتر و ناظر بر چندین بخش مختلف گزارش می‌دهد.

مزیت این ساختار سازمانی، گروه‌بندی کارکنان بر اساس مجموعه مهارت‌ها و توانمندی‌های آن‌هاست، که این امکان را فراهم می‌کند تا انرژی و خرد جمعی خود را روی انجام فعالیت‌های تخصصی دپارتمان خود متمرکز و معطوف کنند.

دیگر بخش‌ها می‌توانند دامنه مهارت‌ها و دانش خود را گسترش دهند که این به نوبه خود باعث رشد حرفه‌ای شرکت خواهد شد.

در عین حال، ساختار ماتریسی، یک ساختار سازمانی چالش‌زاست؛ زیرا پاسخگویی به چند رئیس و ارائه اطلاعات درست به آن‌ها معمولاً دشوار است. لذا در این ساختار، کارکنان باید دقیقاً از نقش، مسئولیت‌ها و اولویت‌های کاری خود آگاه باشند.

از طرف دیگر، جواب پس دادن به چندین مدیر می‌تواند باعث ایجاد ابهام و اختلاف بین مدیران شود. به علاوه، اگر اولویت‌ها دقیقاً و به وضوح مشخص نشده باشند، این ابهام و اختلاف به کارکنان نیز سرایت خواهد کرد.

۴. ساختار سازمانی مسطح (Flat Structure): ساختار

سازمانی مسطح، سعی در برهم زدن سیستم مدیریت سنتی سلسله‌مراتبی و از بالا به پایین رایج در شرکت‌ها را دارد. در این ساختار، مدیریت عمده‌تر غیر متمرکز بوده و عملاً هر کارمند، رئیس خود است. ساختار سازمانی مسطح، مزایای زیادی دارد. مثلاً بوروکراسی اداری را از بین می‌برد، ارتباطات مستقیم بین کارکنان و بخش‌های مختلف را افزایش می‌دهد و به افزایش کار تیمی کمک می‌کند.

نقطه قوت این ساختار سازمانی، این است که فضای لازم برای افزایش نوآوری و خلاقیت در شرکت را گسترش می‌دهد و همچنین خط قرمزهایی را که در ساختار وظیفه‌ای می‌تواند مانع نوآوری باشد، حذف می‌کند. در عین حال، اگر همه دست‌اندرکاران روی نحوه سازماندهی این ساختار توافق نداشته باشند، این ساختار می‌تواند به ساختار گیج‌کننده و آسیب‌زا تبدیل شود.

ساختار سازمانی مشخص می‌کند که مشاغل و وظایف در یک سازمان چگونه دسته‌بندی، تقسیم‌بندی و هماهنگ می‌شوند. نوع ساختار سازمانی، به نوع سازمان و رویکرد آن در عملیات‌های اجرایی بستگی دارد. بیش‌تر ساختارهای سازمانی به شیوه‌های کلاسیک طراحی می‌شوند.

عناصر کلیدی برای ساختار سازمانی مناسب عبارت

است از:

- تخصص کاری: وظایف برچه اساس و برحسب کدام درجه به مشاغل جداگانه طبقه‌بندی می‌شوند؛



- تقسیم‌بندی کار به بخش‌های مختلف: برچه اساسی مشاغل گروه‌بندی می‌شوند؛
 - زنجیره فرماندهی: گروه‌ها و افراد به چه کسی باید گزارش بدهند؛
 - محدوده کنترل: یک مدیر چند نفر را می‌تواند به طور مؤثر مدیریت کند؛
 - تمرکز و عدم تمرکز: چه کسی، تصمیم‌گیرنده نهایی خواهد بود؛
 - رسمی‌سازی: قوانین و مقررات تا چه میزان بر عملکرد مدیران و کارمندان نظارت خواهد کرد.
- همان‌طور که گفته شد، ساختار سازمانی مناسب و کارآمد، از مهم‌ترین فاکتورهای موفقیت یک کسب‌وکار است. براساس قانون افسانه‌ای «Conway's Law»، هر چیزی که یک سازمان اختراع، طراحی یا تولید می‌کند، یک کپی از ساختار ارتباطی سازمان است. محصولات نهایی هم در نهایت نمودی از تیم‌هایی هستند که آن‌ها را ایجاد می‌کنند. به زبان ساده‌تر، طراحی سازمانی مقدم بر طراحی محصول است!
- لازم است ذکر شود که معایب و مزایای ساختارهای سازمانی می‌توانند نسبی باشند؛ چون مباحث مرتبط به مدیریت و شاخه علوم انسانی همواره نسبی هستند.
- ادامه دارد...



پرتلاطم فوتبال امتحان کنم، ولی خب قسمت نبود و وارد بازار کار شدم.

در سال ۱۳۹۳ با همسر عزیزم، خانم فاطمه سادات حسینی ازدواج کردم که حاصل آن دخترم دلوین است که اسفند امسال شمع تولد سه سالگی‌اش را فوت می‌کند. خانواده‌ام بزرگ‌ترین دارایی و سرمایه من هستند و همیشه انگیزه بسیاری از آن‌ها گرفته‌ام تا در مقابله با مشکلات زندگی، مصمم‌تر و قوی‌تر باشم. می‌خواهم همین‌جا از همسر عزیزم تشکر ویژه‌ای داشته باشم؛ چون در تمام این سال‌ها کنارم بود و در مبارزه با سختی‌های زندگی پایه‌پای من تلاش کرد.

ورود به صندوق قرض الحسنه شاهد

قبل از ورود به صندوق قرض الحسنه شاهد، در واحد اداری یک شرکت دارویی مشغول کار بودم و از سال ۱۳۹۷ این افتخار نصیبم شد تا وارد خانواده بزرگ صندوق شوم. ورود به صندوق، اتفاق بزرگی برای من بود و زندگی‌ام بعد

محمد صفرپور، از نیروهای زحمتکش و تلاشگر صندوق قرض الحسنه شاهد است که در مواجهه با مشکلات هیچ‌گاه خسته نشده و همواره با انگیزه بالا، میل به پیشرفت و ترقی را معنا کرده است. او فعالیتش را در صندوق با حضور در واحد پشتیبانی آغاز کرد و حالا در مدیریت مالی خدمت می‌کند. آنچه می‌خوانید، ماحصل گفتگوی ما با اوست.

زندگی من در چند خط

من متولد ۲۸ بهمن ۱۳۶۹ در روستای زیبای توجاء آلمان از توابع شهرستان لشت‌نشا در استان گیلان هستم. همیشه افتخارم این بود که روستایی هستم و در واقع شخصیت و زندگی‌ام با کار و تلاش و سرسختی توأم بوده است. دوره ابتدایی و متوسطه را در لشت‌نشا گذراندم، اما به دلیل علاقه بسیاری که به فوتبال داشتم و به طور همزمان هنگام تحصیل، فوتبال هم بازی می‌کردم، به تهران آمدم. خیلی تلاش کردم تا شانس‌م را در دنیای



از آن تغییرات بسیاری داشت. ادامه تحصیل در دانشگاه، یکی از این تغییرات مهم بود و قصد دارم این مهم را همچنان ادامه بدهم. بعد از دریافت مدرک کارشناسی، حالا مصمم هستم تا در مقطع ارشد نیز ادامه تحصیل بدهم. از بدو ورودم به صندوق، حمایت های همه جانبه جناب آقای دکتر کریمی را همراه خودم می دیدم و همواره تلاش کردم با سختکوشی و دقت، پاسخ شایسته ای به اعتمادشان بدهم. جا دارد همین جا تشکر ویژه ای از ایشان داشته باشم که در کنار دارا بودن ویژگی های ممتاز مدیریتی، انسانی شریف و مهربان نیز هستند.

کار در مالی یعنی دقت و تیزبینی

حدود دو سال است که به واحد مالی صندوق آمده و تجارب خیلی خوبی در این حوزه کسب کرده ام. در همین مدت پیشنهاد حضور در واحدهای دیگر را نیز داشتم، اما علاقه ام به دنیای جذاب مالی باعث شد در همین بخش بمانم. در این واحد در کنار دوستان و همکاران متخصصی که داریم، هر روز در حال آموختن هستیم. به نظرم حضور ذهن و دقت بالا، ویژگی افراد شاغل در بخش مالی است و این دقت بالا کم کم در زندگی شما هم وارد می شود و در نهایت باعث می شود نظم خوبی بر فضای زندگی شخصیتان نیز حکمفرما شود.

آرزوهای من در دنیای حسابداری

من کارم را در صندوق شاهد از نقطه صفر و پله اول آغاز کردم و گام به گام پیش آمدم. می دانم راه زیادی در پیش دارم و برای رسیدن به اهدافی که در ذهن دارم، باید بسیار تلاش کنم. نمی خواهم صرفاً به ادامه تحصیل در دانشگاه اکتفا کنم و قصد دارم دوره های تخصصی و کاربردی مرتبط به فعالیت های مالی را نیز پشت سر بگذارم و در حسابداری حرفی برای گفتن داشته باشم.

من، خانواده و ورزش

اوقات فراغت من با خانواده و البته ورزش می گذرد. دوست دارم بیش تر وقتم را با دلوین بگذرانم و آرزوهای زیادی برایش دارم. ورزش کردن هم از مهم ترین و

جذاب ترین تفریحات من است و به لطف مدیرعامل محترم، فرصت پرداختن به این مهم نیز در صندوق همیشه مهیاست. هر زمان هم فرصتی دست بدهد، برای دیدار با پدر و مادر و خواهرانم به زادگاهم می روم. من تا ابد مدیون زحمات پدر و مادرم هستم و امیدوارم بتوانم ذره ای از زحمات این گنجینه های زندگی ام را جبران کنم.



یک فرشته بی‌بدیل، ایثارگرانه و قدرتمند همیشه حامی خانواده بوده است. پدرم به دلیل استفاده مداوم از اکسیژن نیاز به مراقبت‌های جدی دارند و مادرم با فداکاری تمام پرستاری بی‌همتا برای پدرم بوده و در کنار این مهم همه‌ی تلاش خود را برای آرامش و موفقیت من و تنها خواهرم به کار بسته است.

هنوز می‌آموزم

من کارشناسی حسابداری دارم و در حال حاضر هم دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد مدیریت بانکداری در موسسه آموزش عالی بانک مرکزی هستم. اینکه می‌توانم در کنار کارم به طور همزمان به ادامه تحصیل بپردازم، برایم ارزشمند است چرا که همواره دغدغه یادگیری داشته‌ام. دلم می‌خواهد تجربه‌های نو کسب کنم و در حوزه تخصصی‌ام همچنان بیاموزم. آموزش و یادگیری یکی از ارکان مهم موفقیت است و با اشتیاق و انگیزه تمام توانم را در این مسیر به کار خواهم بست.

خانم سیمین قربانی یکی از مهمانان این شماره طلوع حسنه شاهد در بخش معرفی سرمایه‌های انسانی هستند. بانویی که سخت‌کوشی و انگیزه‌اش در مدت دو سالی که به جمع خانواده بزرگ صندوق قرض‌الحسنه شاهد پیوسته‌اند، همواره مورد توجه بوده است. ایشان فرزند برومند جانباز بزرگوار، پاسدار محمدحسین قربانی هستند که در مناطق سردشت و حلبچه حضور داشته و دچار عوارض شیمیایی شده‌اند. شما را به مرور بخشی از زندگینامه و دغدغه‌های شغلی ایشان دعوت می‌کنیم.

تا ابد مدیون پدر و مادر

من متولد ۲۳ آبان ماه ۱۳۷۲ در تهران هستم. پدرم از جانبازان شیمیایی دوران دفاع مقدس هستند و همیشه شاهد رنج کشیدن او بوده‌ام. از کودکی با داستان کوچک خود بارها چشم به آسمان دوخته و سلامتی‌اش را از خداوند خواسته‌ام. در همه‌ی این سال‌ها مادرم مثل



من و خانواده

اوقات فراغت بنده نیز گذراندن و مراقبت از خانواده است با وجود شرایط شیمیایی بودن پدر و شرایط سخت هرروزه‌ای که دارم نیز به خود و نیز به دیگران با توجه به مشکلات سختی که دارند فقط می‌گویم در زندگی سختی‌های زیادی خواهید کشید و شما باید از آنها درس بگیرید و سختی‌ها هستند که شخصیت شما را شکل می‌دهند. قوی بمانید و هیچ کس نمی‌تواند دری را که خدا برایتان باز کرده را ببندد.

هرروز تلاش، هرروز پیشرفت

همه ما انتظارات، امیدها و ناامیدی‌هایی داریم. در روند فکر کردن در مورد اهداف باید برای شکست خوردن هم آماده شویم اما هدفی که خوب روی آن فکر شده باشد می‌تواند خیلی از موانع و مشکلات ممکن را پیش بینی کند. من نیز هدفم در این حرفه ارتقا خودم است که بتوانم توانایی‌هایم را به چالش کشیده و همراه با این مجموعه رشد کنم. جمله‌ای از مکسیم لگاس به خاطر دارم که می‌گوید این هدف نیست که شما را موفق می‌کند بلکه کاری که به صورت روزانه انجام می‌دهید شما را موفق می‌کند. پس روی کارها و عادت خود تمرکز کنید.

خدا را شاکرم که تا کنون لطف و عنایت پروردگار شامل حال من بوده است و این افتخار را دارم که در اولین سال ورود به صندوق به عنوان کارمند نمونه انتخاب شدم و حال در جایگاه قرار دارم آغاز پیشرفت و رسیدن به هدفهایم است و تلاشم را چندین برابر کرده‌ام برای رسیدن به بهترین‌ها.

از بانک ملی و تامین اجتماعی تا صندوق قرض الحسنه شاهد

در دوران تحصیل در دانشگاه در مقاطع مختلف زمانی فرصت حضور در مجموعه های بانک ملی و بیمه تامین اجتماعی را پیدا کردم و دستاورد آن تجارب خوبی بود. به هر حال کار در فضاهای مختلف نگرش خوبی را به همراه دارد. از ابتدای خردادماه ۱۳۹۸ افتخار حضور صندوق قرض الحسنه شاهد را پیدا کردم و مسیر تازه‌ای را در زندگی در پیش گرفتم. در بدو ورودم به صندوق در مدیریت مالی مشغول به کار شدم و حالا هم مدتی است به عنوان کارشناس حسابرسی داخلی مشغول به خدمت هستم. در اینجا از حسن اعتماد جناب آقای دکتر کریمی مدیرعامل محترم صندوق قرض الحسنه شاهد کمال تشکر را دارم و همچنین آقای نیکخواه مدیر محترم حسابرسی که در کنار ایشان هرروز بر تجارب و آموخته‌هایم افزوده می‌شود.

دنیای خاص حسابرسی

حسابرسی کسب و کاری جهان شمول است و به مشابه علم شغل حرفه و صنعت تجلی دارد. در شغل حسابرسی شما به عنوان حسابرس صحت و کارایی یک سند یا گزارش‌های مالی را ارزیابی می‌کنید و در این حرفه باید بسیار دقیق باشید و به جزئیات توجه زیادی کنید. از جمله چالش‌های این شغل که عوامل اجرایی با آن روبرو هستند عبارتند از ارتباط با افراد تهاجمی، کشمکش در کار، محدودیت‌های زمانی، مسئولیت در قبال نتیجه کار، استرس بالا و ...

حسابرسی یعنی مسئولیت سرپرستی چندین پروژه را متعهد شدند و پروژه‌های پیچیده‌تر دارای شدت کار بیشتری است با وجود زیادی حجم کار حسابرسی و تیم او اغلب اقدامات نظارتی نیز انجام می‌دهند که موجب افزایش ساعات کار آنها در طول سال می‌گردد که بدون شک بر کارایی و اثربخشی کار حسابرسی تاثیر می‌گذارد. علاوه بر این هر چه نشانه‌های فرسودگی شغلی قوی‌تر باشد فشار کاری بیشتر خواهد بود فرسودگی شغلی حسابرسان می‌تواند منجر به خستگی عاطفی خستگی شدید و یا حتی قضاوت شخصیت شود.

هیچ چیز سر جای خودش نیست!



خودم که گمان نمی‌کردم هیچ وقت تن به ازدواج بدهم. بس که خبرهای جوراجور شنیده بودم از گوشه و کنار؛ یکی را می‌شناختم که خانه‌اش شده بود جهنم و کارزار زن و شوهر، بگومگوهای تمام‌نشده. یکی در آستانه جدایی و طلاق. کشمکش و دائم در حال تنظیم شکواییه و طرح دعوا و شکایت. یکی ایل و تبار طرف مقابل را به دخالت‌های بیجا در زندگی‌اش متهم می‌کرد.

یکی هم آن قدر مشغله داشت و دنبال یک لقمه نان که فصل به فصل فرصتی نداشت که یک دل سیرعیال و طفلکانش را ببیند و هنوز سفره دلش را پهن نکرده باید بار می‌بست و می‌رفت پی سرنوشت.

یکی هم آن قدر بی تفاوت به اهل خانه و خانواده که انگار نه انگار بیست سال از زندگی مشترکش را پشت سر

گذاشته. همه چیز بی روح بود و خاصیت. دیگری را می‌شناختم که همه‌اش دلوایس بچه‌ها بود و آینده نامعلوم و ترس‌هایی که هر روز به دامنه‌اش اضافه می‌شد.

یکی هنوز یک سال از زندگی مشترکش نگذشته بود، ناگافلی پدرش سخته کرد و بار خانواده هم افتاد به دوشش و بعد همسرش سرناسازگاری گذاشت و برگشت خانه آقاچونش.

و ناجوانمردی که ده سال زندگی مشترک را بادوتا بچه دسته گل به خاطر بیماری ام اس همسرش، ترک کرد و رفت دنبال یللی و تللی.

اما یکی را می‌شناختم که برعکس همه این‌ها، همین که وارد زندگی مشترک شد، درس و تحصیل را بوسید و گذاشت کنار و به اصرار خانم و تبارش، آرزوهایش را دفن



بود. مادرم با قامتی راست روی مبل راحتی نشسته بود. با چشمانی نافذ و آشنای مهربان. با همان لبخند ملیح و باوقار، در حالی که سنگینی هیكلش را انداخته بود روی آرنج دست راستش و تکیه داده بود به دسته چوبی صندلی و انگشتانش را روی شکم برآمده اش به هم گره زده بود و پای راستش را انداخته بود روی پای چپ و روسری یونیکورن بلندی که صورت کشیده اش را زیر ابروهای پیوسته و گیسوی صافش را زیباتر از همیشه کرده بود. روی میز کوچک کنار دستش، بشقاب پیرامیوه بود، دست نخورده. و آن طرف ترش چند گل رز سفید و سرخ... آن عکس، از شب عروسی خواهر کوچک ترش به یادگار مانده بود که همین دو سه سال پیش رفته بود خانه بخت.

غم و غصه از دست دادن مادر از یک طرف، ناتوانی من و آقا جانم برای سرو سامان دادن به امور خانه از طرف دیگر، زندگیمان را به شدت تحت تأثیر قرار داده بود؛ بالاخص آقا جانم که هر روز، فرسوده تری بی قرارتری شد و بهانه جویی می کرد. این بود که راه علاج را در تجدید فراش او دیدم؛ ولی چون با واکنش تند او روبرو شدم، قید پیگیری آن را زدم.

کرد و رفت کف بازار و شد بساز و بفروش. چقدر توپ شد وضعیت. اما چه فایده! تحصیلات برایش شده بود یک عقده. رفقاییش را می دید و دلخوشی های کوچک و رضایتشان از زندگی و بعد بچه های پرمدعایش را می دید که در عیش و نوش غرق بودند و نه غم نان می خوردند و نه تلاشی می کردند برای فردایشان...

به خاطر همین افکار و ده ها خبر عجیب و غریب مشابه دیگر، قید زندگی مشترک را زده بودم... اما قصه زندگی من به همین جا ختم نشد.

سی سالم بود که تحصیلات تکمیلی ام را تمام کرده بودم. آن وقت استخدام یکی از شرکت های ادواری نفت و گاز شده بودم. خب! وضع خوب بود. دستم به دهانم می رسید. خیلی زود به خاطر حسن خلق و موقعیت تحصیلی ام در اداره ارتقا گرفتم. خیلی ها از جمله مادر و پدرم بسیار اصرار می کردند و می گفتند که متأهل بشوم و این طور عزب و مجرد نمانم. اما من قبول نمی کردم. چند تا پیشنهاد هم دادند از در و همسایه و فامیل و آشنا، ولی مقاومت کردم و زیر بارشان نرفتم که نرفتم. با خودم می گفتم: «وقتی سرم درد نمی کند، چرا باید الکی دستمال ببندم و دستی دستی خودم را وسط یک معرکه بیندازم و شب و روزم را به هم بدوزم برای دیگری؟ نه! این طور راحت، بدون مزاحمت و جوابگویی به این و آن...»

ولی یک اتفاق ناخواسته و عجیب، همه بافته های ذهن مرا رشته کرد و خط زندگی ام را از ریل افکاری که در طی این سال ها برای آینده ساخته بودم، خارج کرد.

مادرم به طور ناگهانی دچار سرطان شد و در عرض کم تر از یک سال تسلیم مرگ شد و تا آمدیم به خودمان بیاییم، ما را قال گذاشت توی زندگی و رفت. آن وقت من ماندم و پدرم و یک زندگی مصیبت زده. همه جای خانه ردّ خاطرات مادرم را می دیدیم و حال و هوایی که ذهن ما را با خودش می برد به سال های دور و نزدیک، به دلخوشی های ریز و درشت. همان جا بود که فهمیدم تنها کسی که بی منت و بی شرط جلویمان می گذاشت و برمی داشت و دائماً لطف می کرد، مادر بود.

حالا همه آن شور و محبت، خلاصه شده بود در یک قاب عکس صد در هفتاد که به دیوار اتاق نشیمن آویزان

خوب می دانستم که شرایط زندگی برای آغاز یک زندگی مشترک سخت است؛ ناگزیر درگیر کار بودم و وضعیت جسمانی و روحی آقا جانم و دست تنهایی همسرم. گرچه سعی کردم این مشکل را با یک پرستار نیمه وقت، مرتفع کنم، ولی موقتی بود. هنوز شش ماه از زندگیمان نگذشته بود که بهانه گیری ها شروع شد و موریانه ناسازگاری، مرموزانه در شریان زندگیمان رخنه کرد و ساز همسرم در تقابل با آقا جان کوک شد و بکھوشیرازۀ زندگی از هم پاشید و به یک سال نرسیده، همسرم برگشت خانه پدری. من وقتی به خود آمدم که همه چیز به هم ریخته بود. آن جا بود که نگاهم به زندگی مشترک، عوض شده بود و از این که نتوانسته بودم از پس آن بربیایم، از خودم منجر شده بودم و به همه چیز بی تفاوت. واقعیت این بود که امیدم را از دست داده بودم و دیگر از زندگی لذت نمی بردم. چیزی مثل خوره روحم را می جوید؛ هزار بار مرور می کردم زندگی بحران زده ام را. دنیا پیش چشم من تیره و تار شده بود. خودم را در مردابی می دیدم که هر چقدر تلاش می کردم برای سامان زندگی ام، بیش تر در آن فرو می رفتم و گرفتار می شدم. من زندگی را باخته بودم و دیگر بهانه ای برای ادامه اش نداشتم.

دیوار احترام و اعتماد یک خانه وقتی فرو بریزد، دیگر نمی توان به راحتی مرمتش کرد؛ چون همزمان با آن سقف امنیت و آرامش هم فرو می ریزد... و من زیر آوار زندگی داشتم آخرین نفس های خودم را می کشیدم.

طرح مسئله

این روزها مشابه این قصه را شنیده ایم و در این زمینه فیلم و سریال هم که الی ماشاء الله ساخته شده است. واقعاً چرا با وجود اطلاعات مردم از دنیای پیرامونشان و توانایی های افراد در حوزه های ارتباطات اجتماعی و دانش گسترده، هر روز شاهد چنین انتخاب های بی سرانجامی می شویم. مشکل کجاست؟

چقدر از این سو و آن سو شنیده اید که «فلانی با سطح سواد و سن و سال خوب، زندگی مشترکش به یکی دو سال هم دوام نیاورده است!» یا «فلانی دو سه سال همدیگر را ارزیابی می کردند، ولی همین که وارد زندگی مشترک شدند،



اما واقعیت این است که در خانه ای که زن نباشد، خلأیی وجود دارد که نمی توان به راحتی آن را پر کرد. خصوصاً اگر پیش تر از این، زن آن خانه اهل سازش و تلاش بوده و همیشه مراقب بوده است تا آب توی دل کسی تکان نخورد.

آن جا بود که فهمیدم باید جرئت به خرج بدهم و انتخاب کنم. این بود که آرام آرام ذهنم درگیر ازدواج شد و یک سال بعد از فوت مادر، رفتم سراغ گزینه هایی که قبلاً معرفی شده بودند. اما متأسفانه خیلی از آن ها متأهل شده بودند و دیگر در خانه کسی نبود که برای من آستین همت بالا بزند و پا پیش بگذارد... و در نهایت تقدیر این طور رقم خورد که به پیشنهاد همکارم با خواهرش ازدواج کردم.

همان روز اول خواستگاری، وضعیت زندگیمان را برایش تشریح کردم و محدودیت ها و شرایط آن و مسائل آقا جانم را موبه مو برای همسرم توضیح دادم. ظاهراً همسرم پذیرفت و استقبال کرد از صداقت و صراحتم. این بود که قدم های بعدی را برداشتیم. همه چیز مثل برق و باد اتفاق افتاد. خانه پدری را بازسازی کردم و دو سه ماه بعد همان جا بساط زندگی مشترک را پهن کردیم.



ناغافلی از هم جدا شدند!» یا «فلانی در محیط کارش مدیر موفق است و صدها نفر زیر دستش از او راضی اند. ولی بنده خدا نمی دانیم چرا این قدر بد آورده و با همسرو بچه هایش به مشکل خورده است و در آستانه طلاق!» و...

بی شک هیچ کس برای بدبخت شدن وارد رابطه و زندگی مشترک نمی شود. کرکره هیچ مغازه ای برای ورشکست شدن، بالا زده نمی شود. هیچ عابد و زاهدی برای جهنم رفتن و عذاب، عبادت و اطاعت نمی کند. همه برای فردای بهتر و درخشان تر حرکت می کنیم و به زعم خود، برترین و بهترین را انتخاب می کنیم. ولی چرا بعد از مدتی، تمام بافته ها رشته می شود و تمام ساخته ها فرومی ریزد؟... مشکل کجاست؟

اولین پرسشی که باید در هر انتخابی از خودمان بپرسیم، این است که: «چرا ازدواج می کنیم؟» «آیا دلیل خاصی برای انتخاب ما وجود داشته؟» «اگر چنین است، دلیل این ازدواج چقدر واقع گرایانه و چقدر ایده آل گرایانه است؟» «چه تضمینی برای آینده زندگی مشترک وجود دارد؟ دوام و بقای یک زندگی مشترک به چه عواملی بستگی دارد؟» و سؤالات متعدد دیگر که پاسخ به هر کدامشان می تواند مسیر زندگی را به ما نشان بدهد.

نقشه راه زندگی

الآن که دارید این عبارات را می خوانید (با هر سن و سالی که هستید)، برای تأمل بیش تر بیایید به پرسش های زیر پاسخ دهید تا مسیر پیش روی زندگیتان را پیدا کنید. شاید در همین اول کار با خود بیندیشید: «ای بابا! از ما گذشته است.» ولی کمی صبر کنید. بعد خواهیم گفت که چگونه تا نفس داریم، باید نقشه راه زندگی داشت.

اما سؤالات:

۱. چند سال دارید؟ (هجده ساله هستید؟ ۲۵ ساله؟ چهل ساله... یا شصت ساله؟)
۲. چند سال از زندگی مشترکتان می گذرد؟ (در حین ازدواج هستید؟ تازه ازدواج کرده اید؟ کم تر از پنج سال؟ ده سال؟ بیست سال؟ سی سال یا بیش تر؟)

۳. چه تحصیلاتی دارید؟ این تحصیلات چقدر با زندگی اجتماعی و زندگی فردی و مشترکتان مرتبط است؟
۴. چه شغل و حرفه ای دارید؟ به چه کسب و کاری مشغول هستید؟

۵. تاکنون در طول زندگیتان چه فنون و هنرهایی را آموخته اید؟

۶. چگونه اوقات فراغتتان را مدیریت می کنید؟
۷. روابطتان با نزدیکان و آشنایان، دوستان و همکاران چگونه است؟

۸. با طبیعت و دنیای پیرامونتان چگونه ارتباط برقرار می کنید؟

۹. نقاط قوت و ضعف خودتان را می شناسید؟ تاکنون با آن ها چگونه روبرو شده اید؟

۱۰. علایق و دغدغه هایتان چیست؟
۱۱. اولویت شما در زندگی چیست؟
۱۲. به چه ارزش هایی پایبندی دارید؟
۱۳. رابطه تان با خدا چگونه است؟
۱۴. دیگران شما را چگونه ارزیابی می کنند؟ (خودی ها و غریبه ها)

و صدها سؤال از این دست! فقط خواستیم در این جا، به پاره‌ای از سؤالات اشاره کنیم و ذهنمان را قلقلک بدهیم. به نظر می‌رسد تا همین جا هم کلی بدهکاری بار آورده باشیم... بگذریم.

چشم‌انداز برای زندگی

حالا بیایید چشم‌انداز زندگیتان را تعیین کنید. به پایه سن امروز، بیست سال اضافه کنید؛ مثلاً اگر سی ساله هستید، بیست سال بعد شما پنجاه ساله شده‌اید. حالا بگویید در بیست سال دیگر با همین توان و خصلت‌ها و شرایط اجتماعی... کجای زندگیتان قرار دارید؟ به چه چیزی رسیده‌اید؟ و چه اتفاقاتی در زندگیتان رخ داده است؟... آن روز در ازای این همه دستاورد و داشته‌هایتان، چه چیزهایی را از دست داده‌اید؟

گذر زمان، دولبه دارد: پیشرفت‌ها و تجربه‌های زیبا و موفقیت‌ها در یک لبه؛ و فرسایش، پیری، سوگ عزیزان و جدایی‌ها در لبه دیگر. زمان، ما را به انتهای مأموریت خطیرمان در زندگی فرا می‌خواند. بله، ما بدون برنامه و به طور تصادفی پا به عرصه وجود نگذاشته‌ایم. هر کدام، در هر مقطع از زمان، وظیفه و مأموریت خاص خودمان را داشته‌ایم.

حالا به این سؤالات می‌توان بهتر پاسخ داد:

مأموریت یک مادر، یک پدر، یک فرزند، یک برادر، یک خواهر، یک دوست، یک همسر، یک همسایه، یک همشهری، یک کارمند، یک کارگر، یک کشاورز، یک روحانی، یک نظامی و... چیست؟ ما هر کدام، در این دنیا، شرح وظایفی داریم. شرح وظایف ما در بحران‌ها و مشکلات، با روزهای سرخوشی و رفاه یکی است. ما مأموریم که مراقب افکار، احساس و رفتارمان باشیم؛ در همه حال و در همه عرصه‌ها. چه آن وقتی که سلامت هستیم و چه آن وقتی که آن سلامتی را از دست داده‌ایم. ما فقط دوست و همراه و همسر روزهای خوشی نیستیم؛ اتفاقاً در روزهای ناگوار و سخت است که توان و قدرت آدمی محک می‌خورد.

آخرین پرده

در قصه آغازین این نوشته، به نظر می‌رسد مرد و زن بر اثر یک نیاز آنی (گرچه اجتماعی و اخلاقی) به هم تمایل پیدا می‌کنند. مرد از همان اول هم دنبال همسر نبوده؛ بلکه در ذهنش در پی مادر بوده است (مادری که با رفتن ناگهانی‌اش، بار زندگی و عواطف را واگذارده است).

مرد، کسی را می‌خواهد که خلأ حضور را در خانه پر کند و برای پدر بیمار و بهانه‌گیرش، پرستار و مراقب باشد. اولویت مرد در زندگی مشترک، خودش و خواسته‌های فردی است؛ گرچه زن هم در این موضوع، شبیه است. از طرفی زن، هیچ چشم‌اندازی به زندگی نداشته یا شاید به توان خودش آگاهی نداشته است؛ چون با سرریز شدن مشکلات، جا را خالی کرده و بالاتر از همه، عدم شناخت کافی در دوران آشنایی است. زن و مرد لازم است در این دوران، قدرت و توان تعهد، صمیمیت و علائق و سلاقی همدیگر را بشناسند.

به نظر می‌رسد زن با وجود اعلام آمادگی‌اش با سختی‌ها، به هیچ وجه آماده زندگی مشترک نبوده است؛ زندگی مشترک، مجموعه‌ای از تلخی‌ها و شیرینی‌هاست. شادی‌ها و غصه‌هاست. رنج و شکنج‌هاست و همین نوسانات و موج‌هاست که زورق زندگی را به ساحل مقصود هدایت می‌کند.

توصیه می‌کنیم

پیش از ورود به زندگی مشترک، دختر و پسر، بین شش ماه تا دو سال، فارغ از کشش و جاذبه‌های جنسی، نسبت به روحیات و خواسته‌های همدیگر شناخت پیدا کنند و در این خصوص (در قصه مشاوره)، یک بار دیگر در فضایی آرام و بدون تنش و هیجان، چشم‌انداز زندگی خود را ترسیم کنند. این کار را می‌توانند زیر نظر یک روان‌شناس مجرب، یک مشاور امین و آشنا به روحیات طرفین (داور) مورد بررسی قرار دهند و نقاط مثبت و منفی، قوت و ضعف حکایت زندگیشان را بازخوانی کنند و در صورت تراز مثبت و آینده‌نگرانه، مشکلات را هر دو طرف، تعدیل کنند و دوباره زندگی مشترک را در ریل خود قرار دهند.

به امید الهی!



تعریف خشونت

در علوم اجتماعی «خشونت»^۱ به رفتاری اطلاق می‌شود که برای آسیب‌رساندن به دیگری از کسی سر می‌زند و دامنه آن از تحقیر و توهین، تجاوز، ضرب و جرح تا تخریب اموال و دارایی و قتل را شامل می‌شود (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ۱۱۳). گلزو و استراوس، دو فردی که سال‌های زیادی در زمینه خشونت به بررسی پرداخته‌اند، در تعریف خشونت می‌گویند: «خشونت، رفتاری با قصد و نیت آشکار (یا رفتاری با قصد و نیت پنهان اما قابل درک) برای وارد آوردن آسیب فیزیکی به فرد دیگر است» (اعزاز، ۱۳۸۰: ۲۴). خشونت با ابعاد و شاخص‌های زیر مشخص و مورد سنجش قرار گرفته است: ۱. گرایش به خشونت فیزیکی (از ضرب و شتم گرفته تا قتل)، ۲. گرایش به خشونت روانی و کلامی (از داد و فریاد، تحقیر کلامی، تخریب شخصیت و دشنام گرفته تا تهدید)، ۳.

گرایش به خشونت فرهنگی و اجتماعی (نادیده گرفتن ارزش‌های فرهنگی، قومی و نیز هرگونه ایجاد محدودیت در برقراری روابط اجتماعی با افراد دیگر)، ۴. گرایش به خشونت اقتصادی (تخریب اموال و داشتن رفتارهای وندال‌گونه)، ۵. گرایش به خشونت قانونی (در مقابل ساختار سیاسی مطرح است و شامل: تحصن، تظاهرات و نقض قوانین و مقررات).

یادگیری رفتار خشونت‌گرایانه

در جدیدترین نظریات روان‌شناسی، از گرایش محض عوامل درونی و صرفاً روانی در انجام رفتار پرهیز شده و بر عوامل اجتماعی تأکید شده است. آلبرت باندورا^۲ از جمله کسانی است که با عنایت به چنین بینشی، تئوری یادگیری اجتماعی را در روان‌شناسی مطرح کرده است. این تئوری بر دو اصل کلی تأکید دارد که نقش مهمی در بروز یا عدم

1. Aggression

2. Albert Bandora



اهمیت نقش والدین روی رفتار بچه بسیار مهم است. بر این اساس، بچه‌هایی که در کنار والدین پرخاشگر بزرگ می‌شوند، این‌گونه رفتار را بیش‌تر بروز می‌دهند. در زندگی واقعی، فرد آمادگی بیش‌تری دارد تا تحت تأثیر کسی قرار گیرد که شبیه او به نظر می‌رسد.

قضاوت عامل: عامل مهم دیگر در تقلید رفتار پرخاشگرانه، قضاوت دیگران روی رفتار است. اگر رفتاری را تهاجمی، موجه، درست، مشروع و اخلاقی بخوانند، احتمال تقلید زیاد می‌شود.

نظربه این‌که رفتار افراد در زندگی روزمره، متأثر از الگوهای مختلفی است، باندورا بر الگوسازی خشونت و پرخاشگری در سه موقعیت اجتماعی ذیل تأکید دارد:

الف) محیط خانواده: پرخاشگری در محیط خانواده، طیفی از شکل‌ها و گونه‌های متفاوت به خود می‌پذیرد که بد رفتاری با کودکان در یک‌سوی آن قرار دارد و نگرش‌ها و گفتارهای پرخاشگرانه والدین در سوی دیگر آن. به نظر باندورا، در همین عرصه تربیتی است که کودکان با شدت تمام در معرض نمونه‌هایی روشن و زنده از قهر و اجبار و پرخاشگری قرار می‌گیرند و عمل والدین، آن نمونه‌ها را به‌عنوان شیوه‌های مطلوب حل اختلاف و اظهار تمایلات و خواسته‌ها به آن‌ها معرفی می‌کنند.

ب) خرده‌فرهنگ‌ها یا فرهنگ‌های فرعی: به نظر باندورا، برخی از خرده‌فرهنگ‌ها (خرده‌فرهنگ‌های

بروز رفتاری خاص دارند؛ این دو اصل عبارتند از: الف) اصل تقلید و ب) اصل منبع مؤثر (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۳۸). همان‌گونه که باندورا ادعا می‌کند، رفتار مورد مشاهده یا رفتار تجربه‌شده از نظر شناخت مورد بررسی قرار می‌گیرد. اگر این رفتار در محیطی باعث برطرف کردن نیاز برای رسیدن به هدفی شود، احتمال بروز آن حتی بدون وجود پاداش خارجی هم زیاد خواهد بود؛ به‌خصوص اگر این رفتار الگویی ارائه دهد که برای مشاهده‌گر ارزش و اهمیت داشته و پایگاه اجتماعی بالایی نیز داشته باشد (اعزازی، ۱۳۸۰: ۶۰). به عبارتی، پرخاشگری کاملاً جنبه تقلیدی دارد و از طریق مشاهده کسب می‌شود و نمی‌تواند پایه ذاتی داشته باشد (ستوده، ۱۳۹۰: ۲۳۰). باندورا (۱۹۷۲) می‌گوید: هر نوع مشاهده‌ای موجب تقلید رفتار نمی‌شود. تقلید رفتار به عوامل زیادی بستگی دارد که مهم‌ترین آن‌ها موارد زیر است:

کسب پاداش: مشاهده‌گر خود را با نتیجه رفتار هماهنگ می‌کند. اگر مدل مورد مشاهده از پرخاشگری پاداش بگیرد یا مجازات شود، احتمال همانندی فرق می‌کند. بنابراین در صورت دریافت پاداش، رفتار مورد مشاهده تقویت خواهد شد. ولی در صورت مجازات شدن، رفتار مورد مشاهده تقلید نمی‌شود و از رفتار مشاهده‌گر حذف خواهد شد.

مشخصات الگوی پرخاشگری: اگر الگوی پرخاشگری در جامعه، پایگاه اجتماعی بالایی داشته باشد و مورد احترام و تحسین باشد، در میزان تقلید اثر می‌گذارد.

مورد قبول افراد)، خوراکی غنی از پرخاشگری و پاداش‌های فراوانی برای پرخاشگرترین اعضای خود ارائه می‌دهند: «بالاترین میزان رفتار پرخاشگرانه در محیط‌هایی دیده می‌شود که الگوهای پرخاشگری در آن فراوان است و پرخاشگری، ویژگی شخصیتی پرارزشی محسوب می‌شود.»

ج) الگوهای نمادین یا مجموعه‌های فرهنگی:

باندورا، بخش عمده‌ای از تأثیر الگوهای نمادین بر پرخاشگری را به رسانه‌های جمعی به ویژه تلویزیون نسبت داده است (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۴۰۵ و ۴۰۶). بنابراین، متأثر بودن و تقلید از منابع پرخاشگری (خانواده، خرده فرهنگ‌ها و الگوهای نمادین) در صورتی که برای فرد پاداش به همراه داشته باشد، آن‌ها را مستعد بروز رفتارهای خشونت‌گرایانه می‌کند.

خودآرزیابی

به منظور سنجش یادگیری خشونت و پرخاشگری، از پرسشنامه محقق ساخته براساس رویکرد نظری یادگیری اجتماعی آلبرت باندورا (۱۹۷۲) در قالب طیف لیکرت پنج

درجه‌ای استفاده می‌شود. این ابزار، دوازده سؤال دارد که سه مؤلفه یادگیری خشونت از خانواده (شامل گویه‌های ۱ تا ۴)، یادگیری خشونت از فرهنگ‌های فرعی (شامل گویه‌های ۵ تا ۸) و یادگیری خشونت از مجموعه‌های فرهنگی (شامل گویه‌های ۹ تا ۱۲) را مورد سنجش قرار می‌دهد. پاسخ‌دهی به سؤالات نیز براساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت با گزینه‌های «کاملاً مخالف» (با نمره ۱)، «مخالف» (با نمره ۲)، «تا حدی موافق» (با نمره ۳)، «موافق» (با نمره ۴) و «کاملاً موافق» (با نمره ۵) است. ابزار، کدگذاری معکوس ندارد. علاوه بر آن، مجموع نمرات این سه بعد به عنوان نمره کل میزان برخورداری از یادگیری خشونت و پرخاشگری محاسبه می‌شود. نمره بالاتر دال بر میزان یادگیری خشونت و پرخاشگری بالاست. بنابراین با توجه به دوازده سؤال براساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت با دامنه پاسخ ۱ تا ۵، میانگین آزمون برای کل سؤالات برابر با ۳۶ است؛ پس امتیاز بالای ۳۶ دال بر میزان یادگیری خشونت و پرخاشگری رو به بالاست. همچنین درخصوص ابعاد سه‌گانه، میانگین‌های آزمون برای هر یک از ابعاد سه‌گانه یادگیری خشونت و پرخاشگری برابر با دوازده است.

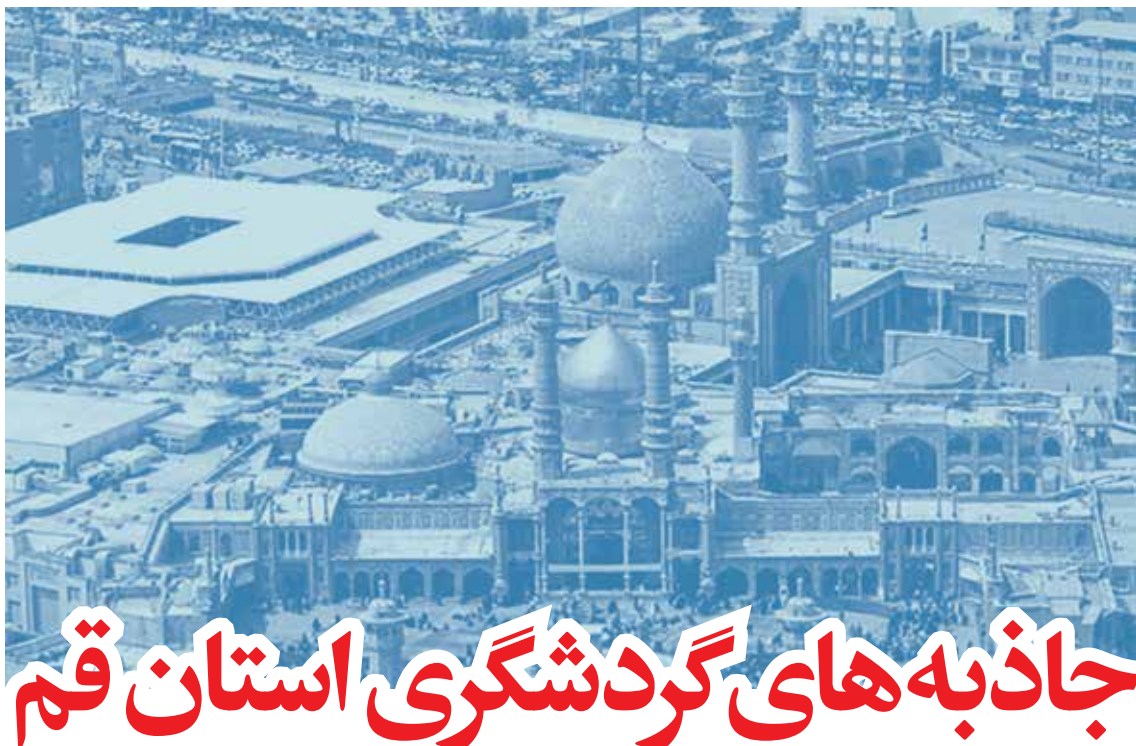
پرسشنامه یادگیری خشونت و پرخاشگری (براساس رویکرد نظری یادگیری اجتماعی آلبرت باندورا)

ردیف	لطفاً با توجه به گزینه‌های مقابل هر سؤال، پاسخ دهید:	کاملاً مخالف	مخالف	تا حدی موافق	موافق	کاملاً موافق
۱	من در خانواده‌ای بزرگ شده‌ام که در آن انواع درگیری‌های فیزیکی و کلامی، امری عادی تلقی می‌شود.					
۲	خیلی پیش آمده است که پدر و مادرم بر سر مسائل و مشکلات کوچک زندگی با هم دعوا کنند.					
۳	خیلی وقت‌ها بوده است که از والدینم کتک خورده باشم.					
۴	والدینم به من آموختند اگر کسی مرا مورد آزار و تمسخر قرار داد، حتماً با او برخورد کنم.					

ردیف	لطفاً با توجه به گزینه های مقابل هر سؤال، پاسخ بدهید:	کاملاً مخالف	مخالف	تأخیدی موافق	موافق	کاملاً موافق
۵	در میان دوستانم، افرادی هستند که به طور مداوم با دیگران دعوا می کنند.					
۶	دوستانم کسی را که در دعوا و درگیری کم نمی آورد، تحسین می کنند.					
۷	دوستانم کسانی را که از دعوا و درگیری پرهیز می کنند، مسخره می کنند.					
۸	از نظر دوستانم، برخورد فیزیکی در دعوای امری عادی تلقی می شود.					
۹	علاقه مند به دیدن فیلم های خشن و ترسناک هستم.					
۱۰	فیلم ها و سریال های اکشن را زیاد می بینم.					
۱۱	بسیار علاقه مندم که بخش حوادث را از رسانه ها دنبال کنم.					
۱۲	علاقه مند به پیگیری اخبار و حوادث جنایی و خشن از رسانه ها هستم.					

منابع

اعزازي، شهلا (۱۳۸۰)؛ خشونت خانوادگی. تهران: نشر سالی، چاپ اول.
ستوده، هدایت الله (۱۳۹۹)؛ روان شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات آوای نور، چاپ بیستم.
سلیمی، علی و دلاوری، محمد (۱۳۸۶)؛ جامعه شناسی کجروی. قم: انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ سوم.
صدیق سروسرستانی، رحمت الله (۱۳۸۶)؛ آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات اجتماعی). تهران: انتشارات نی.
محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳)؛ وندالیسم. تهران: انتشارات آن، چاپ اول.
- Feldman, Roberts. (1993) understanding psychology. Mecraw: Hill, Ine,



تهیه و تنظیم: رویا امیدوار

وجود رودخانهٔ اناربار و وجود راه مواصلاتی، منطقهٔ قم از دوران‌های اولیهٔ تاریخی بوده است.

طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران، شهر قم ۱,۲۰۱,۱۵۸ نفر جمعیت داشته است و همچنین مهاجرانی از استان‌های دیگر ایران در این شهر ساکن هستند. با این جمعیت، قم در رتبهٔ هفتمین شهر پرجمعیت ایران قرار می‌گیرد. بیش‌تر ساکنان شهر، مسلمان و شیعهٔ دوازده امامی هستند و تعدادی از اقلیت‌های دینی زرتشتی و مسیحی نیز در شهر ساکن هستند.

به شهر قم، القاب فراوانی نسبت داده می‌شود؛ اما لقب رسمی و مورد استفاده در رسانه‌ها و همین‌طور شهرداری قم «پایتخت مذهبی ایران و قطب فرهنگی» است. از قم با عناوینی چون: حرم اهل بیت، شهر علم، استراحتگاه مؤمنین، دارالموحدین و شهر کریمهٔ اهل بیت و عَش آل محمد (آشیانهٔ آل محمد) یاد می‌کنند.

استان قم در مرکز کشور و در جنوب استان تهران، شمال استان اصفهان، شرق استان مرکزی و غرب استان سمنان واقع شده است. این استان در منطقهٔ خشک و نیمه خشک قرار دارد و آب و هوای گرم و خشکی دارد. مناطق جنوبی و غربی استان، آب و هوای کوهستانی و کوه‌های مرتفع دارد و مناطق شرقی، مرکزی و شمالی استان نیز کویر و بیابان گسترده دارد که بزرگ‌ترین آن‌ها دشت مسیله است.

استان قم از نظر وسعت، پس از استان البرز، کوچک‌ترین استان ایران است. مرکز این استان، شهر قم است و سه شهرستان دارد. شهرهای قم و سلفچگان، مهم‌ترین شهرهای استان به‌شمار می‌روند. محدودهٔ گسترده‌ای از استان قم، آثار قدیمی قمرود دارد و عناصری را از روزهای اولیهٔ حضور در خود حفظ کرده است. باستان‌شناسان ادعا می‌کنند به علت

قم از نظر اقتصادی از اهمیت منحصربه‌فردی برخوردار است؛ زیرا این استان از یک سو در میان استان‌های صنعتی ایران همچون تهران، اراک و اصفهان واقع شده و از سوی دیگر شاهراه ارتباطی میان استان‌های جنوبی به استان‌های شمالی و استان‌های شرقی به استان‌های غربی کشور است. همچنین این استان به سبب وجود بزرگ‌ترین حوزه علمی ایران و بازگاه حضرت

معصومه، از نظر مذهبی نیز اهمیت دارد و دومین شهر زیارتی کشور ایران محسوب می‌شود. در واقع به دلیل همین موقعیت ویژه، این استان همواره در طول تاریخ، یکی از مهاجرپذیرترین مناطق کشور بوده است. بیش‌تر مهاجران را طلبه‌های حوزه‌های علمیه تشکیل می‌دهند که بسیاری از آنان به همراه خانواده‌های خود به قم مهاجرت کرده‌اند.

۱. حرم حضرت معصومه (س)

حرم حضرت معصومه (س) دومین زیارتگاه مهم مذهبی کشور و از جاهای دیدنی قم است که در سال ۱۳۱۰ در فهرست میراث ملی ایران قرار گرفت. حضرت معصومه (س)، دختر امام موسی کاظم (ع) و خواهر حضرت رضا (ع) هستند و از همین رو، این حرم مقدس سالانه پذیرای میلیون‌ها زائر داخلی و خارجی است. علاوه بر اهمیت مذهبی در بین مسلمانان، این حرم به لحاظ تاریخی نیز اهمیت زیادی دارد و می‌توان آن را از جاذبه‌های تاریخی مهم قم به حساب آورد. حرم چندین ورودی دارد که عبارتند از: باب‌الکوثر و باب‌الشفاء (که به عنوان ورودی‌های اصلی در میدان آستانه واقع شده‌اند)، باب‌القبله، باب‌الجنه، باب‌الکرامه و باب‌العلم. گردشگران برای استفاده از اتوبوس‌های برقی مختص جابجایی زائران می‌توانند به باب‌الشفاء، باب‌الجنه و باب‌الکوثر مراجعه کنند.

گرداگرد مرقد، دیواری به بلندی دو متر و طول و عرض تقریبی ۴/۸۰ در ۴/۴۰ قرار دارد که در سال ۹۵۰ بنا شد و با کاشی معرق آراسته شد که اکنون این دیوار با ضریح مشبک از جنس نقره پوشیده شده است.

آرامگاه حضرت معصومه (س) در داخل مسجد بالاسر واقع در صحن عتیق قرار دارد. زیباترین و قدیمی‌ترین کاشیکاری‌های حرم را می‌توانید در قسمت مرقد مشاهده کنید که در سال ۶۰۵ هجری قمری در عهد مظفریان به دست محمد بن ابی طاهر کاشی‌قمی، بزرگ‌ترین کاشی‌ساز آن دوران ساخته شد. ساخت

کاشی‌ها هشت سال طول کشید تا این‌که در سال ۶۳۰ هجری قمری آماده و نصب شدند. این کاشی‌های دیدنی هنوز وجود دارند و بارزترین آثار موجود در حرم مطهر به حساب می‌آیند.

برخلاف برخی از زیارت‌نامه‌هایی که برای معصوم‌زادگان و امام‌زادگان انشا شده است، درباره فاطمه معصومه این نکته اهمیت دارد که زیارت‌نامه‌اش از ناحیه علی ابن موسی الرضا نقل شده است. زیارت‌نامه فاطمه معصومه در سال ۱۳۹۸ برای نخستین بار در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی با دستخط علی بن موسی - که از روی قرآن شماره ۱۵۸۶ منسوب به او اقتباس شده از سوی حمید رباعی بازآفرینی شده است.

طبق روایات تاریخی، اولین گنبد حرم، یک سایبان حصیری بود که موسی بن خزر ج روی آرامگاه ایشان گذاشت. این طور به نظر می‌رسد که حضرت زینب (س) از دختران امام جواد (ع) در سال ۲۵۶ هجری قمری، اولین گنبد را در این محل بنا کرد. در ادامه وزیر طغرل کبیر در دوره سلجوقیان، گنبد بلندی مزین به کاشی‌های رنگی روی این آرامگاه مقدس ساخت. همسر شاه اسماعیل صفوی دستور می‌دهد آن را به کاشی‌های معرق‌کاری مزین کنند و ایوان بزرگی با دو مناره در طرفین آن بنا کنند که ایوان طلای امروزی است. معماری و کتیبه‌های حرم حضرت معصومه (س) نمونه‌ای بی‌نظیر از هنر و فرهنگ اسلامی است؛ به طوری که متنوع‌ترین و هنرمندانه‌ترین هنر اسلامی با قدمتی بیش از هزار سال را در خود جای داده و به خلق فضایی معنوی

گنبد آن مشاهده کرد که به صورت کلاهخود است؛ چون طبق رسم گذشته، این کلاه را برای احترام بر سر بزرگان می‌گذاشتند. گلدسته‌های حرم نیز برای استحکام ایوان، بلند ساخته شده است و به دستانی بلند شده رو به آسمان شباهت دارد. علاوه بر این، گلدسته‌های کوچک اطراف گنبد و صحن‌های مختلف، به نشانه نگهبانان حرم هستند.

منتهی شده است. با توجه به قدمت زیاد حرم مطهر، سبک‌های مختلف معماری اسلامی در آن به چشم می‌خورد که مشهودترین آن‌ها، سبک اصفهانی است. از ویژگی‌های این سبک در حرم می‌توان به مقرنس‌کاری، توجه به هم‌جواری، کاشیکاری، آئینه‌کاری، مناره و کتیبه‌نگاری اشاره کرد. معماری اسلامی و ارزشی را می‌توان در جای جای حرم، از جمله



نشانی: استان قم، حرم حضرت معصومه (س)

۲. بازار قم (تیمچه بزرگ)

بازار قم با قدمت حدود چهارصد سال، در مرکز شهر واقع شده است و سراهایی دارد که ویژگی این سراها نوعی فضاهاى باز معماری (مجموع تجاری بدون سقف) هستند و معمولاً به تجارت عمده می‌پردازند. این سراها در حقیقت همان کاروانسراهای درون شهری محسوب می‌شوند که در راسته بازارها قرار دارند و شمار و وسعت آنها نشان‌دهنده اهمیت اقتصادی آنهاست. راسته بازار، پوشش گنبدی و سرپوشیده دارد. این بنا از نظر وسعت، هنر معماری و تزیینات از جمله بناهای منحصربه‌فرد به شمار می‌رود.

تیمچه بزرگ قم مربوط به دوره قاجار است و در قم، داخل راسته بازار واقع شده و این اثر در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۷۶ با شماره ۱۹۰۲ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. این تیمچه، بزرگ‌ترین سقف ضربی ایران به شمار می‌آید. معماری این بنا را استاد حسن قمی مشهور به معمارباشی در سال ۱۲۶۱ هجری خورشیدی طراحی و اجرا کرد. متولی بنا سید محمود طباطبایی از تجار قم بوده که پدر سیدحسین طباطبایی قمی است. این سازه متشکل از دو طبقه با دوازده غرفه است و ارسی‌هایی داشته که بیش‌تر آنها از بین رفته‌اند. بالای حجره‌ها در زوایا مقرنس گچی انجام گرفته است. سقف تیمچه سه چشمه دارد که قسمت وسطی دارای دهانه و ارتفاع پانزده متر است. گنبد از نوع عرق چینی و پوشش زیر آن، شمشه‌کاری با اسلوب رسمی‌بندی و یزدی‌بندی است. تیمچه بازار قم برای تجارت فرش ساخته شده و امروزه فرش مهم‌ترین محصول صناعی و فروش این تیمچه است؛ به طوری که قم به عنوان پایتخت فرش ابریشمی ایران و جهان شناخته شده است و با تیمچه امین‌الدوله در کاشان برابری می‌کند. تیمچه بزرگ به طور کلی متشکل است از دو بخش اصلی و تیمچه سرا و دو ورودی از راسته بازار نو به تیمچه و یک ورودی از کوچه سید اسماعیل به سرا دارد. بخشی از بنا در تیمچه است که محل اسکان رئیس، مدیر و مسئول اصلی بناست و محلی برای فرماندهی بنا و معمولاً دارای مرکزیت در این‌گونه

بناهاست؛ به همین دلیل، ویژگی‌های خاص معماری دارد و تزیینات بسیار زیبایی را شامل می‌شود. شاه‌نشین بنای تیمچه بزرگ بازار نو شمالی صحن بنا و در طبقه فوقانی قرار گرفته و کاملاً مشرف به تمامی بخش‌های بناست. دسترسی به شاه‌نشین از طریق پلکان‌هایی که در فضای اصلی قرار دارند، به شاه‌نشین می‌رسد. این دو راه‌پله به بالکنی مقابل فضای شاه‌نشین می‌رسند و سرانجام وارد فضاهاى داخلی آن و دیگر فضاهاى متصل به آن می‌شود. در ایوان یعنی فضای فوقانی تراس شاه‌نشین، شاهد تزیینات بسیار زیبای مقرنس هستیم که کاملاً زیبا و استادانه اجرا شده‌اند.

در حال حاضر از بازار قدیم قم، دو بخش «بازار کهنه» و «بازار نو» بر جای مانده که هر کدام از این بازارها حدود یک کیلومتر طول دارد. تیمچه بزرگ قم، بیست حجره در طبقه پایین و دوازده غرفه در بالا دارد و آثاری ارزنده از هنر گچبری و مقرنس را در خود جای داده است. گنبد این بنا از نوع عرق چینی و پوشش زیر آن شمشه‌کاری با روزنه‌هایی برای تأمین روشنایی داخل بناست. تیمچه با دو ورودی به راسته بازار نوراه می‌یابد.



نشانی: قم، خیابان طالقانی، تیمچه بازار قم

۳. مسجد مقدس جمکران

مسجد جمکران در شش کیلومتری شهر قم به طرف جاده کاشان و در نزدیکی روستای جمکران قرار دارد و از مهم‌ترین و ارزشمندترین جاهای دیدنی قم به شمار می‌رود. با توجه به پیشینه احداث و ساخت آن، مسجد جمکران علاقه‌مندان و عاشقان بسیاری را به خود جلب می‌کند و سالانه، به ویژه در شب‌های سه‌شنبه و چهارشنبه هر هفته، میزبان دل‌سپردگان بی‌شماری می‌شود. تزیینات مسجد در دوران قاجار انجام گرفت که از جمله آن‌ها می‌توان به ازاره کاشیکاری خشتی هفت‌رنگ، تزییناتی با استفاده از نقوش اسلیمی با آب طلا و رنگ لاجوردی و کتیبه‌ای از کاشی‌های خشتی و مزین به سوره جمعه اشاره کرد. محراب‌ها زیبا و هنرمندانه تزیین شده‌اند و استادکاران هنرمند، آن‌ها را با پوشش مقرنس گچی و لچکی‌های کاشیکاری شده با کتیبه‌هایی مزین به خط ثلث آراسته‌اند. در سال ۱۳۳۲ هجری شمسی، به همت سید محمد آقازاده بازسازی محوطه ورودی انجام شد.

ساخت این بنا به نقل محدث نوری به فردی به نام شیخ حسن بن مثله جمکرانی مربوط می‌شود؛ به گفته او که در بیداری با امام دوازدهم شیعیان، مهدی دیدار

کرده است و حجت ابن الحسن دستور ساخت مسجد را به او داده است. مسجد مقام، به ساختمان شبستان اصلی مسجد جمکران گفته می‌شود که مساحت کلی آن یکصد مترمربع است. ایوان مسجد، سه ورودی دارد که از طریق آن به شبستان چشم‌نواز و مقرنس‌کاری شده راه می‌یابید؛ در اطراف ایوان، دو مناره به ارتفاع شصت متر آراسته به کاشی‌های معرق بوده که زیبایی‌های بنا را دوچندان کرده است. گنبد فلزی مسجد بر فراز هشت ستونی که در شبستان دیده می‌شود، استوار شده است؛ در گنبد حدود ۲۵ پنجره وجود دارد که به منظور تأمین نور شبستان تعبیه شده است. این گنبد زیبا و فیروزه‌ای‌رنگ، مزین به کتیبه‌ها و ترنج‌هایی چشم‌نواز است. سطح بیرونی گنبد از جنس کاشی بوده و سطح داخلی آن نیز ترکیبی از آجر و کاشی‌های معرق است.

صحن اصلی: به طور کلی مسجد جمکران شش ورودی دارد که ورودی شمال شرقی به طور مستقیم به شبستان اصلی مسجد می‌رسد. به گفته مسئولان مسجد، پیرامون صحن، تعداد چهارده مناره وجود دارد. دو شبستان در دو سوی مسجد مقام وجود دارد که مساحت هریک چهار هزار مترمربع بوده و در دو طبقه بنا شده‌اند. این دو شبستان مزین به آینه‌کاری‌های بسیار زیبا بوده و دو گنبد به شکل قرینه دارند.



نشانی: قم، شش کیلومتری قم، نزدیک روستای جمکران

۴. کوه خضر نبی

و خلوتگاهی روحانی و معنوی برای انجام عبادات عاشقانه و عارفانه خود بهره می‌بردند.

این کوه به دلیل این که محل عبادت حضرت خضر نبی بوده است، به این نام شهرت یافته و در سراسر ایران، آن را به کوه خضر نبی می‌شناسند. ارتفاع کوه خضر نبی از سطح دریا تقریباً ۱۰۹۰ متر برآورد شده است. مسئولان گردشگری و شهرداری استان قم، برای تسهیل در رفت و آمد زائرین و بازدیدکنندگان این اثر تاریخی، مسیری پله‌مانند برای آن طراحی کرده‌اند که تردد را برای تمامی سنین از جمله کودکان و کهنسالان ممکن ساخته است. کوه سفید که نام دیگر این منطقه تاریخی است، ارتفاع زیادی ندارد و از مهم‌ترین ویژگی‌های آن می‌توان به اشراف کامل شهر هنگام حضور بر فراز آن اشاره کرد. چشم‌انداز زیبا و حیرت‌انگیز آن نیز به گونه‌ای است که توجه و نظر هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند و مدت‌ها آدمی را محو تماشای مناظر بی‌نظیر کوه و اطراف آن می‌کند. بسیاری از افرادی که به سفر حج مشرف شده‌اند، با حضور در این مکان مقدس، به دلیل شباهت بسیار آن به غار حرا، یاد و خاطرات آن سفر معنوی را در ذهن خود مرور می‌کنند. به دلیل موقعیت جغرافیایی کوه خضر و ارتفاع آن از سطح زمین، دمایی متفاوت و در عین حال بسیار مطلوب‌تر از شهرستان قم را در این مکان تجربه خواهید کرد.

کوه خضر نبی در شش کیلومتری مرکز قم به سمت جنوب و در کنار شهرک قدس قرار دارد. بر قلّه این کوه در سه هزار سال پیش غاری بوده که امروز به مسجد کوچکی تبدیل شده است و گفته می‌شود که محل زیارت خضر نبی بوده است. این کوه در گذشته محل نیایش عارفان بوده است. ارتفاع کوه حدود ۱۱۱۷ متر است و در نزدیکی کوه دوبرادران (کوه نیایش) در ادامه رشته‌کوه زاگرس قرار دارد. مسجد جمکران نیز در نزدیکی این کوه قرار دارد. کوه خضر نبی، از نظر تفریحی نیز مورد توجه ساکنان قم بوده و همچنین در طراحی مسیر بالا رفتن از این کوه، این نکته در نظر گرفته شده است که هر گروه سنی، چه خردسال و چه کهنسال بتواند از آن بالا برود. در دامنه این کوه، چندین شهید گمنام به خاک سپرده شده‌اند. طبق اظهار نظر مورخان و باستان‌شناسان، به نظر می‌رسد که حدود سه هزار سال پیش، در قلّه کوه خضر، غاری وجود داشته که احتمالاً محل نیایش و عبادت حضرت خضر نبی (ع) بوده است؛ غاری که امروزه به مسجدی کوچک تبدیل شده است. البته در دورانی که شهرستان قم مانند امروز گسترش نیافته و تا دامنه این کوه پیشروی نکرده بود، بسیاری از عارفان، زاهدان و سالکان، از این مکان به عنوان مکانی امن



نشانی: قم، شش کیلومتری مرکز شهرستان قم به سمت جنوب، نزدیک شهرک ایثار

۵. مسجد جامع قم

است و تاریخ بنای آن هم سال ۷۵۵ بوده است. قدیم‌ترین منبعی که در آن به وجود مسجد در این مکان اشاره شده است، کتاب تاریخ قم، نوشته حسن بن محمد قمی است که در سال ۳۸ هجری نوشته شده است و در آن تصریح شده که ابوالصدید حسین بن علی بن آدم اشعری، مسجد جامع قم را که در میان قم و کمیدان بوده است، در میانه قرن چهارم هجری بنا کرده است.

اسکلت اصلی گنبدخانه متوازن آن، به نیمه نخست سده ششم هجری قمری تعلق دارد. این مسجد پس از مسجد حسن عسکری، قدیمی‌ترین مسجدی است که در قم بنا شده است. گنبد رفیع مسجد جامع قم، یکی از باشکوه‌ترین، شگفت‌انگیزترین و رفیع‌ترین گنبدهای مساجد ایران است. جای تعجب نیست اگر برای هر بیننده‌ای در مورد چگونگی ساخت این گنبد، جای سؤالی وجود داشته باشد. برای ساخت این مسجد بزرگ و گنبد آن، که حدود شش هزار مترمربع

مسجد جامع قم یا مسجد جامع عتیق، یکی از مساجد قدیمی در شهر قم است و مرکز شهر قم و در محله لب چال در خیابان آذر و نزدیک دروازه ری واقع شده است. از راه خیابان آذر، بزرگراه «عمار یاسر» و تونل غدیر می‌توان به این مسجد دسترسی پیدا کرد. این مسجد، مجموعه‌ای از بناهای چند عصر و دوره است. سال احداث بنای کنونی گنبدخانه ۵۲۹ هجری قمری است؛ این تاریخ تا پیش از تعمیرات دوران فتحعلیشاه در کتیبه‌های گچبری موجود در بنا به وضوح نمایان بوده است. به بیان صنیع‌الدوله در کتاب مرآت البلدان در نیمه دوم قرن سوم ساخته شده است. مسجد جامع قم، از بناهای قدیمی شهر است که بانی آن معلوم نیست، اما در کتاب گنجینه آثار قم آمده است که بانی این مسجد و مدرسه روبروی آن، که جانی خان نام دارد، سلطان جانی خان، پادشاه تاتار ترکستان



نشانی: قم، خیابان آذر، نزدیکی دروازه ری

وسعت دارد، حتی یک شاخه آهن نیز به کار نرفته و با گذشت سالیان سال از ساخت آن، همچنان پابرجا و استوار مانده است. این مسجد مقصوره و گنبدی باستانی و ایوانی قدیمی با دو گوشواره و سه شبستان و زیرزمین و ایوان و صحن و سردر ورودی دارد. با توجه به نوشته‌های حک شده در کتیبه‌های گچبری مسجد (متأسفانه در دوران حکومت فتحعلیشاه، برخی از نوشته‌های کتیبه‌های برجای مانده از این اثر تاریخی از بین رفته است)، به نظر می‌رسد که آغاز پیکربندی اولیه گنبدخانه به سال ۵۲۹ قمری با اوایل قرن ششم هجری بازمی‌گردد.

از مهم‌ترین و باشکوه‌ترین بخش‌های احداث شده در این مسجد کهن، می‌توان به ایوان آن اشاره کرد. معمار هنرمند این عمارت تاریخی، نقشه ایوان زیبای آن را با دهانه‌ای به ارتفاع هجده متر، عرض هفت متر و طول چهارده متر، طرح‌ریزی کرده که از لحاظ جمال و هماهنگی اضلاع، کم‌نظیر و مثال‌زدنی است.

پوشش ایوان مقرنس‌گچی داشته است که در نوع خود تحسین برانگیز بوده و بسیار باشکوه جلوه می‌کند. نقشه کاشیکاری صورت‌گرفته بر دیوار ایوان که در مرکز قاب‌هایی به شکل آجر کلوکی (آجر کوچک) و تراش، همراه با تزیینات لحاظ شده با کتیبه‌های فراوان، نظر هر گردشگر و بازدیدکننده‌ای را به خود جلب می‌کند. از نکات جالب و تحسین برانگیز دیگری که می‌توان در مورد محراب مسجد بیان کرد، حضور و تعبیه مشبک‌هایی که در این بخش قرار گرفته‌اند؛ آن‌ها به صورتی کاملاً زیبا و چشم‌نواز طراحی شده و مسئولیت ورود و خروج هوا را جهت جلوگیری از گرم شدن فضای محراب، برعهده دارند. گنبد مسجد نیز در مرتفع‌ترین قسمت (پشت بام) تعبیه شده است که گفته می‌شود قدمت سلجوقی است. این بخش، زیبایی و شکوه چشم‌نوازی را برای مسجد جامع به ارمغان آورده است که می‌توان از آن به عنوان یکی از مجلل‌ترین گنبد‌های زمان خود نام برد.

۶. سد کبار

سدهای قدیمی با تاریخچه‌ای هفتصد ساله که در دشت کبار در نزدیکی زنبورک از توابع جنت‌آباد (قم) قرار دارد و همچنان دشت کبار را آبیاری می‌کند و کشاورزی منطقه را رونق بخشیده است. سد کبار به عنوان قدیمی‌ترین سد قوسی دنیا که هنوز هم پابرجاست، قدمت آن به حدود ۱۳۰۰ میلادی می‌رسد و در ۲۴ کیلومتری قم در نزدیکی زنبورک از توابع جنت‌آباد (قم) بر رودخانه کبار قرار دارد. معماری منحصر به فرد آن، دلیل پابرجاماندن آن بعد از گذر سالیان دراز است؛ زیرا این سد به صورت قوسی و در میانه دو کوه بنا شده و مصالح آن از ملات سنگ و ساروج است که در بقای آن بی‌تأثیر نبوده است. در قدیم برای انتقال آب آن از لوله‌های سفالی استفاده می‌شده است و اکنون این لوله‌ها در موزه آب تهران نگهداری می‌شود. این سد با ارتفاع ۲۶ متر و طول ۵۵ متر از سنگ لاشه

سخت بنا شده است. این سد یک برج آبگیر دارد که آب از طریق آن به قسمت زیر آب منتقل می‌شود. در کنار حفره خروجی آب سد، کانالی در دامنه صخره‌ای از کوه، در سطحی بالاتر از بستر رودخانه، کنده‌اند که آب را به سطوح مرتفع‌تری منتقل می‌کرده است. سد در کوه پی‌سازی شده و شالوده دیواره در شکاف به وجود آمده قرار گرفته که از آب‌بندی مناسبی برخوردار است. انتخاب محل مناسب برای برپایی سد و همچنین شکل قوسی آن، نشان‌دهنده مهارت و دانش بالای مهندسان سازنده سد است. این مهارت سبب شده است که دیواره سد در برابر فشار آب مخزنی به طول و عرض پانصد در هزار متر به خوبی مقاومت کند. در نزدیکی این سد، نزدیک به جاده قم کاشان و در نزدیکی مزارع زنبورک، کاروانسرای پاسبانان وجود دارد که دو آب‌انبار دارد و به نظر می‌رسد که آب آن‌ها از این سد تأمین می‌شده است.



نشانی: ۲۵ کیلومتری جنوب قم و در جاده قدیم قم به کاشان، بعد از پادگان نظامی

۷. خانه تاریخی ملاصدرا

خانه تاریخی ملاصدرا در کهنک، یکی از مناطق کوهستانی واقع در جنوب استان قم است که بسیاری از روستاهای بیلاقی استان در این منطقه واقع هستند؛ روستاهایی که به واسطه جاذبه‌های طبیعی و تاریخی گردشگری، از زیباترین روستاهای ایران به‌شمار می‌روند. این منطقه از استان قم، آب و هوایی مطبوع‌تر، بارندگی بیش‌تر و حاصلخیزی بیش‌تری دارد. خانه ملاصدرا، یادگاری ارزشمند از اقامت این دانشمند در قم است. خانه تاریخی ملاصدرا، متعلق به دوران سکونت پانزده ساله محمد

بن ابراهیم یحیی شیرازی، ملقب به صدرالمآلهین و معروف به ملاصدرا، متولد سال ۹۷۹ یا ۹۸۰ هجری قمری، از بزرگان فلاسفه و از بزرگ‌ترین دانشمندان جهان در حکمت الهی و سرآمد حکمای اسلامی است. این یادگاری بازمانده از دوران سکونت حکیم در قم، در منتهی‌الیه غرب روستای کهنک، در محله چال حمام واقع است. این خانه از خشت خام، ملات گل و سقف با تیرهای چوبی ساخته شده است و فضایی گیرا و قدیمی با سقفی بلند و پوشش گنبدی با دیوارهای سیاه و اندود گل و تزیینات گچبری ساده با کاربردی‌های زیبا در سقف دارد که چهار طرف آن فضاهایی چهارگوش مسقف بین تویزه‌های

جانغی شکل دارد که در مجموع، شبیه امامزاده‌های دوره صفوی است. محوطه اصلی این بنا، سقف گنبدی شکل دارد و در رأس گنبد آن، شیشه‌های رنگی نور را به داخل بنا هدایت می‌کند. در چهار طرف این محوطه، چهار دهلیز قرار گرفته که دو دهلیز آن در تملک دیگران است و سازمان میراث فرهنگی استان قم در صدد خرید، حفاظت و بازسازی آن‌هاست. خشت خام، ملات گل و سقف با تیرهای چوبی، مواد و مصالح مورد استفاده در این بناست و ابعاد خشت‌ها معادل $20 \times 20 \times 6$ سانتی‌متر است و عرض دیوارها به طور معمول از دو خشت تشکیل شده است که معادل شصت سانتی‌متر است. در شرق خانه، قنات به نسبت پرابی وجود دارد که جزئی از مجموعه خانه ملاصدرا محسوب می‌شود. متأسفانه قسمت اعظم بنا تخریب شده و از هشت اتاق پیرامون شبستان، فقط یک

اتاق باقی مانده است. دو اتاق دیگر طی تعمیرات سال ۱۳۷۷ شمسی بازسازی شد.

صدرالدین محمد ابن ابراهیم قوام شیرازی، معروف به ملاصدرا، در حدود سال ۹۸۰ هجری قمری در شهر شیراز به دنیا آمد. او در هفده سالگی برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت و پس از تکمیل تحصیلات فلسفی و عرفانی خود، برای تهذیب نفس و سیرو سلوک و نیز به سبب مخالفت عده‌ای از علمای ظاهرین، ناچار به ترک اصفهان شد و در قریه کهک در نزدیکی قم اقامت کرد. او به دنبال تأسیس مدرسه خان در شیراز و درخواست والی فارس، به وطن خود بازگشت، ولی در ۵۸ سالگی و به قوی در هفتادسالگی در بصره دارفانی را وداع گفت.

خانه ملاصدرا در تاریخ ۵ دی ۱۳۷۵ با شماره ۱۸۲۱ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.



نشانی: قم، روستای کهک

۸. مدرسه فیضیه قم

اول قرن سیزدهم هجری قمری (محدوده سال‌های ۱۱۶۵ تا ۱۲۱۵ شمسی) جایگزین مدرسه آستانه شد که به اعتبار متون معتبر تاریخی، آن مدرسه از میانه قرن ششم هجری قمری وجود داشته و در عصر صفوی

نام قدیم مدرسه فیضیه یا حوزه علمیه فیضیه قم یا مدرسه دینیّه فیضیه قم است. این مدرسه در نیمه

تجدید بنا شده بود. بنای مدرسه، چهار ایوانی است و در دو طبقه با چهل حجره پایینی متعلق به عصر قاجار و چهل حجره بالایی متعلق به قرن چهاردهم هجری قمری بنا شده است. قدیمی‌ترین بخش مدرسه، ایوان جنوبی آن است که در تاریخ ۹۳۹ هجری قمری با کاشی‌های زیبای معرق، متعلق به عصر صفوی تزیین شده است و سردر صحن عتیق، آستانه حرم فاطمه معصومه، دختر موسی بن جعفر محسوب می‌شود. فیضیه مربوط به سده‌های میانه دوران‌های تاریخی پس از اسلام است و در قم، جنب حرم فاطمه معصومه، میدان آستانه مقدسه واقع شده و این اثر در تاریخ ۹ بهمن ۱۳۸۶ با شماره ۲۰۷۱۵ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. بنابر نظر منابع معتبر تاریخی، بنای اولیه مدرسه با نام مدرسه «آستانه» مربوط به قرن ششم هجری بوده و تا اواخر قرن یازدهم به همین نام مشهور بوده و در اسناد بازمانده از همان قرن ذکر شده است. سپس در دوره

صفوی تجدید بنا شد و در همین دوران به نام فیضیه شناخته شد و در نیمه نخست قرن سیزدهم، بنای مدرسه فیضیه، جایگزین مدرسه آستانه شد. بنای فعلی مدرسه، مربوط به دوره فتحعلیشاه است که در سال ۱۱۷۱ بنیان شده و بنای سابق را خراب کرده و مدرسه را توسعه داده است.

مدرسه فیضیه از اهمیت ویژه‌ای در کشورمان برخوردار است. عالمان و مجتهدان بسیاری، ساکن این مدرسه بوده و در آن تحصیل یا تدریس داشتند و به همین دلیل، به طور مرتب اعضای این مدرسه از سوی مأموران امنیتی نظام سلطنتی پهلوی مورد آزار و حمله قرار می‌گرفتند.

سخنرانی معروف آیت‌الله خمینی در ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ که منجر به قیام ۱۵ خرداد شد هم در همین مدرسه بود و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز برخی از دیدارها و سخنرانی‌های ایشان در صحن این مدرسه برگزار می‌شد.



نشانی: قم، جنب حرم فاطمه معصومه، میدان آستانه مقدسه

۹. روستای فردو

که یک شبه جهانی شده است. همچنین این روستا با داشتن ۱۰۴ شهید (با توجه به جمعیت کم) در دوران جنگ تحمیلی در ایران رکورددار است. ۱۰۸ شهید و پانصد رزمنده و ۲۵۰ جانباز و پنج آزاده، سهم روستای فردو است. همچنین آماری برای یک روستای کم جمعیت حدود هزار نفر، آماری بسیار جالب است. در سال ۱۳۶۵ حضور آیت الله خامنه‌ای در این روستای شهیدپرور، افتخاری برای این روستاست. مردم روستای فردو به زبان فارسی و با لهجه محلی سخن می‌گویند و مسلمان و پیرو مذهب شیعه جعفری هستند. درآمد اکثر مردم روستای فردو از فعالیت‌های زراعی و دامداری تأمین می‌شود. گروهی از مردم روستا در امور خدماتی و تولید صنایع دستی اشتغال دارند. در روستای فردو، پرورش زنبور عسل نیز رواج دارد. مهم‌ترین محصولات زراعی روستا شامل گندم، جو، لوبیا و عدس است. اراضی این روستا به صورت آبی و دیم کشت می‌شوند و آب اراضی مزروعی از رودخانه و قنات تأمین می‌شود. غار سالمستان، یکی دیگر از جاذبه‌های طبیعی این روستاست که در فاصله ۸/۵ کیلومتری قرار دارد. این غار مورد توجه غارنوردان و فضایی برای گذراندن اوقات فراغت است.

روستای فردو در پانزده کیلومتری جنوب شرقی کهک و ۴۷ کیلومتری جنوب شهر قم قرار دارد. این روستا از جنوب غربی به کوه چال، از جنوب شرقی به کوه عبدالوهاب و از شرق به کوه سلطان سعید شاه محدود می‌شود. نام روستای فردو، برگرفته از کلمه فردوس به معنای بهشت است. روستای فردو در محدوده کوهستانی جنوب شرقی کهک استقرار یافته و ارتفاع آن از سطح دریا حدود ۲۰۷۰ متر است و اقلیمی معتدل و کوهستانی دارد. آب و هوای این روستا در بهار و تابستان خنک و مطبوع و در زمستان سرد و خشک است. رودخانه فصلی فردو در شرق روستا جریان دارد. روستای فردو، قدمت و پیشینه تاریخی طولانی دارد. بنای امامزاده بسوره (باوره) در حوالی روستا و همچنین امامزاده‌ای در داخل روستا، قدمت این روستای کوهستانی را نشان می‌دهند. قدمت این زیارتگاه‌ها به دوره صفوی می‌رسد. نام روستای فردو به دلیل این که برای تأسیسات هسته‌ای کشورمان در حوالی قم انتخاب شد، در صدر اخبار جهانی، به ویژه خبرگزاری‌ها قرار گرفت؛ به طوری که می‌توان گفت فردو، روستایی است



نشانی: ۴۷ کیلومتری جنوب شهر قم

که به دلیل گذشت زمان و از بین رفتن بخش هایی از عمارات، صورت گرفته است. هنرمندان و استادکاران ایران قدیم، از تنوع جالب و شگفت انگیز تزیینات گچبری برای جلال و شکوه این بناها استفاده کرده و اثر هنری زیبا و قابل تحسین را برای آیندگان به ارمغان گذاشته اند. در این اثر تاریخی ورودی ای تعبیه شده است که دقیقاً به سمت مقبره شمالی قرار گرفته است. به نظر می رسد طراح و سازندگان این بنای کهن، در ورودی آن را با انحراف اندکی نسبت به آرامگاه مرکزی احداث کرده اند. گچبری های انجام شده در مقبره جنوبی، بسیار زیبا و چشم نواز است که می توان آن ها را در تاق نماها و کتیبه های برجای مانده آن، به دفعات مشاهده کرد. سقف آجرکاری شده بنای جنوبی، از مهم ترین تفاوت آن با دو آرامگاه دیگر است که با توجه به بررسی های صورت گرفته در آن و معماری انجام شده، به نظر می رسد که در قرن هشتم هجری ساخته نشده باشد. در بخش بیرونی، اسم مبارک حضرت علی (ع) بر دیوارها نقش بسته است که همانند آن را می توان در دو بنای دیگر نیز مشاهده کرد.



نشانی: قم، خیابان انقلاب، جنب گلزار شهدا

آثار و عمارات تاریخی، دربردارنده بخش عظیمی از فرهنگ، تمدن و هویت گذشتگان است که پس از گذشت چندین قرن همچون گوهری ناب و ارزشمند، برای آیندگان به یادگار مانده است. در اکثر استان های کشور، به دلیل بافت تاریخی و قدمت چندصدساله آن ها، آثار و عماراتی مشاهده می شود که به دلایل مختلفی همچون قدمت ساخت، معماری صورت گرفته در بنا، نوع کاربری آن در گذشته و... از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردارند. مقابر گنبد سبز استان قم که به گنبد های دروازه کاشان نیز معروفند، از جمله عماراتی است که به دلیل اصول معماری انجام شده در آن، از ارزش و اهمیت ویژه ای در بین باستان شناسان و کارشناسان معماری برخوردار است. مجموعه مقابر گنبد سبز، متشکل از سه آرامگاه است که در مجاورت یکدیگر قرار گرفته اند. این ابنیه که از جاهای دیدنی قم به شمار می روند، در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۱۰، در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده اند.

این آثار تاریخی در شرق شهرستان قم، خیابان انقلاب، مجاورت گلزار شهدا و در محلی که به دروازه کاشان معروف است، قرار گرفته اند. برای بازدید از این عمارات ایران کهن، کافی است پس از طی کردن خیابان چهارمردان قم، به گلزار شهدا و به درون باغ کوچکی بروید که به باغ گنبد سبز شهرت یافته است. مهم ترین ویژگی شاخص و منحصر به فرد مقابر گنبد سبز قم، معماری صورت گرفته در این بناها و استفاده از تزیینات گچبری زیبا و تحسین برانگیزی است که می توان از آن به عنوان نمونه ای کم نظیر و ستودنی نام برد. هنرمندان سازنده این عمارات کهن، گنبدها را به صورت دو پوسته گسسته رک طراحی کرده و پوسته خارجی به منشور شانزده ترکی و پوسته داخلی به شکل عرقچین اجرا شده است. به گونه ای که روی بدنه استوانه ای شکل دوازده وجهی بنا جای گرفته است. از دیگر نکاتی که می توان در مورد این آثار تاریخی ارزشمند بیان کرد، تعمیرات و مرمتی است



برترین های دانش آموزی

شاداب کرم پور

فرزند: مسعود کرم پور

و خانم پروین نجاتی

مقطع: سوم ابتدایی

معدل: خیلی خوب

استان: یزد



سیده آلا موسوی سوته

فرزند: سیدابراهیم موسوی سوته

و خانم سیده آتنا موسوی

مقطع: پنجم ابتدایی

معدل: خیلی خوب

استان: مازندران



فاطمه آقاملایی

فرزند: علی آقاملایی

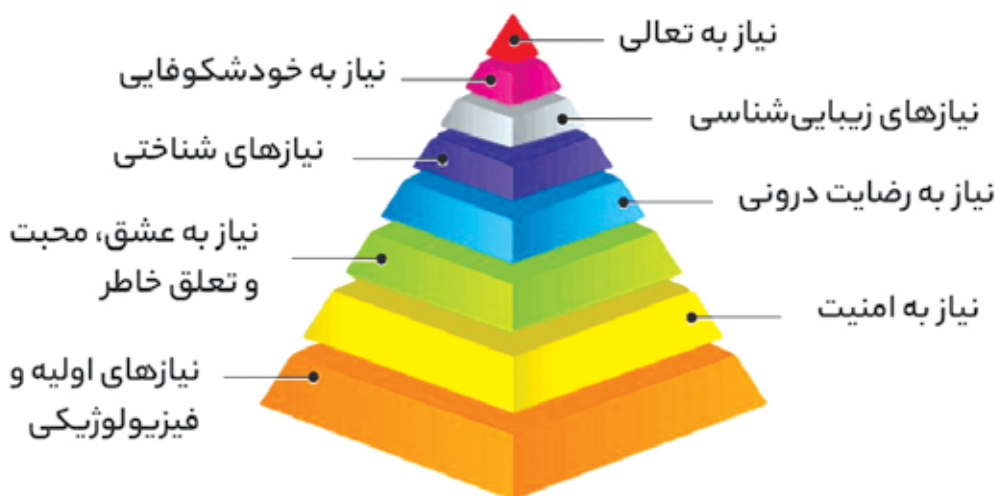
و خانم محبوبه جلالی

مقطع: هشتم

معدل: ۱۹/۵

استان: کرمان





اهداف والا داشته باشید

در نظر گرفتن اهداف والا، شما را از تمام افرادی که طرز فکری واقع بینانه و معمولی دارند، جدا خواهد کرد. در حقیقت، چون اغلب افراد به جای تلاش برای دستیابی به اهداف عالی به اهداف معمولی قانع می شوند، رقابت بر سر رسیدن به اهداف معمولی شدیدتر است.

در مقابل، رسیدن به اهداف عالی آسان تر از چیزی است که فکر می کنید. علاوه بر این، اغلب افراد فکر می کنند اهداف بزرگ ریسک های بزرگی نیز به همراه دارند و اگر مشکلی پیش بیاید، همه چیز از بین می رود. در حالی که ثروتمندان جدید بر این باورند که اگر بدترین اتفاق ممکن برایشان بیفتد، دنیا به آخر نمی رسد و می توانند شروعی دوباره داشته باشند.

از منطقه امن خود خارج شوید!

بر اساس هرم مازلو که سلسله مراتب نیازهای انسان را توضیح می دهد، می دانیم که نیاز به امنیت ابتدایی تر از نیاز به خود شکوفایی است. افراد با استناد به این نکته به اشتباه تصور می کنند که می توانند در منطقه امن خود بمانند و در عین حال به زندگی مطلوب خود نیز دست یابند.

در حالی که خود مازلو که این هرم را ارائه کرده است، معتقد است که در اغلب موارد، پیشرفت همراه با امنیت امکان پذیر نیست. به عبارتی نمی توانید در منطقه امن خود بمانید و در عین حال پیشرفت کنید. مردم عموماً سعی می کنند با تعابیر نادرست بر این خطا سرپوش بگذارند. شما ابداً جزو این دسته افراد نباشید.

باورهای اشتباه درباره ی کسانی که در منطقه امن ذهنی خود مانده اند

باقی ماندن در منطقه امن؛ از این طرز تفکر معمولاً به اشتباه تحت عنوان مثبت اندیشی یاد می شود، اما در حقیقت این امر یک تنبلی ذهنی است.

این تنبلی به خاطر ترس از چالش هایی است که برای رسیدن به اهدافی بزرگتر در زندگی تان باید با آنها مواجه شوید. با ترس هایتان روبرو شوید! اصلاً هر روز دقیقاً همان کاری را انجام دهید که شما را می ترساند.

مسیر رسیدن به موفقیت پر از موقعیت هایی است که ممکن است برایتان خوشایند نباشد.

مثلاً اگر به کسی علاقه دارید، آن را ابراز کنید. از رویاهای خود فرار نکنید. هر کاری را که باید انجام بدهید، همین امروز به سراغش بروید. در اغلب موارد، دقیقاً همان چیزی که از آن ترس داریم، کلید محقق شدن رویاهای ماست. خطرناک ترین رویکرد این است که منتظر بنشینید تا موفقیت در خانه تان را بزند.

حال اگر کارمند باشید و مجبور باشید هر روز در محل کار خود حاضر شوید، چه؟ آیا باز هم می توانید از منطقه امن خود خارج شده و به یک ثروتمند جدید تبدیل شوید؟ خبر خوب این است که بله، می توانید.

همان طور که گفتیم باید از منطقه امن خود خارج شوید و تلاش کنید که با وجود محدودیت های محل کار خود، تا جایی که می توانید آزادی عملکرد به دست آورید.



پرش های دفترچه «طلوع ۳» این بار به صورت الکترونیکی در سایت صندوق به نشانی زیر قرار دارد
<https://sqsh.ir/assessment/room/toloo-three>

